



جذبش‌های

سازمان فرهنگ نشر انسانی

مخفی در اروپا



شورای نویسنده‌گان

زیر نظر

دکتر محسن هشتروودی

خو آنلاین هر زیر!

سازمان نشر فرهنگ انسانی، بمنظور بالا بردن سطح اطلاعات عمومی و علمی خوانندگان خود، تصمیم به ترجمه و انتشار یک سلسله کتابهای گرفته است که با چنان هدف و غایتی تالیف و تصنیف شده‌اند.

مراد از انتشار این مجموعه‌های علمی، ادبی، هنری و اجتماعی که در آنها مطالب بیشتری باحداقل کلمات ممکن بیان شده و بصورت کتابهای کوچکی در آمده و نتیجتاً غناء محتویات بر ارزش واقعی آنها می‌افزاید، اینست که قابل استفاده همگان بوده بتواند اطلاعات جامع و مفیدی در رشته‌های مختلف علوم که معرفت جمعی وجهانی انسانهاست، در دسترس طالبین و جویندگانش قرار بدهد.

سازمان ما برای نیل بمقصود، توجهش معطوف به انتشار اطلاعات علمی می‌باشد که دوراز هر گونه شائبه، غرض و نظر خاصی باشد، بنا بر این مقصود اصلی نشر علم و فرهنگ با جنبه‌های گوناگون است بدون آنکه عقیده خاصی مطمح نظر باشد. انتظار ما اینست که خوانندگان عزیز با مطالعه این نشریات که با جمع آوری آنها مجموعه‌ای از فرهنگ انسانی را در دسترس خود خواهند داشت، در سیر تحول علوم به استنتاج منطقی از آگاهی‌های خود موفق گردند.

ما بسیار خوشوقت و سپاس گزار خواهیم شد که خوانندگان عزیز نظر خود را در مورد انتشار این مجموعه و مطالب آن بنویسند. و مارا راهنمایی کنند.

آرزوی ما اینست که در انجام خدمات بر جسته فرهنگی بتوفيق خدمتگزاری نایل گردیم.
ناشر

چه می دانم؟

جنبدش های محفوی در اروپا

تألیف

هانری میشل

(ذبیر کل کمیته تاریخ جنگ دوم جهانی)

ترجمه :

مصطفی موسوی

حق چاپ محفوظ

ناشر : موسسه مطبوعاتی فریدون علمی

ناصرخسرو - تلفن ۱۶۵۱

خواننده محترم

گرچه بلحاظ اجباری که در حفظ اصالت متن
و ذکر اسامی مختلف داشته‌ام، ترجمه‌روانی تقدیم نشده...
اما، با اینهمه چون کتاب حاضر نموداری از وقایع
مستند و تلاش مبارزان مؤمنی میباشد، امیدمیر و دمطاله
آن برای همگان ... آموزنده و ثمر بخش باشد.

(مترجم)

توضیحات مختصر حواشی کتاب با علامت \times از مترجم است

چاپ جواهری تلفن ۳۱۳۳۳

مقدمه مؤلف

به نشريات پنهانی ، عملیات زيرزمینی و رزمندگانی که لباس او نيفورم بر تن ندارند ، در هر يك از كشورها نام خاصی داده شده است .

انگليس ها آنها را ، اندر گروند (۱) (سازمان زيرزمیني) هلنديها که پيوسته در ترس و وحشت شکستن سدها و فروختن در زير آبها بسرمييرند ، اندر دويicker (۲) (كساني که در زير آب زندگی ميكنند) ، و بالاخره آلمانها تحت تأثير خشونت توأم با ترس خود ، آنها را تروسيت هينا ميدند .

از کرانه های فنیستر (۳) (غربي ترين استان فرانسه) تاسواحل ولگاهمه جا زير فشار بيدادسياسي و نظامي ، و شکنجه های غير انساني خوردشند ، معهذا ملت های دست نخورد هاي تحت تأثير نيروى باطنى و اعتقاد به ناپايدار بودن سالهای جنگ ،

Onderduikers - ۲

Underground - ۱

Finistere - ۳

این دوران شوم راطی و جان بدر بر دند و اینک بعلت دردسترس نبودن اسناد کامل شرح و توصیف و قایع آن پایداریها بسهولت میسر نمیباشد زیرا :

در این زمینه مدارکی از آلمانها باقی است، اما این مدارک صرفاً نظر از پراکنده‌گی وابهام، چون تقریباً همگی درباره عملیاتی است که علیه مبارزات مخفی انجام گرفته نه خود مبارزات، لذا آنطوریکه باید برای شناسائی سبک و روش این نوع مبارزات کافی نیستند،

اسناد متفقین هم که اکثرآ حاوی دستورات و ارسال پول و وسائل و اعظام مأمورین است، با وجودیکه این کمک‌ها در موقع خود کمال اهمیت را داشت و بی‌آنها بادر نظر آوردن بازداشتگاه‌هایی نظیر بوخنوالد (۱) مسلماً هر نوع مبارزه مخالفت آمیز پایه و اساسی نمیگرفت، معهدها امروز به منظور ما، که شناسائی خصوصیات مقاومت هاست کمک زیادی نمی‌کند زیرا:

روسها که تا کنون جز داستانهای در موعد عملیات قهرمانی و زندگی پارتیزانها چیزی منتشر نساخته‌اند، وزارت خارجه امریکا (۲) هم در بسرویسهای مخصوص خود را بروی همه بسته و جز برای محققین نیمه بازنمی‌نماید، و تازه نسبت به آنها هم دریغ دارند که پرونده‌هارا عرضه نمایند.

آرشیوهای وزارت خارجه انگلستان هم مطلقاً قابل دسترسی نیستند.

به مین ترتیب مدارک و اسنادی هم که از آلمانها و متحدین اور باره نهضت‌های مقاومت بدست آمده بسیار محدود و ناقص

هستند. بالاخره آخرین وسیله که باقی میماند مدارک خود مقاومت کنندگان است که آنهم بعلل مختلفی بسیار کم و محدود میباشد، زیرا مقررات شدیدی که براین سازمان‌ها حکم‌فرما بوده اجازه نمی‌داده است، که کمترین اثر و مدرک کتبی از آنها بجا ماند، مقاومین موظف بودند تمام دستورها و اسنادی را که ردو بدل میکردند بخاطر اینکه خطرات را بحداقل کاهش دهند، پس از بخاطر سپردن مفاد آنها، معذوم سازند زیرا در غیر اینصورت افشاء و کشف هر قسم سندي موجب میشد که اشغالگر بی‌رحم از طریق تقاطع اطلاعات و توسل به شکنجه دادن افراد را بطور زنجیری بازداشت و همگی رامعذوم سازد. به این نقص مدارک و عدم دسترسی به پروندها، بایستی اشکالات و موانع ناشی از موقعیت و محل مناطقی که میدان پیکارها بوده، اضافه گردد. بعلاوه باید دانستکه این مبارزات تنها علیه دشمن جریان نداشت، بلکه علیه افراد یادستجاتی که بادشمن همکاری میکردند بنویسند، موجب جنگ داخلی و ظهور دشمن‌های جدیدی گردید. وبالاخره پس از پیروزی هتفقین آن اقامه دعاوی و محاکمات پرهیجان و غم‌انگیزی که تحت تأثیر خشم انتقام جویانه علیه شکست خوردگان انجام و منجر به اعدام‌های پی‌در‌پی‌محکومین شد، همه‌این عوامل موجب گردیدند تا همانطوری که امر و زه قدرت دو بلوك بزرگ به رقابت و خصوصیت باهم برخاسته‌اند مقاومت هم در داخل ملت‌ها متواتل به جنگهای پار تیزانی گردد.

مسئله غیرقابل احتراز دیگری که وجود دارد، اینستکه شخص نمیتواند در بررسی جنبه‌های مختلف مبارزات و مطالعه

در اروپا

و تحقیق هدفهای آن ، اصول بی طرفی را حفظ نماید ، و پس از همه اشکالات باید در نظر گرفت که مطالعه ماروی اموری است که هنوز نکات مبهم زیادی در آنها وجود دارد ، از این قبیل که مثلا مقاومت یونگوسلاوی چگونه شروع شده است ؟ – روابط بین مبارزین مخفی لهستان با رویه شوروی بهجه نحو بوده است ؟ نحوه مقاومت مردم خود آلمان در برابر هیتلر و عمل تصمیم به تسليم بلاشرط آلمان – وبالاخره وضع حکومت ویشی و دلیل همکاری آنها با آلمان چه بوده است ؟

با اینکه خاطرات و بیوگرافی های زیادی در باره مبارزات مخفی منتشر شده ، ولی هیچیک از آنها درجهت مورد نظر مورخین نبوده است ، زیرا اولاً اکثر آنها ، از حدود واقعیت تجاوز ، و سوژه داستانهای ادبی گشته اند . ثانیاً از بسیاری عملیات وابسته به این قبیل مبارزات حتی اسمی برده نشده است ، زیرا یا هنوز موقع ابراز آنها نرسیده و یا انتشار آنها مخالفت قانون بوده و یا اینکه اعضاء سرویسهای مخصوص حق افشاء آنها را ندارند (۱)

مدارک رسی ، خیلی بندرت چاپ و منتشر شده اند ، زیرا ، از یکطرف وجود اسامی مستعار و علام قراردادی ، استفاده از این مدارک را مشگل ، از طرف دیگر جون این گونه مدارک بصورت پراکنده و سیله صاحبای آنها حفظ می شود بنا بر این جمع آوری

(۱) تذکر – در این کتاب سرویس های مخصوص سایه بقیعی می باشد سرویس جاسوسی و ضد جاسوسی مورد بحث قرار نمی گیرند بلکه در مواردی که ارتباطی با مقاومت مبارزات مخفی پیدا می کنند بدانها اشاره ای می شود .

وچاپ آنها بسهولت میسر نمیگردد . تنها دولت یوگوسلاوی درمورد مبارزات مخفی کتب زیادی منتشر ساخته که امیدواریم دولتهای دیگر نیز بدان تأسی نمایند . در خاتمه باید این مورد راهم بعنوان یک مشکل دیگر اضافه نمود ، که فرضاً مطلبی هم در باره این وقایع منتشر گردید ، کمتر اتفاق میافتد که این انتشارات توأم با تبلیغاتی بنفع و در راه افتخارات رژیم سیاسی که مورد قبول نهضتی بوده است ، نباشد ، و یا اینکه بخاطر برائت ملتی که تحمل حکومت دیکتاتوری را نموده است بکار نرود . گاه مقاومت را برای جلوگیری از تجدید سلاح آلمان توجیه کرده اند و گاه بمنظور تحصیل آزادی ملی ، چنانکه شورشهای برلین و بوداپست نمونه هایی از آنها بشمار میروند .

بنا بر این می توان گفت که فعلاً فقط تاریخ مبارزات مخفی اروپا باید نگاشته شود و برای اینکار در حقیقت بایستی جنگ دوم جهانی را از کلیه جنبه ها و جهات بررسی نمود ، و برای وصول باین هدف هم که کاری بس مشکل است ، جز تجزیه و تحلیل مطبوعات و سیله دیگری در دسترس نمیباشد ، زیرا اولاً کسب اطلاع از افراد وابسته به جنبش های مخفی ممکن نیست ، چون رازداری و عدم تفاهمی که این مبارزان نسبت بدیگران داشته اند باعث گردیده تا معاصرین آنها از اوضاع وحوادث مخفی همیشه بی اطلاع بمانند ثانیاً درمورد کسب اطلاع از مبارزه کنند گانی که اکنون در قید حیات اند هر چند گفته انها واجد اصلت است ، اما چون در آن ایام بکمک مهارت و تجریبه بطریزی کاملاً طبیعی اعمالی را انجام

میداده‌اند امروز دیگر قادر نیستند توالی حوادث و وقایع را بخاطر آورده عملیات و مشاهدات خود را بطور روشن توصیف نمایند.

با تمام این اشکالات و علی رقم همه آنها، سعی شد که بهر صورت، تاریخ مبارزات مخفی اروپا را بین سال‌های ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۵ تهیه و تقدیم خوانندگان دارم.

فصل یکم

خصائص عمومی مقاومت

« همانطوریکه موقعيت‌های سیاسی و بدنبال آن پیش‌فتهای »
« نظامی هیتلر تسلط نازیها بر اروپا گسترش میداد، پس از یک »
« دوره سکون و سرخوردگی ایمان عمومی و علی‌رغم تبلیغات »
« اشغالگران و تبلیغات دولت‌ها و احزاب طرفدار آنها، بتدریج »
« مقابله و مخالفت با فاتح وقت، آغاز و توسعه یافت. این »
« مخالفت‌ها گاه علنی و آشکارا بود و قبل از آنکه شراره این »
« طغیان‌ها در اردوگاه‌های کار اجباری خاموش گردد به عملیات »
« و مبارزات زین زمینی کشانده میشد، و مبارزان در تاریکی »
« و خفا شمشیرها را صیقل داده، اراده‌ها را که از امید پیروزی »
« متفقین سیر اب میشد، نیرو میدادند و از طریق تهدید مداوم و »
« ایندیعه دشمن، با منتظر لحظه پیروزی و وارد کردن آخرین ضربت »
« قطعی میماندند »
« هنگامی که ارتضی کشورهای مفتوحه مغلوب و سازمانهای »

« اجرائی آنها قهرآ باختیار فاتح درآمد . یک خواسته و اراده»
 « استقلال طلبی به اشکال مختلف در میان ملل زجر دیده شروع»
 « به نشو و نما کرد . ولی اشغالگران نه تنها نیرو و قدرت را در»
 « دست داشتند ، بلکه معتقد بودند که نظام نوینی را برای ساختمان»
 « یک اروپای جدید و انجام یک انقلاب سیاسی و اجتماعی بهار مغان»
 « آورده اند . آنها طریق سهل و آسانی را ارائه داده بودند :»
 « قبولاً ندان یک عمل انجام شده ، تکیه به قوی تراز خود و واگذاری»
 « سر نوشت به او و امید به تحصیل یک موافقیت در میان خیل فرمانبران»
 « به تناسب اطاعتی که از خود نشان دهند ، صدقیق بودن به کسانی»
 « که علی رغم وظیفه ملی ، یوغ بر دگی شان را بگردان گرفته اند .»
 « از طرف دیگر نسبت به متمردین رفتار وحشیانه ای داشتند که از شکنجه»
 « زندانیان شروع و به اعدام گروکانها ، تخریب دهکده ها ، و کشتار»
 « دسته جمعی اسیران در زندانهای گمنام ختم می شد . وضعی که»
 « پیش آمده بود تازگی نداشت ، همه ملل اروپائی بارها در تایخ خود»
 « با این قبیل حوادث مواجه شده بودند و میتوانستند آنها را بپیاد»
 « آورند : گریلاهای اسپانیولی علیه ارش ناپلئون ، مبارزات قاطع»
 « ایتالیائیها علیه ریز و رجمینتو (۱) و کاربوناری (۲) ، اعمال افتخار»
 « آمیز روسها در جنگهای ملی ۱۸۱۲ ، و حوادث اوائل ۱۹۳۵ در»
 « اسپانیا ، و کمکهایی که هنگام فتح مسکو امردم روسیه به کوتوزف (۳)»
 « نمودند . خاطرات مردم هلند از (گو) (۴) ها ، و مردم لهستان»

Risorgimento - ۱

Carbonari - ۲
 کابوناری ، نام انجمن سری بود که در اوائل قرن ۱۹ در ایتالیا علیه افکار آزادی خواهی و اتحاد ایتالیا وجود آمد . X

Koutosof - ۳

بکمل مردم روسیه ناپلئون را شکست داده کراسنی را فتح نمود X

Gueux - ۴

نام شورشیان هلند علیه فیلیپ دوم شاه فرانسه که در سال ۱۶۸۰ برای کسب استقلال خود قیام کردند X

« از روزهای افتخار آمیز سال ۱۸۲۰ و ۱۸۶۳ ، خاطره صربها »
 « از جنگهای استقلال طلبانه علیه امپراطوری عثمانی ، و فرانسویها »
 « از جنگهای صد ساله و زاندارک و از (گزاندفره) (۱) یا از (فرانک تیروها) (۲) در سال ۱۸۷۱ . همه اینها خاطراتی »
 « بود از قیام مردم علیه زور و تسلط اجانب »
 « در واقع همه چنین کرده بودند : گاهی جنبش مقاومت »
 « فرانسویها در شمال کشور بنام ، تیراندازان (۳) زاندارک ، و دفعه »
 « دیگر در جنوب کشور بصورت (فرانک تیروها) . گاهی »
 « نهضت مردم هلند بنام (گوها) و زمانی (میخائولویچ) (۴) که »
 « پارتیزانها را بنام پارتیزانهای قدیم صرب که علیه عثمانیها »
 « قیام کرده بودند (چتنیگ) (۵) نامیده بود ، و صدها نظایر دیگر »
 « این قیامها ... تجلی مینمود .

در این موقع یادآوری خاطرات گذشته میتوانست تاحدی تقویت کننده روحیه ها باشد ولی حاوی آموزش و دستور نبود . زیرا هنوز طرح ریزی نشده بود و ناچار هنگام اجرا ، با شکست های هولناکی مواجه میگردید .

گروههای افسران و مأمورین ادارات اطلاعات نظامی بواسطه تجربه و تجربه کی فنی که در کار خود داشتند اغلب اوقات وظیفه هسته اصلی را عهده دار بوده کادر و آموزگارانی برای دسته های جدید تربیت و فراغم مینمودند . نهضت مقاومت وظیفه

Grand - Ferré - ۱

Franc-Tireur - ۲ نام سازمان جنگی جبهه ملی فرانسه

در جنگ گذشته X

Archers - ۳

Mihailovitch - ۴ نام نرالیو گوسلاوی صرب که مدتی با تیتو

در جنگ های پارتیزانی بر علیه هیتلر همکاری داشت X

Tchetniks - ۵ نام پارتیزانهای صربی در قیام علیه ترکها X

مامورین مخفی را بنفع متفقین بعهده گرفت . مقاومت کنندگان نه فقط حاضر به قبول اتفاق خاری عنوان جاسوسی میشدند بلکه اکثریت قریب با تفاوت آنها . بدون هیچگونه چشم داشتی داوطلب مبارزه‌ای بس مشگل و وحشتناک گشته در واقع نوعی سازمان ستون پنجم را برای خدمت به متفقین تشکیل دادند .

جنبش مقاومت نخست بصورت یک مبارزه میهنی برای نجات وطن جلوه گردید . و برای خیلی‌ها این فکر ، نخستین و تنها هدف بود . اما چون اشغالگران نازی هدف شان تنها اشغال نظامی کشور نبود بلکه آورنده یک دکترین ورزیم سیاسی بودند که در آن تمدن غرب نفی و انکار میشد . از این‌رو بود که جنبش مقاومت رنگ مبارزه برای آزادی و ارزش عالی انسانی را در مقابل دیکتاتوری و استبداد بخود گرفت .

با اینکه در اغلب کشورها مقاومت با اشغال آن کشور شروع و توام میشد ولی در خیلی از کشورها قبل از آنکه بجنگ کشانده شوند مقاومت آغاز شده بود ، چنانکه در ایتالیا از سال ۱۹۲۳ همزمان با شروع بقدرت رسیدن حزب نازی در آلمان ، این مقاومت آغاز گردید . بنا بر این میتوان نتیجه گرفت که جنگجویان مقاومت ، اولین نبردهای خود را در جریان جنگ‌های داخلی اسپانیا یعنی از هنگامیکه ستون پنجم طرفداران فاشیست ، اولین فالانژهای (۱) همکاری و کمک را تشکیل دادند ، شروع گردید . و مهمترین نقشی که کمونیستها ایفاء کردند آن بود

۱ - Phalange - حزب فاشیست اسپانیا که در ۱۹۳۳

تشکیل و نام قدیمی واحدهای نظامی نظیر هنگ است X

که خواص سیاسی این قسم جنگهای مقاومتی را افزایش دادند.

پیکمار پنهانی

مقاومت سازمانی نیست که فرد بخصوصی عضویت آنرا داشته و سایرین را مؤمن و معتقد نمایند تا «درج رکه مقاومین در آیند» بلکه یک حالت روانی است که شخص را علاقه مند با نجات یک عمل خاص، و مواجه شدن با خطر مینماید.
 این حالت روانی متوالیاً و یادآن واحد اشکال مختلفی بخود میگیرد که ما آن حالت روحی را بترتب اهمیت و نه
 بتر ترتیب روز و تاریخ وارد بررسی قرار خواهیم داد:

- « کمبین درجه مقاومت عبارت از آن نوعی است که آنرا « (مقاومت منفی) مینامند . که این نوع مقاومت حتی در رژیم‌هاei » « که از نازیسم الهام میگرفتند وجود داشت بدین توضیح که این رژیم‌ها، « حالت وطبیعت خاصی را در مورد روش سیاسی خود ابراز میداشتند» « که در حقیقت یک نوع مقاومت منفی ملایم محسوب میشد . یعنی» « میتوان گفت ، رژیم‌هاei که با تهدید و ترور بحیات خود ادامه» « میدادند به تناسب موقیت‌های خود ، تغییر حالت داده و مقاومت» « میگردند - تعیین میزان و اندازه دقیق این نوع مقابله و مخالفت» « مشکل میباشد فقط باین داشت که هبنا و پایه این نوع مقاومت « متکی بر تشخیص موقعیت است تا حداقل خطر را در برداشته باشد.» « بدین جهت آنرا نمیتوان ارزیابی کرد مگر اینکه این طرز» « مقاومت به مقایسه بین مقاومت مشبت و منفی تشبیه گردد ، مثلا» « برای اینکه امکان مقاومت منفی داشته باشند ، ظاهراً در نظر» « اشغالگران حالت خصم‌های نسبت به متفقین از خود نشان»

« میدادند : عزل لاوال (۱) در ابتدای کار بوسیله پتن و انتصاب « دارلان (۲) برای «استقرار نظام»، تشكیل نیروهای مسلح در «الجزائر توسط ویگان (۳) و بکار بردن آن نیروهای دارنوازی » « ۱۹۴۲ علیه امیریکا ، کوشش حکومت ویشی برای برقراری « ارتباط با لندن و پیشنهاد فوریه ۱۹۴۲ آلمان بمنظور اعلان » « جنگ فرانسه به انگلیس، ویا اجازه آزادی عمل گشتاپو (۴) » « در منطقه غیر اشغالی فرانسه از اول بهار ۱۹۴۲ . » « این گونه فعالیت‌ها همه در چهارچوب مقاومت منفی قرار » « دارند . البته نمی‌شود از این نوع مقاومت صرفنظر و آنرا » « نادیده گرفت چنانچه امیریکائیها توجه وابراز علاقه زیادی باشند » « نوع مقاومت داشتند . نکته دقیقی که این نوع مقابله و مقاومت » « را دچار بطوع وضعف مینماید عبارت از اقدامات متقابله و » « تردد کننده، یادوپھلو بازی کردن و بدتر از آن توطئه چینی‌های » « دشمن می‌باشد . »

مقاومت منفی ملی ابتدا خود بخود ظاهر گشت و سپس صورتهای مختلفی را بخود گرفت . تشكیل مقاومت ابتدا با اشتباهاتی توام بوده یا به آهستگی پیش میرفت، در نتیجه آلمانها

۱ - **Laval** — رئیس وزراء و معاون رئیس جمهور مارشال پتن در زمان اشغال فرانسه و مسئول اصلی سیاست همکاری با آلمان که در ۱۹۴۵ پس از محاکمه و تیرباران شد ×

۲ - **Darlan** — دریادار فرانسوی فرمانده نیروهای مسلح در زمان اشغال که در ۱۹۵۲ در الجنرال کشته شد . ×

۳ - **Weigand** — ژنرال فرانسوی که در زمان اشغال وزیر دفاع پتن شد و چندی بعد وسیله آلمانها بازداشت گردید — عضو آکادمی فرانسه ×

۱ - **Gestapo** — یکی از دو سازمان پلیس مخفی آلمان هیتلری ×

روز بروز بنابه خواسته‌های خود موافع زیادی را در مقابل آن میگسترند و اقدامات متقابله ناروا و غیر عملی را پیشنهاد میکرند. این روح مقاومت منفی فقط از یک روح مقاوم الهام میگرفت. بسیاری از افراد مقاومت کننده و مخالف در منطقه اشغالی فقط بفکر آن بودند که خود را مخفی کنند تا از خطر بمبارانهای متفقین درمان باشند.

وقتی که مقاومت منفی در مقیاس بزرگی عمل شود گردش چرخهای ماشین جنگی دشمن را کند و متوقف نمی‌سازد، مانند مواردی که (خرابکاری تدریجی) (۱) نموده و یا اینکه اعتصاب‌هایی را برآه می‌ندازند. اسرائیل‌جنگی و تبعید شدگان هم، مقاومت نوع اول را عمل میکرند در صورتیکه اجرای نوع دوم علامت آنست که مقاومت یک ملت بحداکثر اوج خود رسیده است. بالاخره برای اینکه وسعت اعمال خصمانه نسبت به دشمن ارزیابی گردد بایستی همت و شجاعت افراد، فعالیت هر چه بیشتر مردم هم بحساب آورده شود.

واضح است که این نوع مقابله تنها طریقه مقاومتی است که اکثریت کارمندان و کارگران میتوانند اجرا کنند. این نوع مقاومت ناچار بود که در یک حد قابل قبولی متوقف گردد زیرا در غیر اینصورت خطر آنرا داشت که بزیان کشور تمام شده حتی خود نهضت مقاومت راهم فلچ نماید. وقتی که مخالفتها با تمام خطرات ممکنه منتهی به (اعتصاب) میگردید در حقیقت موقع عمل فرا رسیده بود، ولو اینکه در ابتدای کار اعتصاب از طرف سازمان مقاومت رهبری و هدایت نشده بود. ولی این سازمان مقاومت بود که روح بمبارزه را در میان توده عظیمی رسوخ داده و حفظ میکرد تا بعد از

بتواند این روح مبارز را برای عمل مستقیم و قاطع تری هدایت کند.

این ارشاد و هدایت روح مقاومت و مبارزه و استفاده از آن، نشانه آنست که توده مردم از لحاظ روانی، متقادع و آماده عمل گردیده است. به تجربه ثابت شد که در این موقع مبارزه منفی بدون اینکه زیاد معلوم باشد دو باره ظاهر شده و جنگ روانی با دو منظور اصلی خود : یکی بخدمت گرفتن و تشویق کردن پارتیزانها و دیگر ما یوس و دلسرد نمودن حریف، آغاز میگردد:

انتشار تراکتها و روزنامه‌های مخفی در هر چند روز یک مرتبه در دوران مقاومت، مسلماً فسیله تازه و جدیدی نبود ولی آنچه که تا کنون سابقه و نظیر نداشت عبارت از فروریختن مقدار زیادی مطبوعات بوسیله هواپیما، وسعت فعالیت‌های مطبوعاتی، پخش امواج رادیوئی شامل دستورالعمل‌ها و پیام‌های امیدبخش بود. هر اندازه که بمنظور پشیبانی مقاومت ادارات و سازمانهای عملی توسط متفقین ایجاد و تأسیس میگردید بهمان اندازه هم نهضت‌های مخفی سازمان یافته و گسترش پیدا میکرد ..

« آثار و نتایج همه این تبلیغات مؤید روز بزرگ آمید» « و موقیت نهائی نبود : گویندگان رادیوها و نویسندهای مقالات، « نمیدانستند که گفته‌ها و نوشته‌های آنان چه آثاری روی شنوگان و « خوانندگان خواهد داشت ولی برای اکثر (مردمی که کشورشان، « تحت اشغال بود) گوش کردن به رادیو BBC، یارادیوبوستون و « یارادیومسکو بمنزله اولین سریچی از اواخر دستورات مقامات « داشغالگر بود. آنها با استفاده از گفتارهای رادیوئی و تراکتها نه تنها « از اخبار جدید مطلع شده و دلائلی برای امیدواری مییافتد، »

« بلکه ایمان و اعتقاد پیدا میکردند که تنها نیستند و فراموش « نشده‌اند. »

« توزیع مطبوعات، بطور دست‌بdest و طبق اصول مربوط « به اداره شبکه‌ها و جنبه‌های مخفی انجام میگرفت. درمورد» دشمن روز بروز دلائل زیادی برخراپ شدن وضعی روای وی « مشاهده میگردید زیرا وجود تبلیغات مخالف از قبیل نجوى‌ها، » « مطبوعات مخفی، شعارهایی که روی دیوارها نوشته میشد، همچنین « نشانه آن بودند که مبارزات مخفی و عملیات آن‌ها را بازیش « بوده و عدم امنیت در محیط حکمرانی است. »

« سپس آثار همه این جریان‌ها بصورت حوادث بزرگی » « بروز میگردید که ظاهرا هیچگونه ارتباط مستقیم با مقاومت « نداشت. »

در این حوادث هرچند چاپ و انتشار یک روزنامه عمل مؤثر و محركی بود و خیلی‌ها هم در این راه آزادی و حتی جان خود را از دست دادند اما عمل مؤثر و مستقیم بطرق دیگری انجام گردید:

« اولین عملی که به وقیع و مستقیماً موثر واقع شد » « عبارت بود از کمک بفراریان و زندانیان جنگی و سپس کمک » « به خلبانانی که در حین مأموریت در آسمان اروپای اشغال شده » « هواپیماهای آنها سقوط میگردید بدین قریب (سیلی از فراریان) » « برآ افتاد که ازلهستان بسوی هیجان‌رستان، از یوگسلاوی بسوی » « ایتالیا، از فرانسه از راه کوههای پیرنه (۱) و گاهی از یوگسلاوی » « بسوی اسپانی و افريقا فارمی کردند. بدنبال این (سیل فراریان) » « افراد مبارزه‌منصفی که مجبور به ترک کشور بودند خواه ازلحاظ » « رعایت احتیاط و خواه بامید اینکه هنگام پیروزی متغیر، جنک »

«را ادامه دهند، برای افتادند. اغلب اعمال مقاومت بصورت «فکاهی اجرامی شده لاسازمان بورگونی (۱) در فرانسه ظاهرآ برای» «نشان دادن وسعت کار و فعالیت خود فیلمی خطاب به متفقین تهیه نمود» «که یک قسمت آن خلبانان امریکائی را نشان میداد که بالباس» «غیر نظامی در پاریس و در میان سربازان آلمانی گردش میکنند» «و اعلامیه هائی را روی دیوارها می خوانند که در آنها اخطار» «شده بود: «هر کس به خلبانانی که هواپیماهای آنها سرنگون شده» «کمک نماید محکوم باعذام خواهد شد»

(شبکه های اطلاعات) نیز بوضعی تقریباً نظیر آنچه در باره مقاومت گفتیم بوجود آمد، در خیلی از موارد ممکن همان سازمان اطلاعات و ضد جاسوسی زمان قبل از جنگ ارتشها بفعالیت خود ادامه میدادند، و در موارد دیگر فعالیت آنها با همکاری سازمان (انتلیجنت سرویس) انگلستان و یا بعداً با سازمان OSS (۲) امریکا پیش میرفت. دولت های آزاد اروپا هم برای خود سازمانهای اطلاعاتی خاصی بوجود آورده که چندان اصولی نبودند زیرا اختیارات کمتری داشته و امکان از بین بردن آنها برای حریف زیاد بود، این دولت ها بجای عده زیادی خیرخواه احتیاج بمقدار زیادتری وسائل و امکانات داشتند. بدین ترتیب تعداد زیادی شبکه های ضعیف و ناپایدار و روی هم بوجود آمد و تمام اروپا را با یک تاروپود-کم و بیش فشرده فراگرفت، و بطور خلاصه نه فقط

Bourgogne- ۱

Office Of Service Secete ۲ — سازمان اطلاعاتی و

هدايت و اداره عملیات مخفی که توسط امریکائی ها تشکیل و من کر آن در لندن بود X

متخصصین بلکه تمام ساکنین یک منطقه اشغال شده هیتووا نستند تبدیل به مأمورین اطلاعات گشته و سازمانهای مبارزه مخفی را از مقاصد و اقدامات دشمن مشترک آگاه و باخبر سازند.

مسئله (خرابکاری) بطور دقیق جزو تاکتیک عمومی متخصصین درآمد و با آن منطبق گردیده، سازمان آن تحت نظر یک نفر وزیر متخصص در لندن ایجاد و توسط مأمورینی که در مناطق اشغالی با چتن فرود می‌آمدند بمورد اجرا گذارده‌ی شد، سپس این مأمورین گروههایی را در محل جمع‌آوری و آموزش داده و مجهز مینمودند، اما اغلب اوقات گروههای منفردی هم که فقط از شور باطنی خود الهام می‌گرفتند اقدام به خرابکاری می‌کردند، تحریب‌های انفرادی که بدین گونه انجام می‌گرفت گرچه خارج از برنامه مبارزه بود ولی مسلم است که این خرابکاریها مردم را تشجیع و تحریک می‌کرد، اضطراب و نگرانی در خاطر دشمن تولید مینمود و خیلی ارزانتر و مؤثرتر از بمبارانهای متراکم تمام می‌شد.

بموازات این خرابکاریها، (سواعقد و ترور) نسبت به کسانی که با دشمن همکاری می‌کردند یا نسبت به افراد و سر بازهان منفرد دشمن نیز انجام می‌گرفت ولی در این مورد بین مقاومت کنندگان اختلاف نظرها و مجادلاتی وجود داشت و جمعی بعلت انتقام سختی که دشمن بدنبال اعمال مزبور می‌گرفت و بردم را تحت شکنجه در می‌آورد این روش را مردود می‌شمردند.

دیگر از آثار سوء قصد و ترور مأیوس کردن کسانی بود که با دشمن همکاری می‌کردند و به این ترتیب سوء قصد کنندگان در یک دوره آشوب و نگرانی، از یک طرف بردم می‌آموختند که از

آنها تقلید کنند و از طرف دیگر به کسانی که خود را در اختیار دشمن قرار داده بودند می‌فهمند که طبق مقررات مقاومت، آنها اولین کسانی خواهند بود که بعلت خیانت محکوم هستند.

این عملیات منفرد و متفرق بالاخره منتهی به آن می‌گردد. که مبارزه مسلحانه آغاز گردد؛ چنانکه این مبارزه حتی در زمان اشغال هم وسیله هماکی ها (۱) و گریلاها (۲) آغاز شد. اگر چه ماکی‌ها الهام بخش مبارزات مخفی بودند ولی خود آنها نمیتوانستند در همه جا تشکیل شده و عرض اندام کنند، زیرا احتیاج به مناطق کوهستانی وسیع و جنگلهای انبو و صعب الوصول داشتند، و پشتیبانی تدارکاتی آنها اشکالات فراوانی را برای مردم بومی بوجود می‌آورد. تهیه نیرو، دریافت اسلحه و تجهیزات و پول وسیله چتر از هوا، وبالاخره دوام و احتیاج آنها به سختی وزورمندی عواملی بودند که کار آنها را مشکل می‌کرد.

چون گریلاها مجبور به زندگی در کشور خود بودند، از بین بردن آنها جزو کارهای اضافی اشغالگر بوده و با را اوران سنگین تر می‌کرد، با این ترتیب دشمن را تاحدی از آزادی عمل محروم ساخته او را از نظر مادی و معنوی فرسوده مینمود و در عین حال روح استحکام ملی یا ایدئولوژی را در میان هلت شکوفان وزنده نگاه میداشت، عملیات گریلاهای با اینکه اشغالگران

۱ - *Maquis* - بطور استعاره به مجموعه میهن پرستانی گفته

می‌شود که بطور مخفی با اشغالگران می‌جنگیدند و جزو سازمان مقاومت بودند. ×

۲ - *Guerilla* - دسته جات پارهیزان نیمه هنظام که

جنگهای نامنظمی را برای هدف خاصی انجام میدهند. ×

راتحریک و وادار به انتقام‌جوئی‌های خونین میکرد اما از طرف دیگر این عکس‌العمل آنها بطور کامل انجام نمیگرفت زیرا میترسیدند که تمام مردم باحالت نفرت و انزعجار و در میان غم‌واندوه، علیه‌دشمن یکدل و یکجان و متفق گردند درحالی که اشغال‌گر همیشه بیک‌حداقل‌همکاری احتیاج داشت و هر گاه‌همه‌چیز را منهدم و نابود میکرد زندگی و موجودیت خود او نیز غیرممکن میگردید. اشغال‌گر میتوانست مثلاً تمام دهکده‌های را که گریلاها از آنجا تغذیه میکنند آتش زده و منهدم نماید و از این راه دیشه آنها را خشک کند اما بسختی از این کار اجتناب نموده و تنها انتقام او توده کردن کشته‌ها و ایجاد خرابه‌ها بود، با این اعمال حتی حق انتخاب اسلحه و فرصت اخذ تصمیم را هم نامردانه از مقاومت کننده سلب مینمود. مجموعه این کنش و واکنش‌ها موجب شدند که جنبش مبارزات مخفی بتدریج جنگ دیده و کارآمد شده و قدرت آن را بیا بد که در نجات و رهائی ملت شرکت جوید. مسلمان جنبش مقاومت به تنهائی قادر نبود که فقط با وسائل خود بزنده‌گی ادامه داده نجات و رهائی ملت را تأمین نماید، مگر در شرائط روزهای که ورها خات (۱) در مقابل متفقین حالت دفاعی^۱ بخود گرفت و سپس شکست خورد، آنوقت موقع مناسب فرار سید و مقاومت کنندگان سرزمین‌های خود را نجات دادند، والبته این موقیت بدان جهت بود که مقاومت کنندگان نسبت به دشمنی که در حال عقب نشینی بود فقط مبادرت به رزم‌ها و عملیات ایدائی مینمودند.

۱ - Wehrmacht - کلمه آلمانی بمعنی نیروهای دفاعی و جنگی آلمان. ×

بهرحال روز (ر) (۱) - فرا رسید و قیام ملی درست تاسر اروپا ظاهر شد که تنها نقطه ضعف آن نداشتن اسلحه بود، در این موقع مقاومت کنندگان با توده عملت هایکی شدند. کمکهایی که به ارتضیه های آزادی پیشنهاد میکردند بسیار عظیم ولی نظامیها بدان اهمیتی نمیدادند. مقاومت کنندگان در همه جا پیشروی متفقین را تسهیل میکردند ولی همیشه ابتکار و اختیار عملیات در دست ارتضیه ها بود، در نتیجه، از این واحدهای بدون از نیفورم ارتضیهای بوجود آمد که در میان صفوف متفقین جای خود را باز کردند، و همین ارتضیه ها بودند که برای مللی که در حال اغماء و بیهوشی بسر میبردند پیام آوران رستاخیز عمومی گردیدند.

رشد و توسعه مبارزات مخفی

پیروزی آلمانها در همه جا ناگهانی و کلی بود، همه میدیدند که تمام واقعیت هایی که تا کنون بدانها ایمان داشته اند از قبیل جاودانی بودن وطن، مجتمعه ارزش های موروثی، و اعتماد به آینده و سایر چیزها، با یک ضربت منهدم و نابود میگردد، و مشاهده میکردند که علاقه تاریخی، سیاسی و محبت و حتی رشته های خانوادگی از هم گسیخته و فرو میریزد، در این موقع تمام بحثها و مجادلات عقیدتی گذشته آنها، فقط بصورت یک نظریه بی تفاوت در آمده در عوض همبستگی و روابط غیرمنتظره جدیدی ظاهر میگشت.

(۱) در اصلاح نظامی روز شروع حمله را روز (ر) و روزهای بعد را ۱ و ۲ و ۳... مینامند X

« مخالفت و مقابله در برای این حوادث در مراحل « اولیه بصورت يك (عکس العمل غریزی، انفرادی) پدیدار گشت » و اغلب با کلمات طعنه آمیز، بصورت تنقید و یا استهزاء « فاتح شروع شده و به توزیع ذراکت‌های کم‌وبیش ساده و نوشه »، « های دستی که طبق روش دست‌بدست تکثیر و پخش هیشد مبدل « گشت ۰ »

« اولین (گروه مقاومت) در اثر تصادف و اتفاق بوجود آمد، بی‌تجربگی‌های زیادی وجود داشت، بحث و پر گوئی بیش» از اندازه هیشد، اولین کنایه‌ها و گفتگوها ضمن بیم و ملاحظه « موقعیت اشغالگر ظاهر می‌گشت. این گروه‌ها هر قدر بیشتر، بی‌احتیاطی بخراج میدادند همانقدر هم‌زا پایدار و کم‌دوام تر می‌شدند. »، « اعمالی از قبیل فریادهای اعتراض آمیز بی‌نتیجه، که فقط » اعصاب را تسکین میداد یا طرح ریزی ناشیانه خرابکاری‌ها، « موجب توقیف‌ها و بازداشت‌های محدودی می‌گردید، آنهائی که « نمی‌توانستند خویشتن را از توقیف‌ها بر کنار نگاهدارند بسا این، « گروه‌ها می‌پیوستند و وسیله ارتباط این گروه‌ها اغلب روزنامه »، « هائی بود که دست‌بدست می‌گشت. فعالیت و دقت کار و تامین، « این گروه‌ها هنگامی بنحو صحیح و کامل انجام می‌گردید که « اداره وابستگار عملیات در دست یکنفر از اعضاء قدیمی و با تجریبه، « با سرویسهای مخصوص ارتشی که حضو گروه بودند قرار گرفته » و هدایت می‌گردید. در این میان تنها کمو نیستها در زمینه‌های « اعمالی که قانوناً منع شده بود تجربیات زیادی داشتند و بخوبی »، « می‌دانستند که چگونه طرح توطیه برینزند و چگونه اجر اکنند، « چگونه مخفی شوند و سکوت نمایند ۰ »، « اکثر ابتلاء قدر اطلاع دقیق از یک مورد بخصوص یادآوری »

« عملیاتی که در ابتدا انجام گرفته است مشکل میباشد، زیرا تحولات بقدرتی سریع انجام میشده است حتی ظریف اوضاع هم اساسی و تاریخ حوادث را اشتباه و فراموش نموده اند»

این (هسته‌های اصلی) مقاومت که ابتدا کوچک و ناپایدار بودند دائماً در صد آن بر میآمدند که برای یک مرتبه هم که شده با متفقین خارجی تماس پیگیر ند تاشا یدبتوانند به تنها ائی (شبکه‌هائی) را با وسائل کافی تشکیل و بوجود آورند. معرفی و قبول عضو داوطلب بادقت شروع میشود. شبکه اطلاعاتی این سازمانها به اعضائی احتیاج داشت که در انبارهای مهمات شاغل باشند. شبکه کمک به فراریان میباشد افراد فراری را جمع آوری و جا و منزل دهند. خلاصه اینکه ارتش سری مقاومت در جستجوی افسران کادر و احتیاط بود.

« شبکه‌های مذکور طبق اصول نظامی سازمان داده میشده، « یعنی دارای یک فرمانده و رئیس بوده سلسله مراتب در آن، « رعایت میشود. وظایف هر گروه و دسته‌ای شخص گردیده و تعداد « افراد آن هر گز از عده محدودی تجاوز نمیکرد. این شبکه‌ها »

(۱) تاریخ این نوع مامورین باشیستی جداگانه نوشته شود داستانهای زیادی از حوادث شخصی آنها نگاشته شده که اغلب اوقات اقدامات خشن و ناراحت کننده‌تر، نتایج بزرگتری بیمار آورده است. حوادث و وقایعی که برای یک مأمور دو جانبی (مأموری که ظاهرآ برای هر دو طرف مخالف کار میکند) فرانسوی بنام (Lachatte) پیش آمد الهام بخش دو کتاب بزرگ و دوفیلم گردید، درست است که این زن بدام عشق یک افسر آلمانی افتاده بود ولی این عشق مانند یک (ینشی) بود که در تمام زندگی رفت انگیزش اورا آزار میداد.

« از مرکزی که آنها را رهبری میکرد قبیلت مینمودند و بمحض »
 « قطع رابطه تابع و متبع، وجود شبکه های مزبور بی اثر و فلنج »
 « میگردید هر شبکه نه بعلت تعداد زیاد رزمنده، بلکه بلحاظ تعداد »
 « مامورین و خدمتکنارانی که در همه جا جلب و بخدمت خود »
 « می آوردند يك نوع افتخار فهرمانی برای مقاومت فراهم »
 « مینمودند »

در حالتی که تشکیل احزاب سیاسی و اتحادیه های صنفی و سندیکاهای ممنوع شده بود، این شبکه های مخصوصین امور مختلف را بخدمت خود میاورند و این عمل در واقع به تابع يك پسیج عمومی بود که جنبش های مقاومت اروپای غربی مخصوصاً کشور فرانسه انجام دادند، وهم آنها بودند که در این موقع احتیاجات روحی و عقیدتی کادرها را فراهم و در عین حال عمل آنها را با اوضاع و احوال تطبیق دادند.

« نهضت متوجه همه چیز و همه طبقات بود ولی قبول »
 « عضور اعمالاً محدود کرده بود. اغلب این جنبشها بصورت يك »
 « اداره واقعی بود که سرویسهای متعددی با منظم و هر يك از »
 « این سرویسهای دارای يك هیئت مدیره مرکزی و يك قسمت »
 « منطقه ای بود که سازمانهاش با اداره مرکزی تطابق داشت. »
 « رئاسای سازمانهای نهضت کلیه اعضاء و طرفداران خود را نمی - »
 « شناختند و قادر نبودند که يك دستوری را برای اجراسریعاً بانان »
 « ابلاغ کنند. بعلاوه سازمانهای مزبور نمی توانستند بدون کمک از »
 « خارج بحیات خود ادامه دهند. فعالیت آنها بایک تحول و پیش »
 « رفت متناسب با اوضاع سیاسی، و منطبق با يك طرح و دکترین برای »
 « آمادگی بعد از جنگ توجیه و تنظیم میگردید »

جنبشهای مقاومت ملی چون قصد آنرا داشتند که واسطه تغییر افکار و عقاید گرددند. ناچار با احزاب قدیمی برخودرهایی پیدا میکردند، درست است که گاهی جنبش مقاومت ماسکی بود تا احزابی بتواند در زیر نام آن، خود را مخفی نگاهدارد، ولی اغلب اوقات اتفاق میافتد که مجبور به مقابله با سایر احزاب گردد.

در کشورهایی که خاطرات تلخی از یک یا چند حزب داشتند و آنها را باعث ویا شریک مسئولیت شکست کشور میدانستند مقابله و مخالفت جنبش مقاومت با احزاب مزبور منتهی به رقات های شدیدی میگردد، اما اکثرًا تمایل جنبشهای مقاومت براین بود که نیروی جدیدی به احزاب قدیمی داده در صورت امکان جای آنها را بگیرند. در کشورهایی که احزاب سیاسی، قبل از شروع جنگ در جبهه مخالف دولت ها قرار داشتند، در زمان جنگ کمترین ناراحتی برای اینکه جزو جنبشهای مقاومت شده و تسليم آنها گرددند نداشتند و بجای پیش کشیدن بحث ها و ارائه دلایل و مجادلات تنها کاری که میکردند این بود که ستادهای خود را با تعداد محدودی تشکیل دهند. از آن پس جنبشهای مقاومت دیگر کاری نداشتند، جز آنکه با احزاب مزبور متحد و یکی شده یا از آنها چشم بپوشند. و سپس نسبت به دولتهای آزاد یا دولتهایی که از کشور اخراج شده بودند بیشتر ابراز علاقه کردند تا نسبت به دولتهای بزرگ متفق. زیرا متفقین مزبور بیشتر از لحاظ طرحهای نظامی و غیر سیاسی خود به جنبشهای مقاومت توجه داشتند نه از نظر عقاید و ایمان آنها. گاه در موقعی که مقاومت کشورها بنا بر خاصیت خود میخواست وارد عمل شود، طبق

طروحهای نظامی از خارج به جنبش های مقاومت توصیه می شد که در اظهار وجود خود تا فرار سیدن موقع آزادی و نجات تأمین نماید—اجرای این قبیل توصیه ها موجب می شدند که مقاومت افرادی را که بدشواری جمع آوری نموده بود بدون اینکه آنها را در گیر

یک رزم واقعی نماید از دست بدهد، این امر موجب شد که :
تقریباً در همه جا رزمندگان مقاومت شروع به تشکیل یک
(ارتش ملی) واقعی بنمایند.

« این ارتش ملی ندر تا دارای کادر افسران حرفه ای »
« بود . در شروع کار درجهات همه افراد مساوی بودو امتیازات »
« در مراحل بعدی بر اساس شجاعت های قهرمانی که از افراد »
« سرمهیز ده یا بر مبنای لیاقت رهبری و فرماندهی آنها، اعطای می شد »
« ارتش مزبور دکترین جنگی خود را بنا به تجربیات عملی تهیه »
« و تعیین می کردمانند : وارد جنگ قاطع نشدن، حمله نکردن بدشمن »
« مگر به جناح یا عقب او ، حفظ و تامین راه عقب نشینی »
« این تجربیات هنجر بدان شد که در یوگسلاوی دستورات »
« بسیار دقیق و جامعی برای پارهیز انها صادر گردد . چنانکه »
« جزئیات طرز عمل در : کمین گاهها ، راه پیمایی ها ، بسترهی کردن »
« بیماران و زخمی ها ، طرز تبلیغات و حتی شکل ظاهری و »
« لباس پارهیز انها وغیره نیز تعیین و بموزد اجرا درمی آمد . »
« من باب مثال حتی در یکی از دستورات ذکر شده بود که افراد سه »
« روز یک مرتبه باید ریش خود را بتراشند . خلاصه برای توصیف »
« و تشریح این نوع جنگ، جدید فرهنگ نوینی بوجود آمد و »
« بتدریج داخل زبان توده مردم شد . »

از نظر سیاسی در تمام کشورها مقاومت گرایشی بسوی یک اشتراك و اتحاد ایدولوژی داشت و این نظریه های ایدولوژی

تقریباً در همه جا بـشکل یک حقیقت مسلمی که توسط (ما ئو تسه تو نک) (۱) بیان شده مورد قبول واقع گردیده است، مثلاً «اگر هدف گریلا با هدف های سیاست توده مردم منطبق و موافق نیاشد مـنهی به شکست خواهد شد.» و بهمین جهت مقاوـمتـها (برنامـهـهـای) خود را متکـی بر این اصل تـهـیـه مـینـمـانـید. اما همچنانکه اـرـتشـهـای بدون او نـیـفـورـم اـزـبـین رـفـتـه یـاـجـزـو اـرـشـهـای منـظـم گـشـتـه و مـسـتـحـیـل شـدـند، هـسـتـهـهـای سـازـمـانـهـای زـیرـزمـینـی هـم جـایـخـودـرا بـدوـلتـهـای آـزاد و یـا تـبـعـیدـی دـادـند و یـاـبـا آـنـهـا مـتـحـد و تـرـکـیـبـشـدـند، (bastanai yo goslawi).

مبـارـزـاتـ مـخـفـی درـاـین مرـحلـه اـزـمـوـجـودـیـت خـود بـود کـه بـصـورـت یـک نـیـروـی مـلـی شـناـختـه شـد، وـحتـی جـایـخـودـرا در دـنـیـای پـس اـزـجـنـگ هـمـبـازـکـرد - درـعـینـ حـال کـهـایـن نـیـرو، قـدرـت وـاسـتـحـکـام بـیـشـترـی پـیدـا مـیـکـرد اـدـرـاـکـات وـاـظـهـارـات سـیـاسـی مقـاوـمتـهـم تحـولـیـافـتـه وـپـیـشـرـفتـ مـینـمـودـ.

تحولات سیاسی

مقـاوـمتـدـراـبـتدـای اـمـر انـعـکـاسـی اـزـروحـ : مـیـهن پـرـستـی، بـیـزارـی اـزـاجـانـبـ، اـحسـاس سـرـشـکـسـتـگـیـ، خـشـم فـرـخـورـدـه وـ اـنـدـیـشـه اـنـقـامـ است کـهـبـاـسـیـاسـت آـمـیـخـتـه مـیـگـرـددـ، اـگـرـ اـینـ مقـاوـمتـهـا اـغـلـبـ دـارـای رـنـگـهـای سـیـاسـیـ است بـداـنـ جـهـتـ است کـهـنـسـبـتـ بـهـرـثـیـمـیـ کـهـنـتوـانـسـتـهـ است هـوـجـبـاتـ پـیـروـزـیـ رـاـتـآـمـینـ وـکـشـورـ رـاـزـ اـشـغالـبـیـگـانـگـانـ حـفـظـ نـمـایـدـاـسـاسـ

فریب خوردگی و غصب مینمایند.

ابتدار و سیه شود و با عقد پیمان اتحاد با آلمان باعث شد که در کشورهای اروپائی بغض و کینه شدیدی نسبت به کمونیست‌ها اوج بگیرد و هنگام اشتغال جنگ آنها را متمهم به خیانت نمایند. موقعیت آنها هنگامی کاملاً بخطر افتاد که عوض اینکه توسط هم میهمان خود به اتهام خیانت تعقیب و زندانی گردند توسط مقامات آلمانی بازداشت و زندانی هیشندند. اگر ظاهراً ارتباط دستجات مختلف کشورها با (بین‌الملل سوم مسکو (۱)) حفظ شده بود ولی در داخله کشورها روابط بین آنها وضع سختی پیدا کرده حتی این روابط گستته بود. حزب کمونیست در مطبوعات خود رسماً از صلح صحبت میکرد و کسانی را که برای امپریالیسم مبارزه میکردند حکوم مینمود. اما بطور انفرادی خیلی از افراد مقاومت و بطرق مختلف با آلمان‌ها مبارزه میکردند. خلاصه دستگاه حزب کمونیست بسختی متزلزل شد ولی ازین نرفت. در این موقع مقاومت‌های بطور کلی نه از کمونیست‌ها الهام میگرفت و نه (با قوی دلیل) بوسیله آنها هدایت میشد. بلکه سازمان مقاومت ملت‌هار اعلیه اشغالگر و علیه نازیسم و اقمار او که زائیده (نظم نوین) بودند هدایت و رهبری میکرد. مقاومت در این موقع هنوز دارای سیاست مشخص نبود فقط یک حالت روانی خصمانه داشت. بطور کلی روح مبارزات مخفی علیه رژیم‌های دیکتاتوری، برتری نژادی، شخص دیکتاتور، و حکومت‌های یک حزبی بود و برای آزادی فردی و ملی و تساوی افراد و ملیت‌ها مبارزه میکرد. با این چنین احساسات مبهم و در عین

حال جوانمردانه کلیه کسانیکه قبل از جنگ وابسته به دستجات و عقاید سیاسی مختلف بودند موقتاً در یک نوع اتحاد مقدس شرکت نمودند.

در اثر حادثه همراه با زرگی حمله آلمان بر وسیله شوری در ژوئن ۱۹۴۱ بود که کمونیست‌های تمام اروپا رسماً و بطور دسته جمعی داخل سازمان‌های مقاومت گردیدند ولی هنجار و رفتار سیاسی آنان همچنان در یک وضع کاملاً احتیاط آمیز و موقع شناسی باقی ماند. آنها از اینکه برنامه‌های خود را باید گران مطرح و در میان بگذارند احتراز داشتند و اعلام میکردند که فعلاً بایستی همه نیروهای ملی در جنگ علیه اشغالگر متعدد و متفق گردند، و در مواردی که به عناصر (بورژوا) (۱) بر میخوردند توصیه میکردند که یک (جبهه ملی) تشکیل داده شود.

تقسیم نهضت مبارزات مخفی اروپا بدو قسمت آغاز شد. در اروپای شرقی و مرکزی مانند، کشورهای یوگوسلاوی، لهستان یونان و رومانی دو جنبش مقاومت بوجود آمد که در ابتدای امر بی‌آنکه در مقابل یکدیگر بمقابله بrixیزند، در کنار هم قرار گرفتند، و در اروپای غربی کمونیست‌ها بطور دسته جمعی داخل سازمان‌های مقاومت گردیدند. عادت آنها بعملیات زیر زمینی، شبوه سازمان و جنب‌جوش خاص شان، آنها راجز و مؤثرترین عنابر نیروهای مخفی قرار داد. آنها حالت انتظار کشیدن سایرین را مورد ملامت قرار داده و خود وارد (عمل فوری) میگردیدند.

تبیینات دشمن که برای تضعیف و بدناام کردن آنها انجام

میشد اغلب در عملیات وسیع خرابکاری و سوء قصد هائی که انجام دادند نتیجه معکوس داده باعث ازیاد داوطلبان حزب و بالارفتن اعتبار مؤثر آنان میگردید.

انگلو ساکسونها خواستند در این مورد تعادلی ایجاد کنند،

مقاآمت اروپای غربی بعلت مبارزه‌ای که بارزیم‌های جاصله از شکست دموکراسی مینمود و بعلت تشویق و ترغیبی که توسط متفقین غربی میگردید هر روز بیش از بیش خواهی نخواهی گرایشی بسوی قبول رژیمی کم و بیش شبیه آنچه که قبل از محاکمه میش توافق داشت، پیدا نمود. ولی این تحول و پیشرفت در شرق اروپا با پیشروی ارتشم سرخ متوقف گردید.

از ابتدای سال ۱۹۴۴ منظره دنیا بعد از جنگ نمایان شد. در مشرق، ارتشم سرخ قدرت را بدست گرفت احزاب کمونیست ملت‌هائی را که آزاد نمیکردند با تکیه بر نیروهای مسلح خود دولت‌هائی را که در شوروی تعلیم یافته بودند دوباره زنده و روی کار آورده‌اند.

کمونیست‌ها که قبل از جنگ بسیار معدود بوده جز در یوگوسلاوی در سایر جاهای سهم مهی در مقاآمت داخلی نداشتند حالاً دیگر صاحب اختیار و همه کاره شده بودند و نیروهای دیگر مقاآمت در مقابل آنها مجبور باطاعت یا اضطراری بودند.

در غرب گرچه کمونیست‌ها همه جا مقام مهی را در تشکیلات مقاآمت بدست آورده‌اند ولی هدایت و اداره کامل مقاآمت در دست آنها نبود بلکه از طریق اعمال نفوذ، تنها بطور مختصر توanstند رفورم‌های وسیع اقتصادی و اجتماعی را توصیه

وتلقین نمایند. بطور کلی برای جمعی مقاومت با پایان یافتن دوران اشغال که باعث تجلی آن شده بود خاتمه مییافت، در حالی که برای جمعی دیگر مقاومت نقطه عزیمتی برای انقلاب سیاسی و اجتماعی بعدی بود.

بدین ترتیب مقاومت از نظر سیاسی در اول کار خود، در شرق کمونیست، و در غرب دموکراتیک، و تحت نفوذ شدید سوسیالیستی کمونیست ها قرار گرفته بود. هر قدر مقاومت در هر کشوری فشرده‌تر میشد همان قدر تمایل به مخالفت وجودائی از لحاظ طرحهای بین‌المللی با متفقین پیدا میکرد.

مبارزان مخفی اروپا حتی در اردوگاههای اجباری اواین قدم نفاق وجودائی ها را برداشتند که هنوز دنیای امروز هم با اثرات آن مواجه است.

یک مبارزه واحد

« مقاومت کنندگان عامل در تمام کشورها هرگز از « تعداد محدودی تجاوز نگردد زیرا بعلت اشکالات زیاد روز » « مره و بعلت وحشت و ترسی که از اقدامات متقابله دشمن در « مقابله مبارزات مخفی وجود داشت، مردم قبل از آنگه امکان « پیروزی متفقین افزایش یابد بطور جدی به اردوگاههای « مبارزات مخفی نمی‌پیوستند. جدائی و نفاق عمیق سازمانهای « مقاومت و دهلیز بندی خاصی که نوع کار آنها ایجاد نمود، » « سرکوبی و فشار دشمن، همه اینها مانع از آن بودند که دسته « بندی‌های مبارزات مخفی بتوانند حتی در یک کشور بطور واقعی »

« متوجه ویا حتی هم آهنگی داشته، باشند بنا بر این مسلمان کسی »
 « نمیتوانست حتی صحبت از اتحاد یک مقاومت اروپائی را هم »
 « بنماید. ولی ما فوق همه اختلافات غیر قابل اجتنابی که زائیده »
 « شرایط زمان و مکان بود، ممکن نبود که انسان تحت تاثیر »
 « جوهر ذاتی مقاومت‌ها که درواقع مبین یک نواختی آن‌ها بوده »
 « قرار نگیرد. »

اولین مسئله‌ای که موجب یک نواختی مقاومت در همه جامیشد عبارت از نبرد و مبارزه با یک دشمن واحد بود و این دشمن، اشغالگران نازی بودند. برای جمعی، عکس العمل میهن پرستی با یک روح دشمنی با آلمان آغاز میشد، ولی برای اکثر مقاومت کنندگان این عکس العمل روانی پس از شروع و اعلان جنگ، و برای عده‌ای پس از شکست کشورشان پیدا شد، و بالاخره پس از اشغال کشورشان بصورت عمومی درآمد حتی به کور ترین افراد بروز بد بختی و مصیت مسلم گردید و آنهایی هم که کمتر مصمم بودند؛ اشخاصی نبودند که در فاصله بین دو جنگ با وجود احساس تنفسی که از زور و دیکتاتوری داشتند نسبت به آلمان تمایل آشته پذیری یا اطرافداری داشته باشند.

برای عده‌ای هم موضوع وجود خود آلمان و خطر دائمی آن مطرح بود، اما اکثر مردم دشمن نازیسم یا بعبارت اخیری دشمن آن زخم چرکینی بودند که کانونش در دایش سوم و مانند قانقار یادداشت تمام اروپارا فرا میگرفت. نازیسمی که منکر ارزش‌های معنوی، و خصائل اخلاقی موروثی یونان و رم قدیم و همچنین سدن‌های سیاست یا معرفت بشری بود. مقاومت تنها عبارت از دفاع زمین‌ها، اراده نجات و آزادی و قیام نبود بلکه مبارزه‌ای برای حفظ و تأمین ارزش‌های مسلم انسانی و یک جنگ ایدئولوژی

بصورت یک ارتش منظم بود (۱) نازیسم ، وطلايه بیرونق آن فاشیسم ، با همکاری هم ، از مرزها میگذشتند و بخارج از آلمان و ایطالیا بسط داده میشدند و باین ترتیب به جنگ ملی 'جنگ' بین ملت‌ها هم اضافه گردید : فن پاولوس (۲) جنگجوی دیر و دشمن و آلمانی ضد نازی ، دوست امروز مقاومت کنندگان شد . جنگ همانطور که برای فتح سرزمین های کار می‌رود ، همانقدر هم برای تسخیر عقاید کوشش می‌کند ، و پیروزی و قتی قطعی می‌گردد که پیروزی مسلکی و عقیدتی را قبل از پیروزی نظامی بدست آورده باشند .

« تاریخ مقاومت هر گز از مسئله همکاری جد او قابل »
 « تفکیک نبوده است، زیرا بواسطه پیچیدگی و مبهم بودن مسائل، »
 « تغیر وغیر قابل پیش‌بینی بودن اوضاع ، اغتشاشی که از درهمی »
 « اوضاع واحوال در مغزها پدیدمی‌آید و وسعت و دامنه تبلیغات، »
 « همه اینها عمل و موجباتی هستند که باعث می‌شوند اشخاص »
 « بی تصمیم و مرد دائماً در حال تمایل و نوسان از یک اردوگاه به »
 « اردوگاه دیگر باشند. »

از نظر علمی مقاومت و همکاری با دشمن در حقیقت مقابله « هم و مانند روز و شب می‌باشند و یک تضاد شدید و بی‌حمنه‌ای »

(۱) منظور مقاومت کنندگانی است که با داشتن تفکر نظامی خالص در صدد ایجاد مقاومت غیر سیاسی بین آمدند — ولی این اشخاص خیلی زود در اثر حوادث از نظر خود عدول کردند مانند زیر و در فرانسه . X

(۲) VON Paulus — فرم‌انده ارتش ششم آلمان در استالینگراد که از روسها شکست خورده و تسلیم گردید . سپس به (اتحادیه افسران) آلمانی که بین علیه هیتلر در روسیه بوجود آمده بود پیوست .

- « بین آن دو وجود دارد . در عمل مخصوصاً برای مبارزان مخفی »
 - « که فقط بدنبال حوادث میر و ندم رزها دقت و صراحت ندارند (۱) »
 - « زیرا آنها قادر به ادراک روشنی از اشیاء و یا اعتقادات »
 - « محکمی میباشند . هنگامی که بین دوار دوگاه یک رژیم، حالت انتظار یا بسی طرفی ادعائی ، حائل میگردد ، بسی نظمی و »
 - « اغتشاش با وجود خود رسیده ، پراکندگی و عدم اتحاد کامل تولید »
- « میشود . »

این مبارزه علیه اشغالکران و طرفداران او، پیکاری بود که مبارزان مخفی در تمام شرایط موجود روزانه آنرا ادامه میدادند .

اشغال همیشه با مسائلی از قبیل کمبود مایحتاج زندگی و جیره‌بندی، استثمار دست رفچها، جدا کردن عزیزان مردم از آنها، تفتیش عقاید و سیله‌پلیس، زیاد کردن فورمالیته‌های اداری و بالاخره با تبلیغات وسیع و عظیم، توافق میباشد. در موقع اشغال همه چیز اعم از : خوردن، پوشیدن، سکونت کردن، پنهان شدن، تغییر مکان و مسافت، فوق العاده سخت و مشکل میگردد. مقدار خشونت و فشاری که دشمن اعمال میکند، ثروت، یافقر منابع طبیعی، ترکیب و ساختمان ملی و اجتماعی مسلماً در هر نقطه‌ای شرایط مختلف خاصی را ایجاد مینماید ولی شرایط کلی برای تمام اروپای اشغالی همه‌جا ثابت و یکسان بود. بالنتیجه زندگی مبارزان مخفی کاملاً منوط به مقررات خاص کشود مربوطه یا جائی که در آنجا فعالیت دارند بوده، بنا بر افزایش نسبی همکاری -

(۱) آیادار نان رئیس جنگجویان چریک هم برای رفتن به لندن ابراز تمایل کرد ؟

مردم، فعالیت آنها نیز تسهیل و افزون تر میگردد. برای همه یک خطر بطور مشترک وجود دارد که ممکن است منتهی به سرنوشت واحدی از قبیل: شکنجه، تیرباران و یارقتن به اردوگاه اجباری گردد. همچنین یک غم‌واندوه وجود داشت که باعث میشد به سوء قصد کنندگان و خرابکاران، با اعدام دسته جمعی گروکانها یا با انهدام مزارع و دهکده‌ها پاسخ داده شود. پس اینهم یکی از انواع مختلف همان مبارزه واحد است که مقاومت آنرا اهدایت و رهبری میکنند، پیکاری که ابتدا بدون اسلحه و حتی گاهی در آخر نیز بدون آن، روش و کیفیت خود را در بوته آزمایش ها مشخص مینماید.

فصل دوم

متتفقین و جنبش‌های مخفی

رفتار و برخورد متتفقین نسبت به مقاومت تقریباً همیشه یکسان بوده است : در روزهای سخت جنگ میکوشیدند تا از نیروی مشکله آن هرچه بیشتر و بهتر استفاده کنند . مقاومت مبارزان مخفی ابتدا بدون اینکه منتظر کمک یا دستور العمل متتفقین باشد علیه اشغالگران پا خاست ، ولی همینکه بکلی با دشمن درگیر شد دیگر بدون متتفقین نمیتوانست پایداری و مقاومت کند و میباشد وسائل ، پول و کادر را متتفقین برایشان فراهم نداشند . اما متتفقین هم بدون توجه به اهمیت کار و همت مقاومت کنندگان حق و استقلالی را که آنها مطالبه میکردند بد و اگذار نمینمودند .

این برخورد و طرز رفتار کلی ، نتیجه مذاکره یا موافقتنمود زیرا در هیچ موردی مسئله مقاومت در اروپا در مجموعه

طرح مذاکرات متفقین قرار نگرفت. زیرا که برای هر سه کشور بزرگ متفق مقاومت چیزی جزیک نیروی اتفاقی و حادثی نبود که فقط میخواست متفقین را علیه کشوری که مورد نظر مقاومت بود و اداره جنگ و درگیری نماید و از نظر متفقین هر وقت که مقاومت بصورت یک عامل اختلاف و نفاق جلوه گر میشد هر سه کشور بزرگ متفق از آن صریح نظر و رها یش میکردند، همچنانکه چرچیل و روزولت و دو گل لهستان را رها کردند و استالین از کمونیست‌های یونان صریح نظر نمود.

- « از نظر نظامی هدایت جنگ فقط بین ملل انگلو »
- « ساکسون هم آهنگ و یکنواخت بود: سازمان و ترکیب هم آهنگی »
- « آنان طوری بود که در آن نقش تا چیزی بعملیات مخفی و اگذار »
- « شده بود، مثلاً در محاصره‌ها یا عملیات آمغی بی‌یک اهمیت نسبی »
- « از لحاظ تطبیق عملیات برای مقاومت فائل میشدند. استراحتی »
- « کلی انگلیس‌ها در اروپا یعنی در کنفرانس چهار جانبه »
- « اوت ۱۹۴۳ مشخص و تصمیم‌های لازم گرفته شده بود و لذا »
- « خطوط اصلی آن استراحتی عملاً با اشغال آلمان تغییر ننمود »
- « با این ترتیب پیکار مبارزان مخفی خیلی بندرت در این تصمیم‌ها »
- « جلوه گر شد و در عرض تقدم و توجه قطعی معطوف به بمباران‌های »
- « هوائی میشد که در عمل عبارت از وارد کردن خسارات عظیم »
- « به همان کسانی بود که فرار بود نجات داده شوند، در طرح »
- « (اورلند) (۱) پیاده شدن متفقین در نرماندی، حتی اشاره‌ای »
- « هم به مقاومت نشده بود. در عملیات ایتالیا تجهیز و استعمال »
- « یک ارتش فرانسوی جزو طرح بود، اما ذکری از مسئله مقاومت »

(۱) Overlord — نامی که متفقین بر روی طرح پیاره شدن

در نرماندی گذارده بودند X

« ایتالیائی‌ها نشده بود . در طرح عملیات جنوب فرانسه پیش‌بینی »
 « شده بود که گریلاها باید در صورت امکان در قسمت جنوبی »
 « آلب از راه هوا تدارک شوند » ولی در این‌مورد هم جز در یک «
 « عملیات محدوده‌نمکاری دیگری با آنها ننمودند . در عملیات‌هوائی »
 « موضوع گریلاهای فرانسه و بالکان مورد توجه قرار »
 « گرفته ولی نامی از اروپای شمال غربی برده نشده »
 « بود . »

« تنها در مورد دیو گوسلاوی بود که استثناآ موضوع بنفع کشور»
 « مزبور عملی ، و تدارک گریلاها با رعایت حق تقدم بر »
 « عملیات دیگری که در این کشور شدنی‌نجام گرفت و آنهم بدان علت بود »
 « که عملیات دیگری که در این کشور انجام گردید ناچیز و منحصر »
 « به اعزام دستجات کوچک کماندو و بمبارانهای استراتژی »
 « محدود بود . با این ترتیب بطور کلی در هیچ یک از طرح‌های »
 « متفقین آماده کردن و بکار بردن مقاومت مطرح نشده بود ، »
 « هیچ پروژه‌ای برای استفاده از این اسب‌عظیم (ترو) (۱) که »
 « دشمن در درون مرزهای خود از تبعید شدگان ، اسرار جنگی »
 « کارگران دور از وطن، جا داده بود تهیه نگردید . از طرف »
 « دیگر مسئله‌ای که خیلی هم پر معنی میباشد آنست که وزیر اقتصاد »
 « جنگی انگلستان که جنگهای نامنظم و واژگونی اروپا تحت »
 « نظر او اداره میشد در تهیه و طرح‌بازی استراتژی جهانی و »
 « حتی در کمیته جنگی بریتانیا هم شرکت نداشت . وظینه او »

(۱) Troie — در افسانه‌های یونانی اسب چوبی بزرگی
 بود که عده‌ای درون آن مخفی و به شهر محاصره شده تراوافتادند ،
 شب‌اتگاه یونانیان از درون آن بیرون آمده دزوازه‌ای شهر را
 گشوده و شهر را تصرف کردند . ×

« منحصر از آغاز مرحله تاکتیکی و عملیات رزمی شروع میشد »
 « بنا بر این میباشستی منتظر پایان سال ۱۹۴۳ بشوند تا »
 « سرویس‌های مخصوص انگلیس و امریکا تحت نظر رئیس ستاد »
 « فرماندهی عالی غرب توأم و ادغام گردند » :

بدین ترتیب هیچگونه عمل سیاسی و استراتژی سیاسی در مورد جنبش‌های مخفی اروپا وسیله سه کشور بزرگ متفق تهیه نشد و بکار نرفت.

مقاآمت در اندیشه و نظرات متفقین جای بسیار کوچکی را اشغال کرده بود. از نظر آنها اروپای اشغال شده یک میدان عملیات نظامی فوری یا آتی بود، که در آنجا مسائل را از نظر نیروهایی که قرار بود با آن مواجه گردد یا نیروهایی که بایستی تحت فرماندهی خود داشته باشند، مطرح می‌ساختند. از نظر آنها، جوش و خروش، هیجان، خشم و کینه ملت‌هایی که تحت اشغال بودند در آن موقع نفعی بسیار اندک و برای بعد از جنگ خطر مشکلات بزرگی را در برداشت.

پس از این ترسیمی که از کلیات امور شد حال باید طرح‌ها را مشخص کرد : از نظر دول محور سرکوبی نیروهای جنبش قابل ملاحظه و مورد توجه بود، از قدر متفقین بطور کلی این نیروها اهمیت چندانی نداشتند، در کشورهای کوچک اروپای غربی هم هیچگونه اختلاف جدی بین مقاومین و متفقین بوجود نیامد، اگر چه در فرانسه موقعیت طولانی برای کشمکش‌ها وجود جدالها بوجود آمد ولی تبعیت مقاومت از ژنرال دو گل کشمکش‌های مزبور اینفع جنبش مخفی پایان داد. اما بر عکس در اروپای شرقی و مرکزی منازعه و مجادله بین دسته‌جات مقاومت

و متفقين که آنها را پشتيبانی ميکردن آنقدر بالا گرفت که
منجر به قطع رابطه گردید.

۱ - بريتانياي كبير

در قلمرو جنگ مخفى و پارتيزانى نقش بريتانياي كبير بيش از همه و شخص چرچيل محرک و نير و بخش آن بود. بنحو يكه در اول ماه اوت ۱۹۴۱ هنگامی که چرچيل در آرژانتين با روزولت ملاقات نمود او را وادار کرد که در اصول پنجگانه استراتژي متفقين، مسئله «كمک به گروههای مقاومت در تمام کشورهای اشغالی» را بگنجاند، در حالی که در این موقع هنوز مسئله مقاومت در اروپا اميدی بيش نبود.

از تابستان ۱۹۴۰ تا پائين ۱۹۴۲ حیات و بقاء تمام مقاومتهاي اروپا بستگي كامل به انگلستان داشت و همین مقاومت با ادامه مبارزات خود آتشي در زير خاکستر بود که بالاخره جنگل اروپا شغالی را آتش زد، همین مقاومت بود که شاهد پيوستان سلاطين، دولتهاي آزاد و داوطلبان ادامه رزم به سازمانهاي خود گردید، ملتهاي ستمديده دست توسل بدaman اين اميد منحصر بفرد يعني: اراده بريتانيا زدن. همچنين در روزهاي مصيبة بار و هنگامي که تبلیغات دشمن همه اروپا را عليه خود خواهی انگليسها تحريک ميکرد (که ظاهرآ و برخلاف واقع اينطورهم مينمود) آنها در مقابل با قدرت تمام خود را آماده کرده ضمناً اقرار مينمودند که هنوز از لحاظ دفاعي مسلح و مهيا نبوده و در وضع نيمه جانی قرار دارند. البته با اين ترتيب بريتانيا قادر نبود جز

کمکهای پراکنده و ناچیز کار دیگری برای اروپا انجام دهد. رادیوی BBC انگلستان و بمقدار ناچیزی (پیکهای هوائی) اخبار را پخش نموده، علیه دشمن تبلیغ کرده در میان ملنی که که تحت اشغال بود روح مبارزه را برای روز عمل زنده نگاه میداشتند. تمام اروپا تحت تاثیر انتشارات رادیوهای انگلستان که مجموعاً در روز ۳۵ ساعت اخبار مختلف را خطاب به ۱۸ کشور پخش مینمودند قرارداشت. تلاشی عظیم و کاملاً نو بود؛ انگلستان رستاخیز با شکوه استقلال (نه تمامیت ارضی) کشورها را بعده گرفته بود. حتی برای نمونه و سرهشق هسته اصلی نیروهای مسلح را تحت فرماندهی خود در نقاطی که حضور آن نیروها مناسب‌تر بود تشکیل داده بود.

در حالی که (اداره اطلاعات نظامی-۱) شبکه‌های اطلاعاتی خود را هر تباً در اروپای اشغالی تشکیل یا تجدید سازمان میداد، وزارت اقتصاد جنگی انگلستان اداره جدیدی بنام SOE (اجراییات عملیات مخفی-۲) بوجود آورد که مأمورین لازم را تهیه و آماده نموده و به قاره اروپا گسیل میداد تا آنها گروههای کوچکی را تشکیل و آموزش داده، طبق دستورهای مادره خرابکاریهای محدودی را اجرا نمایند.

فرماندهی عالی انگلیس مدتها با سازمان SOE مانندیکی از اعضاء فقیر و بی‌چیز یک خانواده رفتار میکرد و معتقد بود که با ندازه خاری که به پوست دشمن فرو رود بیشتر ارزش ندارد و فقط برای نیروهای مأمور عملیات کوچک میتواند کاری در

حدود مشغول کردن دشمن انجام دهد.

سازمان SOE مقاومت اروپارا مسلح کرد ولی در عین حال آنرا محدود کرده مانع از آن شد که فعالیت‌های زودرسی را که ممکن بود منجر به انهدام گروههای مبارزان مخفی گردد انجام دهند (۱).

سازمان SOE کلیه نهضت‌های مخفی را که موثر بودن و نظم و انصباط آنها مسلم می‌گردید فوراً تغذیه و تدارک مینمود. در فرانسه با دسته‌جات کمونیست و همچنین دریو گوسلاوی SOE با تیتو همکاری می‌کرد، یکی از هدفهای سازمان مزبور عبارت از آشتی دادن هموطنان مخالفی بود که تحت اختیار فرماندهی بر بتابانیا بودند.

انگلیس‌ها کلیه اصول و فنون جنگهای مخفی را هدایت می‌کردند، از قبیل ارتباطات رادیوئی، ارتباط بوسیله افراد با هوش طبق روش (پیام‌های انفرادی)، پخش اطلاعات بوسیله فرستندهای مخفی، ایجاد اردوگاه آموزش مأمورین چتر باز در انگلستان، ساختن مواد منفجره و دستگاههای مر بوط (پلاستیک یا منفجرهای صوتی)، تهیه وسائل پرتاب افرادیا بسته‌های محمولات بوسیله چتر، عملیات بوسیله قایقهای تندر و یا زیر دریائی‌ها، اعزام افراد برای عملیات مخصوص از راه اسپانیا

(۱) چنانکه در ماه اوت ۱۹۴۱ Dalton وزیر اقتصاد جنگی به پاریز آنها یو گسلاوی (با وجود اینکه از لحاظ دریافت در درجه اول اهمیت بودند) توصیه کرد که از انجام عملیات خیلی چسوارانه که خطر قلع و قمع جدی از طرف آلمانها را در بر دارد خود داری نماید.

و پر تغال وغیره ، همه اینها از جمله اقدامات انگلیس‌ها بود . در طول تمام این دوران ، لندن برای مقاومت اروپا انبارمهات ، بانگ پول وهم پاسگاه فرماندهی بشمار میرفت . کلیه اطلاعات و مأمورین اروپای مرکزی و همچنین اروپایی‌باختری در آنجا متمرکن می‌شدند . با وجود کمبود هواپیما ، فقدان افراد با تجربه ، با وجود اتفاقات غیر مترقبه مداوم ، تتحمل شکست‌ها ، و تجاهل فرماندهان نظامی ، معهذا افزایش کمک به مقاومت هر گز متوقف نگردید .

از ماه نوامبر ۱۹۴۲ تا آوریل ۱۹۴۴ انگلیس‌ها هدایت و رهبری مقاومت تمام اروپا را در اختیار خود داشتند ولی از آن تاریخ بعده دیگر انحصار مزبور را زدست دادند و کشورهای بزرگ دیگری در منطقه ذینفع و مورد علاقه خود وارد عمل شدند .

« امریکائی‌ها شروع به تعقیب سیاست خاص خود نمودند »
 « کنسول آنها در افريقيای شمالی ترتیبات پیاده شدن نیروها را »
 « برای ۸ نوامبر ۱۹۴۲ فراهم نموده ، ارتش امریکا هم ایفای »
 « نقش مهمتری را در این صحنه عملیات جدید بعده گرفته »
 « منطقه افريقيا قلمرو آنها شد . گروههای مقاومت مخصوصی را »
 « در آنجا تشکیل و پشتیبانی نمودند . در این منطقه سرویسهای »
 « جنگهای روانی و سازمانهای هربوط به ژنرال ژیرود (۱) بر »
 « خلاف دو گل سکوت و تجاهل خاصی ابراز می‌گردند . سازمان »
 « مخصوصی در سوئیس تشکیل دادند که به مقاومت کنندگان »
 « کشورهای مختلف مساعده داده اغلب مبالغ مالی هنگفت ،

۱ - Giraud — ژنرال فرانسوی که در حمله آلمانها اسیر

شد، سپس از زندان نازدیها فرار کرده خود را با امریکائی‌ها شرکت نمود . ×

« وقابل توجهی به آنها اعطاء می‌کردند . »
 « روسیه‌شوری در این موقع مسلمان فقط در داخل مرزهای »
 « خود به عملیات مقاومت ادامه داده نظرهای مشورتی از »
 « لحاظ تعدد عملیات به تیمتو میداد ، دولت لهستان آزادراکه »
 « در لندن تشکیل شده بود بر سمت شناخت ، زنرال زیرورا باندازه »
 « زنرال دو گل بحق شناخت . در داخل روسیه کمیته‌های تشکیل و »
 « واحدهای ایجاد گردید که بهیچوجه با لندن بستگی نداشته و »
 « خود را حرف و برابر جنبش‌های که احتمالاً انگلیس‌ها در »
 « اروپای شرقی و مرکزی بوجود آورده بودند معرفی می‌کردند »
 « در بسیاری از کشورها بدون اینکه ظاهراً اخذ دستور مقاومت »
 « کنندگان را از مسکو بتوان تصریح نمود (ولی تطابق وهم آهنگی) »
 « تلاشها بخوبی این موضوع را میرساند) احزاب کمونیست در »
 « همه جا جبهه‌های ملی یا کمیته‌های مقاومت را بوجود آورده »
 « بدین ترتیب قسمت اعظم افکار و نیروهای مقاومت را در یک جبهه »
 « واحد مجتمع و گردآورده بودند . »

در این موقع فعالیت سازمان SOE هر تبار و بافزایش بود .

با اینکه شکستهای مکرر سازمان مزبور باعث شد که ستاد ارشاد بریتانیا از انعام تقاضاهای سازمان مزبور خودداری (۱) حتی کنترل عملیات هوایی ستادقاهره نیز از آن سلب و به زنرال الکساندر (۲) واگذار گردد . معهدها در ماه ژانویه ۱۹۴۴

۱ - سازمان SOE در ماه دسامبر ۱۹۴۳ درخواست ۵۶

عملیات هوایی از پایگاههای خاورمیانه و ۴۴ عملیات از پایگاههای انگلستان را نمود این درخواست‌ها در ژانویه ۱۹۴۴ مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفته در ماه مارس بمورد اجرا گذاشده شد ،

۲ - فرمانده گروه ارتشهای ۱۵ امریکا در

عملیات افریقا ×

کمک انگلستان به مقاومت فرانسه ده برابر کمک آمریکائی‌ها بود.

ولی مقاومت به رشد کامل خود رسیده بود به آسانی دستورهارا اجر او عدم اجر آنها را از دیگران نمی‌پذیرفت. مخصوصاً مقاومین فرانسه و ایتالیا بدنبال تیتو طرح و نظارت مربوط به پیکار خود را بدون اینکه منتظر روز (ر) رستاخیز ملی (سیاسی - نظامی) خود باشند در موقع مناسب تهیه و بموقع اجرا گذاشتند. عده‌ای هم، مأمورین بنیت‌آنها را سرزنش می‌کردند که اسلحه را در انبارها بدون اینکه مورد استفاده اشخاص قرار گیرد نگاهداشته‌اند تا اینکه دشمن آنها را کشف و تصرف نماید.

چون عده کمی هم از آن می‌ترسیدند که مبادانیروی عظیمی از مقاومین بوجود آمده خطر آنرا ایجاد کنند که در لحظه پیروزی اختیار را از دست ارباب‌ها گرفته یادستجاتی در بین مقاومت‌کنندگان تشکیل دهند که یک محیط انقلابی را در آن روز ساخت بوجود آورند.

بدین علت ستادهای آمریکا و انگلیس در ماه ژوئن ۱۹۴۳ صریحاً تأیید نمودند که کمک به سازمانهای مقاومت کماکان در استراتژی متفقین یک مقام فرعی را اشغال خواهد کرد و بهمین جهت ظهور جنگجویان غیر نظامی (ماکی‌ها) و بهبود وضع آنها مورد توجه قرار نگرفته، تعیین موقعیت و ارزش آنها در عملیات عظیم پیاده شدن در اروپا دشوار بنظر رسید. ستاد ارتش فقط باین موضوع اکتفا کرد که ترتیب تقدم کمک‌ها و همکاری با مقاومت‌های ملی مختلف را بنایه تحولات عمومی جنگ مورد بررسی و

اصلاح قراردهد (۱)

«چرچیل نیز بنو به خود گاهی تجاهل میکرد، چنانکه وقتی از «طرف (آستینه دول اویشری) (۲) در مرآکش درخواست اسلحه را دریافت» کرد، از اسوال نمود که «میتوانید من اطمئن کنید که فرانسویها اسلحه را علیه هم بکار نبرده بدون تلقینات و نظرات سیاسی»، «از اوامر این نهاد اطاعت خواهند نمود؟». با اینکه پاسخ «مشبت شنید، معهذا چرچیل میل داشت عملیات جنگجویان غیر» نظامی فرانسه را به منطقه (ساوا) (۳) محدود و آنها را ادار «کند که منحصراً در منطقه کوهستانی (سون) (۴) و (ژورا) (۵)»، «عملیات کنند. وقتی چرچیل به لندن مراجعت نمود فرماندهان»، «نظامی خود را ادار کرد که کمک خود را به سازمان مقاومت»، «فرانسه افزایش دهنده ولی هبیجیک از این وعده ها تماه مارس ۱۹۴۴ صورت عمل بخود نگرفت.

از این رو توافق بین مقاومت و انگلستان هم کاملاً صمیمانه نبود، زیرا که مقاومت خود را مانند یک نیروی سیاسی وانمود کرده برای استفاده ای که میتوانستند از آن بنمایند نکات جدیدی

۱ - این ترتیب تقدم در ماه مارس بترتیب عبارت بود از جزایر ایتالیا، کرس، کرت، بالکان، فرانسه و لهستان در ماه نوامبر ۱۹۴۳ به ترتیب بالکان، ایتالیای اشغالی، فرانسه و دریای اژه تغییر یافت و فقط در ماه مه ۱۹۴۴ بود که اروپای شمالی در ترتیب تقدم یکم قرار گرفت.

Astier de la Vigerie - ۲

Savoie - ۳ - منطقه ای در جنوب شرقی فرانسه و مرز ایتالیا

Cevenne - ۴ - کوهستانهای مرکزی فرانسه.

Jura - ۵ رشته کوههای واقع بین فرانسه و سویس.

را با یستی مورد توجه قرار گردید.

بهمن جهت از ابتدای اوریل ۱۹۴۴ بریتانیا دیگر نقش کم اهمیت‌تری را در نزد مبارزان هنگفی بعده داشت زیرا بطور کلی، دیگر نقش او در تمام مجموعه جنگ تقلیل یافته بود. وظیفه تدارک مقاومت در غرب را امریکائی‌ها بعده گرفته بودند ولی در شرق نفوذ شوروی از دیگر کشورها بیشتر بود. مقاومت فرانسه دیگر حاکم بر سر نوش خود شده حتی قبل از آنکه (حکومت مؤقت جمهوری) بر سمیت شناخته شود طبق موافقت نامه ماه مه ۱۹۴۴ نمایندگان خود را به جلسات هفتگی مدیران BBC اعزام داشته بود. در ماه ژوئن ۱۹۴۴ ستاد نیروهای داخلی فرانسه (FFI) تحت فرماندهی ژنرال (کونیگ) (۲) تشکیل، و ادارات مخصوص انگلیسی و امریکائی که برای فرانسه بوجود آمده بود ظاهراً از لحاظ تشریفاتی تحت امر و قرار گرفتند. نفوذ انگلستان در کشورهای کوچک اروپای غربی مانند بلژیک، هلند و نروژ که در صدد آن بودند تا از تشهای خود را تحت فرماندهی انگلستان قرار دهند بیش از سایرین بود، ولی بعد از رفتار و توجه چرچیل بیشتر تحت تأثیر اشتغالات سیاسی قرار گرفت تا مسائل نظامی، حتی بعضی اوقات روش‌های مخالفی نسبت به مقاومت در پیش‌میگرفت مانند آنچه که در مورد ایتالیا و یونان کرد.

پس از آنکه جنگ پایان یافت انگلیس‌ها استفاده هائی را که بپاداش شجاعات‌ها و روش‌بینی‌های خود در سال ۱۹۴۴ بخود نوید داده و انتظار داشتند بدست نیاوردند. یا بهتر بگویم

وضع طوری شد که آنها با مقاومت بجای اینکه مدافع بک نظم سیاسی و اجتماعی که مورد علاقه مقاومت است باشند نه تنها با آن مقابله و مخالفت نمودند بلکه در صدد بر هم زدن آن نیز برآمدند.

۳- روسیه شوروی

تحول و پیشرفت‌هایی که روسها در رفتار و تدایر خود بعمل آورده‌اند کاملاً بر عکس رفتار انگلیس‌ها بود : تا ژوئن ۱۹۴۱ روسیه شوروی فی الواقع دریک حالت انتظار بسر می‌برد، پیمان با آلمان اورا وادر کرده بود که فقط متوجه سهمی که از سرزمین‌های متصرفی لهستان و سایر کشورهای بالتیک برد بود، باشد. از نظر مقاومت مردم لهستان، روسیه دشمنی هم‌طراز آلمان شناخته شده بود. روسیه شوروی مواد و شرایط اقتصادی و سیاسی پیمان خود را با آلمان با نهایت دقیقت و توجه بمورد اجرا می‌گذاشت : هنرمندان و شورشیان ضد‌آلمنی یاقوت بانیافی که از قسمت اشغال شده لهستان فرار کرده، خود را به سرزمین‌های اشغالی ارتضی سرخ میرساندند، اگر به بازداشتگاه‌ها تحویل نمی‌شدند، امکان کمترین عملیات مبارزات مخفی به آنها داده نمی‌شد و بسیاری از اسراء جنکی لهستان سرنوشت بسیار سخت و دشواری را در زندانها وارد و گاههای روسی پیدا کردند.

روسها در خارج از مرزهای خود بهیچوجه از انگلیس‌ها حمایت و پشتیبانی نکرده مردان با اراده‌ای را مانند و گل و

بنش (۱) که دوش بدوش انگلیس ها بمبازرهادامه میدادند محکوم کرده آنها را (نوکران سرمایه داری) (۲) مینامیدند.

مسلم است که روسیه شوروی با حمله آلمانها کاملاً غافلگیر شدوا این حالت بهت و غافلگیری تاعملیات استالین گرداده داشت، فقط در آن موقع بود که تصمیم قطعی گرفتند تمام نیرو را برای جلوگیری از انهدام کشور خود بکار اندازند و در نتیجه با وارد کردن یک ضربت قطعی سریع، موقعیت آنها در مخاصمات جهانی تغییر یافت. در حالی که خود قربانی هجوم نازیها شده بودند کلیه کسانی که با آلمان میجنگیدند در سلک دوستان آنها درآمدند. روسیه باز دست دادن قسمت مهمی از سرزمین های خود حالتی ملتمسانه برای درخواست کمک از خارجی ها منجمله از سازمانهای مقاومت کشورهای دیگر بخود گرفت، در عین حال مجتمعه پیکارهای مأیوسانه او موجب شدند که مقاومت و جنگ هردو برایشان یکسان گردد.

وضع ناپایدار و متزلزل روسیه مانع از آن بود که بتواند در مسائل خارج از مرزها مستقیماً دخالت و نقشی را ایفاء نماید، و بهیچوجه قادر نبود که کمترین کمکی به سازمان مقاومت سایر

۱ - رئیس جمهور چکوسلواکی در موقع حمله آلمانها . X

۲ - چنانچه مولتف در گزارشی که در مورد سیاست خارجی روسیه به پنجمین جلسه شورای عالی روسیه در ۱۳ اکتبر ۱۹۳۹ داد انگلستان و فرانسه را متهمن نمود که « هنگامی که هیتلر بدنبال صلح است آنها میخواهند جنگ را ادامه دهند » و انگلستان را سرزنش و ملامت نمود که: « آزادیهای دموکراتی خود را هتلزل کرده است ». .

کشورها بکند و چنین انتظاری هم از او نمیرفت، زیرا روسیه شوروی از زیر فشار خفه کننده و رماخت (نیروهای مسلح آلمان)، حتی با انجام عملیات محدود ناحیه‌ای که برای تخفیف فشار آلمانها از طرف متفقین انجام میگرفت رهائی نیافت مگر از لحظه‌ای که جبهه دوم گشوده شد و آلمان کاملاً درگیر عملیات متفقین در غرب گردید.

هر چند روسیه شوروی سازمانی شبیه SOE^۱ (اجرائیات عملیات مخفی) تشکیل نداد و مسلماً در اروپای اشغالی دارای شبکه‌های اطلاعاتی مختلف بوده است که بیشتر طبق روش قدیم جاسوسی، مأمورینی را که دارای مشاغل مختلف در سر زمین های دشمن بودند در میان مردم پراکنده کرده بود، همچنین تعداد بی‌سابقه‌ای از مردمی که فقط حالت ناظر علاقمند بخود گرفته و تخصص فنی خود را مخفی نگاه میداشتند ولی چون در سر زمین خود عمل میکردند از لحاظ کسب اطلاعات بی‌اندازه مفید بودند. وهمین‌ها بودند که مبارزات مخفی فرانسه را بوجود آوردند (۱) روسیه شوروی برخلاف بریتانیای کبیر و آمریکا، سازمانی برای پرتاب افراد و وسائل با چتر از هواییما بوجود نیاوردند مأمورین مخصوص بخارج نفرستاده، گروههای خرابکاری تشکیل

۱ - شبکه Rado که وسیله یک نفر نقشه‌کش تهیه شده بود دارای سه پست فرستنده در زنو و لوزان بود و از اطلاعاتی که از رادیوی مخفی سوئیس یا جاسوسی از صدارت عظمی هیتلر و ارتش آلمان میرسید استفاده میگرد. این شبکه در اثر بازداشت یکی از پیک‌ها در تابستان ۱۹۴۲ عده زیادی را بکشتن داده و فعالیت آن تا پائیز ۱۹۴۳ قطع گردید.

نداده بود. بدینختی بزرگ احزاب کمونیست کشورهای غربی و تقاضاهای محترمانه کمکی که از انگلیس و آمریکا میکردند باعث شدت اتفاقین معتقد شوند که روسیه کمک مالی با آنها نمیکند. چاره نبود آتشی درخانه افتاده بود و نجات خانه از نابودشدن تمام نیروهای موجود را بخود جذب میکرد.

چون باقی بود یک حالت فوق العاده احتیاط آمیز از ایجاد مجادلات و مخالفت هائی که همیشه بین مبارزان مخفی بوجود میآمد، جلوگیری میشد، روسیه شوروی لزوم کلیه نهضت های مبارزان مخفی را در یک اتحادیه مقدس اعلام داشت.

صحیح است که روسیه شوروی دارای سازمان (کمینترن) (۱) بود ولی در این موقع برای خوش آمد متفقین رسمآ نرا منحل و بفراموشی سپرد، و متحمل است که غالب اوقات احزاب و مبارزان کمونیست در عملیات خود از آزادی عمل و تصمیم بهرمند بودند. ولی اکثر طرز عمل آنها در همه جا مشابه نبود، مثلا در فرانسه، طرز کار آنها عبارت از درگیری در عملیات فوری و کوشش در اینکه سایر نهضت های مقاومت را بدبال خود کشیده با نشان دادن سرمشقا ها و درس های عبرت انگیز و همکاری کم و بیش صمیمانه با سازمانهای عمومی (نظیر کمیته عملیات شورای ملی مقاومت (۲)) را اداره نمایند. در حالیکه در (بوهم) (۳) چکوسلواکی

۱ - علامت اختصاری کمونیسم بین المللی که Komintern

هر کن هدایت جنبش های کمونیستی جهانی در روسیه است. ×

۲ - علامت اختصاری (کمیته عملیات شورای Comac)

Comité d'action du conseil national (ملی مقاومت de la Resistance

۳ - Bohême مهمترین کشور چکوسلواکی. ×

مدتهای دراز یک حالت انتظار را بخود گرفته بودند.

بطور کلی همه آنها نسبت به روسیه شوروی و فاداری کامل داشتند. (۱). ولی طبق دستور کلی، درواقع یک صدا خفه کن، موقتاً روی تبلیغات خود قرار داده و گذاشتند تا مبارزه میهن پرستانه قبل از انقلاب جریان خود را ادامه دهد و از نظر سیاسی تمام مقاومت‌هارا صرفنظر از تمایلات خاص آنان دعوت به اتحاد کردند و از نظر نظامی عده‌های مخصوص خود را آماده و بسیج نمودند. خواه طبق دستور العمل‌های صادره یا تحت تاثیر الهام روسها و یا صرفاً بنا به نظرات خود همیشه کمونیست‌ها نسبت به روسیه و فادار مانده و میشد انتظار داشت که قریباً در اروپا یک مسابقه و برخورد نیروها بوجود خواهد آمد که هیچ‌گونه جسارت یا خشونتی مانع پیشرفت آن نشود.

پیروزی استالینگراییک تغییر وضع قطعی را بوجود آورد، دیگر بعد از آن اهمیت نفوذ روسیه شوروی در می‌باشد اروپا بی‌نظیر بود. دیگر مسئله سرنوشت میهن مطرح نبود، دیر یا زود پیروزی قطعی بدست می‌آمد، بعد از آن در سیاست روسیه شوروی، آمادگی برای بعداز جنگ و دفاع از منافع آینده و مسائل امنیتی مطرح بود. اما این مسائل باستی بین شرق و غرب اروپا تعیین و مشخص میشد.

۱ - طبق حکم روزانه ارتشی استالین، در فرانسه اجازه داده شده بود که در شعارهای مخصوص روزنامه او مانیته گنجانده شود که « افراد پاریزان فرانلک تیور (جنگ‌جویان جبهه ملی فرانسه) مردند در حالیکه فریاد می‌زندند : « زنده با در روسیه شوروی »

در غرب، روسیه شوروی یک حالت احتیاط‌آمیز و عدم مداخله را بعایت میکرد (۱) و مسائلی مانند تقسیم اروپا به مناطق نفوذ را، عملی انجام‌شده تلقی مینمود.

بهمن جهت حالت آشی ناپذیری روسیه شوروی در شرق کلی و یک جهت بود، اوحد قلمرو خود را بمیزان حدود پیش روی ارتش سرخ محدود و مشخص نمود، سپس با مداخله در سرزمین هائی که ارتش سرخ آنها را آزاد کرده یا خواهد کرد نسبت به انگلوساکسونها یا نسبت به دولتهای آزاد قانونی مهاجرت کرده، به بهانه اشتراک‌هدف اصلی جنگ، حالت امتناع بخود گرفته و نظر آنها را در میکرد.

روسیه شوروی همچنین نسبت به آلمانی که در ۱۹۴۱ با او هم پیمان بود در پایان ۱۹۴۴ آنرا یک کشور مقاومت کننده عالی‌بنا به خصلت و طبیعت ذاتی اش، معرفی مینمود و من باب مثال اساساً چنین و انmod میکرد که ظهور مقاومت‌های ملی که با وسائل خاص خود جنگیده و پیروز شده و با تحمل رنج‌ها و تلفاتی که در اثر اشغال نظیر آن در هیچ کجا جز لهستان وجود نداشته است، مدیون ارتش سرخ و نقشی است که اجزاب کمونیست در تمام کشورها ایفاء نموده‌اند.

۳ - ممالک متحده امریکا

امریکائی‌ها بعد از همه‌وارد جنگ شده جز در سال آخر

۱ - استالین در مورد موضوع لهستان به چرچیل نوشت: « آیا من در مورد بلژیک دخالت میکنم ». (از مکاتبات استالین چرچیل و روزولت)

جنگ نقش مهم و اساسی در اروپا نداشتند حتی در مقاومت‌ها خیلی دیر و بمقدار کم نفوذیافتند. نوع مبارزاتی را که امریکائی‌ها هدایت و رهبری میکردند باساخیر مبارزات تفاوت بسیار داشته و کاملاً در درجه مقابله قرار داشتند. ادراک و طرح آنها متکی بر یک جنگ عمنوعی و پرپایه، وسائل، سازمان، حمل و نقل جدید، نویکنوخت کردن سلاحها، استوار بود. در حالی که مقاومت‌ها از همه اینها محروم بوده با فقر و فلاکت پیاخته فقط با سرمایه منحصر بفرد و نیرومند خود یعنی فداکاری مبارزان داوطلب، مجاهز بودند و بس.

در رهبری و هدایت سیاست امریکا، نقش شخصی روزولت با اینکه فوق العاده مقید به رعایت و تطبیق عقاید و نظرات خود با چرچیل و استالین بود، معهذا تاثیر فراوانی در اوضاع داشت ولی دو شخص اخیر الذکر فقط پدربال هدفهای جنگی که متنضم منافع اصلی کشور آنها بود میرفتند، و رفتار و روش آنها نسبت به مقاومت مبتنی بر همان هدف‌ها بود. در حالیکه سیاست عمومی امریکا بطور نامناسب توجیه گردیده و مبتنی بر این اصلاح بود که: اروپا همیشه یک سرزمین خارجی است و امریکائی‌ها در اولین فرصت مناسب از آنجا نیرون خواهند رفت.

در مراحل اجرائی، ژنرال‌ها و افسران امریکائی یک بی‌اطلاعی قبل تأسی از مسائل سیاسی ابراز میداشتند، مامورین امریکائی‌هم که با گروههای بوسیله چتر فرود آمده بودند اغلب از مبارزان مخفی، که برای کمک آنها آمده بودند، فاصله گرفته، بواسطه اختلاف زبان، عقاید، احتیاجات و هدفها، نسبت بهم بیگانه بودند.

واضح است که رهبران این ائتلاف و اتحاد متفقین بزرگ که در کنارهم در اروپا و آسیا می‌جنگیدند و با مسائل مهمی ما نند بسیج صنعتی و ساختمان تمام قطعات و وسائل یک ارتش عظیم در گیر و دست بگریبان بودند، نه طمع ارضی داشتند و نه مزایای خاصی می‌خواستند بلکه فقط در اندیشه آن بودند که پس از پیروزی، صلح جهان را تامین نمایند. اما افریکائیها که مجبور بودند در همه‌جا خود را به مسائل مبارزان مخفی مشغول نمایند در این مورد نه یک سیاست کلی تنظیم کرده و نه تجربه عملی داشتند، بلکه بنا به شرایط اوضاع و احوال یک روش موقتی و محلی را قبول و انتخاب مینمودند،

« قبل از پائیز ۱۹۴۲ امریکائی‌ها هنوز وارد جنگ نشده»
 « و تازه مقدمات آن را آغاز کرده بودند. بادخلشدن در جنگ »
 « یکباره مسائل مختلفی برای آنها مطرح شد که او این آنها عبارت»
 « از انتخاب و توجیه نظریه استراتژی اروپا و آسیا بود .»
 « امریکائی‌ها تجربیات مختصری از مبارزات مخفی فیلیپین آموخته»
 « بودند که فقط هر بوظبه گریلاها بود، هنوز نجر به کافی از جنبش‌های»
 « مخفی کلی و سیاسی نداشتند. بهر حال امریکائی‌ها هر عملی را که»
 « می‌خواستند در اروپا انجام دهند می‌بایستی قبل اطلاعات و سیعی در»
 « در آن هورد کسب کنند و برای هر کاری هنوز ساعت عمل»
 « فرانرسیده بود. طبعاً در مرحله اول تمایل داشتند که اطلاعات»
 « و اخبار لازم را از مجرای سفرات خانه‌های خود با مراجعه به»
 « مقامات عالیه‌داری کشورهای اشغال شده کسب نمایند .»
 « بدین جهت بود که اجتماع و دسته‌جات اصلی جنبش‌های»
 « مخفی را که در این موقع بطور ناشیانه خود را نشان میدادند »

« خوب درک و احسان نکرده (۱) آنها را از لحاظ ارزش و « کمیت قابل اهمیت نمیدانستند، و بهمین ترتیب از افرادی که به « امنیکا مهاجرت میکردند استفاده لازم نشده، انتشارات رادیوئی » آنها ناقص بوده بواسطه دوری مسافت بسختی شنیده میشد. « از لحاظ صحبت اخبار و مهارت در تبلیغات و طرز عمل هرگز « بیایه آن نمیرسید.

مرحله بعدی با پیاده شدن در (افریقای شمالی فرانسه) در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۴۲ آغاز گردید. برای اینکه نتیجه این پیاده شدن نیرو موقیت آمیز بوده، حداقل هزینه را داشته و مواجه با اشکالات احتمالی از ناحیه حکومت ویژی نگردد ناچار بایستی قبل از آنها تماس گرفته میشد، بدین ترتیب برای اولین بار مسئله ایجاد روابط همکاری با فرانسویها مطرح شد ولی طرز عمل آنقدر ناشیانه بود که نه تنها باعث قطع رابطه با ژنرال دو گل گردید (در صورتیکه ممکن بود طوری عمل کنند که نتیجه با این بد نباشد) بلکه بعداً و متعاقب آن رابطه با نهضت مقاومت سرزمین فرانسه نیز قطع شد. اما ژنرال (ژیرو-۲) هم که مانند جانشین (ویگان-۳) مورد توجه بود، در مرد صلاحیت

۱ - گزارش‌هایی که Leahy سفیر امریکا در ویژه در این مورد میداد چالب و حاکی از این بود که: « رژیم گان مخفی (ماکی) اشخاص دمدمی و عجیب بوده ... طرفداران دو گل، خود را بنام (گل) های قدیم مینامند (نه ژنرال دو گل) ... سازمان فرانسه آزاد هم اشیاع از جاسوسان آلمانی است و غیره . »

۲ - Giraud قبل از توضیح داده شده است .

۳ - Weygan - ژنرال فرانسوی که در زمان حمله آلمانها رئیس ستاد و در حکومت پتن وزیر دفاع ملی سپس نماینده او در افریقای شمالی و بعدها وسیله آلمانها توقيف شد. عضو آکادمی . X

خود دچار اشتباه گردیده ، هیچ کاری برای موققیت قیام و شورش الجزیره و مردمی که در آن شرکت کرده بودند انجام نداد . نتیجه آن شد که همه آنها قربانی یک توافق نفرت انگیزی با (دارلان ۱) گردیدند.

بعدها آمریکائیها در صدد آن برآمدند که خود را از زحمت و گرفتاری های مبهم و پیچیده مقاومت فرانسه خلاص کنند . مسلماً دلائلی که روزولت را وادار با تیخاذ چنین سیاستی نمود از روی ناچاری بود ، او میخواست خطوط ارتباطی خودو (فرانسه رژیمنده) را در مقابل هر نوع بی‌نظمی و اختلاف تازمانی که ملت فرانسه بتواند اظهار عقیده کرده ، در مقابل دیدگان خود فرانسه آزادی را معرفی نماید ، حفظ و نگاهداری کند . ولی آمریکا با توجه باین ملاحظات نظامی و سیاسی ، نظریه های اشتباه آمیز وقابل تأسی ابراز نمود : نظریه کلی و خصوصت اصولی او فسیت به (بقاء امپراطوری های مستعمراتی) و اعتقاد وی باینکه فرانسه دیگر هرگز جزو قدرتهای بزرگ نخواهد بود مانع از این شدن که توجه به آثار خارجی قدرتهای موجود و بکار بردن بهتر آن قدرتها ، برای به نتیجه رسیدن طرحهای وی بنحو شایسته و صحیحی ارزیابی و برآورد شوند .

روزولت در این اشتباه وخطای خود انقدر لجاجت بخرج داد که من بباب مثل ژنرال دوگل در نظر او ، ناگهان بشکل یک شاگرد دیکتانور و یک مرد کاملاً چپ و علاقه مند به

۱ - *Darlan* - آمیر ال فرانسوی که معاونت ریاست جمهوری پتن و فرماندهی نیروهای زمینی و دریائی را بعهده داشته بالآخره در الجزایر کشته شد . X

کمونیسم بین‌المللی جلوه گر شده، رفتار اودر این‌مورد کاملاً منفی و بکلی غیرقابل دفاع توجیه گردید.

پس از آن امریکائی‌ها خودرا در مقابل مسائل غیرمنتظره و پیچیده مقاومت ایطالیا یافتد. بنظر میرسید شکستی که در آفریقا ذرمقابل حیله‌داران خورده بودند آنها را بیش از پیش محتاط و هوشیار کرده بود. هر چند که خود را دشمن و مخالف توسعه و گسترش سازمان‌های پارتیزانی، مخصوصاً در قلمرو منطقه خود نشان میدادند معهذا برایشان مسلم بود که نظریه قدیمی جمهوری خواهان کمتر از اقدامات انگلیس‌ها بنفع خانواده سلطنتی ایطالیا مورد توجه و مترجمی نداشت. به حال بعدها امریکائی‌ها گزارش‌های نظامی و سیاسی را با مسائل مرتبه مقاومت بهم متصل و مرتب کردند، یک سازمان مرکزی مشابه SOE انگلیس‌ها، بنام (اداره خدمات استراتژی - OSS) بوجود آوردن، مسلماً امریکائی‌ها در مورد جمع آوری و استخدام مأمورین زیاد سخت نمی‌گرفتند، بتدریج شبکه‌های اطلاعاتی و عملیاتی آنها در اروپا اشغالی بوجود آمد. مهمترین مسئله در این‌مورد آنست که با این اقدامات اساس و مقدمات عملیات عظیم پیاده‌شدن در اروپا و راهی را که باستی برای اینکار انتخاب کنند فراهم گردند.

و امریکا در سال ۱۹۴۴ تبدیل به زرادخانه مقاومت شد.

- « همین امریکائی‌ها بودند که واحدهای فرانسوی را در « افریقای شمالی بسیج کردند؛ یعنی نیرویی منکب از ۲۵ هزار » نفر شامل ۸ لشکر رزمی و ۳۰۰ واحد پشتیبانی و ۱۹۶ گردان »

در اروپا

« هوائی با تمام احتیاجات مر بوشه، یعنی در حدود سه میلیون تن»
 « وسائل و کالا را تهیه نمودند.»
 « امریکائی‌ها همچنین مقاومت داخلی را مسلح نمودند. در»
 « ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۴ تعداد ۷ نفر مأمور و ۶۰۰۰ بسته محموله»
 « که محتوی ۱۰۰۰ تن اسلحه و تجهیزات بود با چتر از آسمان»
 « فرانسه فروریختند، در ایتالیا از ماه ژانویه تا اوریل ۱۹۴۵»
 « کمک‌هایی که به مقاومت نمودند بالغ بر ۱۲۸۰۰ تن بارگیری شد»
 « تن آن اسلحه بود. اما این مقاومتی را که آنها مسلح کرده و بکار»
 « برداشت با آنها اجازه نداد که در اروپای غربی مخالفت یا اعمال»
 « زور نمایند»

« مسئله عجیب آنکه بطور کلی نظامیان بیش از غیر نظامی‌ها»
 « روح سیاسی ابراز میداشتند، در حالی که هدفهای نظامی»
 « مقاومت اغلب هدفهای نبود که از طرف خود نظامی‌ها تعیین»
 « شده باشد. ژنرال (دونوان) ۱ رئیس کل سازمان OSS چنین»
 « برآورد کرده بود که متأسفاً نه مجبور خواهد بود سازمان»
 « نیروهای داخلی فرانسه را از لحاظ سیاسی بحال خود بگذارد»
 « تا در اثر فشار منعدم گردد و به مارشال پتن نوشته: « ما»
 « برای تحصیل دوستی فرانسه بود که مجبور به کمک به مقاومت»
 « شدیم »

در اروپای شرقی، امریکائی‌ها مقاومت را قربانی طرحهای کلی بعد از جنگ نمودند که تا وقتی ناگهان، خطر آلمان بر طرف همیگردد بایستی از بروز موجیات یک جنگ سوم جهانی جلوگیری شود. بهمین جهت بود که روزولت عمل املا مقاومت اروپای شرقی را بحال خود گذاشت و در نتیجه صرفنظر کردن از این مبارزات

پشت جبهه‌ها، عدم تمايل بدخلت در آنها بود که اروپای شرقی یکجا از آن روسیه شد. در (پوتسدام-۱) تووهن صریحاً مسئله تجدید نظر در موافقت‌های قبلی را رد کرد، زیرا میخواست که از عقیده کلی خود عدول ننماید. پایان دادن به جنگ و مراجعت بوطن یک احساس غیر قابل مقاومت و شدید واحدهای نظامی بود و مجموعه اوضاع و احوال روانی تصمیم‌های سیاسی را تائید نمودند. همچنین بقول خود آمریکائی‌ها (بطور خلاصه-۲)، مسلم گردیده بود که امریکائیها در زمان جنگ دارای سیاست خاصی درباره مقاومت نبوده‌اند. چنانکه هیچیک از کشورهای ضد کمونیسم مسئله، اینکه امریکائیها توسعه کمونیسم را بطرف غرب تسهیل کردند چندان مورد توجه و حمله تندقرار نگرفت. وهیچیک از متفقین، بیفرض از و در حد بشردوستی خود کمکی به مقاومت نکردند و به کشورهای گرسنه اروپائی آذوقه نرسانند.

در حالیکه ملت‌های آزاد شده جز حق‌شناسی که در اثر زایل شدن بعض وکینه‌ها بوجود آمده بود چیز دیگری بدانها ابراز نمیداشتند. آنها نازیسم را شکست داده بودند، ولی در طول این راه نسبت به مخالفین سرسخت‌تر آنجنان خشمگین شده و چه بسا اشخاص یا ارثیم‌های را مورد حمایت قرار داده بودند که عقاید سیاسی و اجتماعی آنان درباره طرفداری شان از آلمان مورد تردید بود.

۱ - Potsdam - شهر قدیمی آلمان که از نظر تاریخی ما نندورسای فرانسه است و در سال ۱۹۴۵ کنفرانسی بین تووهن چرچیل و استالین در آنجا تشکیل شد.

In-fine - ۲

فصل سوم

مقاآمت مبارزه مخفی در رژیم‌های دیکتاتوری مطلق

در رژیم‌های دیکتاتوری بود که روح مبارزه مخفی برای اولین بار درست قبل از جنگ درم جهانی ظاهر گردید، سپس تغییر شکل یافت. ساپقاً این مبارزه بشکل مقابله داخلی با سیستم سیاست‌خشن و مستبدانه بود، ولی بعداً تبدیل به مقاآمت و مخالفت با رژیم‌های ننگینی. گردید که در عین حال که خود را کشوری در حال جنگ قلمداد می‌کردند و دوست و همکار دشمنان وطن نیز بودند. وجود آن مقاآمت کنندگان در ایتالیائی موسولینی و در آلمان هیتلری از یک فاجعه در دنارک متاثر و منقلب بود، در روح آنها بین وطن پرستی وجود آن کشمکشی آغاز شده بود. درحالی که نسبت به کشور خود وفادار بودند اجباراً دست از اعتقادات خویش بر

میداشتند، شکل دشمن بخود میگرفتند و هر آن ممکن بود متعه
به خیانت گردند.

ایتالیای موسولینی

« در این کشور که با بقدرت رسانیدن فاشیسم همه چیز »
 « شروع شد، مخالفین فاشیسم در حالی که مجبور به سکوت و «
 « گوش نشینی گردیدند معهدها در شرایطی که امکان هیچ نوع مبارزه »
 « وجود نداشت در سالهای ۱۹۲۴-۱۹۲۶ در صدد طرح انتقام »
 « و رفتن بخارج از کشور برآمدند. کوشش آنها مصروف باشند »
 « میشد که با انتشار روزنامه‌های افکار عمومی اروپارا بخود چلب »
 « نمایند و بدین منظور در سال ۱۹۲۶ (من کن ضد فاشیست‌ها - ۱) »
 « را در پاریس تشکیل دادند، در حالی کمونیست‌ها هم چندان روی »
 « روی خوشی بد آنها نشان ندادند. وسائل آنها ناچیز و طرز تقسیم »
 « شعبات آنها در عمق بود. طبقه روشنفکر این عده در بحث‌ها »
 « و مجادلات بیشتر ورزیده بودند تا در عملیات مبارزات مخفی »
 « و دموکراسی غربی فقط وجود آنها را تحمل کرده بدون اینکه »
 « کمک زیاد یا پشتیبانی از آنها بنماید اجازه فعالیت میدادند »
 « در حالی که در تمام پاینخت‌های اروپا اوضاع بنفع موسولینی »
 « و امور بر وفق مراد وی میگردید. »
 « از ابتدای سال ۱۹۳۴ روسیه شوروی به نزدیک گردن »
 « ضد فاشیست‌ها، سوسیالیست‌ها، دموکرات‌های مسیحی و لیبرال‌ها (۲) »

Concentrazione Antifascista - ۱

۲ - باید بادآوری کنیم که کمونیست‌های ایتالیا در مقابل
 کرملین تا حدی استقلال خود را حفظ نمودند. **Gransci** و **Bordiga**
 از لحاظ عدم اطاعت با هم رقابت میکردند. **Togliatti** مخالفت
 خود را با **Dimitrov** اعلام داشت و بالاخره سرنزنش‌های مسکو
 جدائی حزب **Tasca** و **Silon** را تشدید نمود.

«بیدیگر، بمنظور تشکیل (جبهه‌های ملی) و پیشرفت کمونیست‌ها»
 «کملک مینمود . در سال ۱۹۳۵ یک کنگره ضد فاشیست در»
 «بروکسل تشکیل گردید، ورود مطبوعات خارجی مخصوصاً»
 «روزنامه کمونیستی (او نیتا-۱) به ایتالیا ممنوع شده ولی از لای»
 «آستین‌ها و زین لباسها توزیع می‌گردید .»
 «بازداشت‌های دسته جمعی که در سال ۱۹۳۴ و ۱۹۳۵»
 «وسیله پلیس فاشیست انجام گرفت ، و محاکمات ۱۹۳۱ و ۱۹۳۰»
 «همه حاکی از آن بودند که نفوذ مخالفین فاشیسم در میان»
 «کلیه کارگران و مجامع روشنفکران زیاد است (۲) ولی مقابله»
 «شدید دولت در آن وقت این نفوذ را متوقف و بی‌اثر نمود ،»
 «بعلاوه موقتی‌های موسولینی در حبشه نیز باعث شد که افکار»
 «عمومی در ایتالیا نسبت بمخالفت‌هائی که با فاشیست‌ها می‌شد تا»
 «حدی غیر قابل نفوذ گردد .

«جنگ داخلی اسپانیا این امکان را داد که مخالفین»
 «مهاجرت کرده ، مجتمع شده ، در عین حال بعملیات خود صورت»
 «بین المللی بدنهند . اتحادیه توده‌ای مهاجرین که توانسته بود»
 «روزنامه میارزی بنام (لاوسن د گلای ایتالیائی-۳) منتشر نماید»
 «۵۰۰۰ نفر داوطلب جنگجو به اسپانیا فرستاده و یک سرمشق»
 «و نمونه جالبی برای قیام بین المللی علیه رژیم‌های دیکتاتوری »

۱ - Unità اتحاد .

۲ - این نفوذ مخصوصاً در اثر نهضت (عدالت و آزادی) بوجود آمده بود که می‌خواست : سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها را متحد نماید و معتقد بود که فاشیسم مغلوب و نا بود نخواهد شد مگر با شورش و قیام .

« بدنیا نشان داد .. داؤطلبان هزبور در حقیقت برای جنگ با « آن دسته از هموطنان خود که از طرف مسؤولین بیاری فرانکو » اعزام شده بودند. آیت و رهبری گردیدند .»

« قبول سیاست عدم مداخله از طرف دموکراسی غربی و »

« موققیت نهائی زنرال فرانکو، شکست بزرگی برای ضد فاشیست‌ها »

« ایتالیا بود . پیمان روس و انگلیس و آلمان در سال ۱۹۳۹ مجددآ باعث جدا شدن کمونیست‌ها از سایر ضد فاشیست‌ها گردید »

« در حالی که حکومت‌های فرانسه و انگلیس از آماده شدن مسؤولین »

« برای اینکه دوش بدش آلمان وارد جنگ گردد سخت نگران »

« ونا راحت بودند . بالاخره وقتی که ایتالیا هم وارد جنگ شد، »

« شکست فرانسه و بدنیال آن اختصار شکست انگلیس دیگر کمترین »

« امیدی را برای ضد فاشیست‌ها باقی نگذارد، برای آنها بسی مشکل »

« بود تا علیه وزیری که ظاهراً فاتح و پیروز بنظر می‌رسید .»

« مبارزه نمایند .»

« ولی بسامام اینها : دست از مبارزه و پیکار برنداشتند، »

« مهاجرین در کشورهایی که ساکن شده بودند به مقاومت‌ها »

« ملی که تشکیل هیشدمی پیوستند در حالی که هرگز ایجاد جنبش‌هایی نظر آنچه را که (سیلویو ترانتن - ۱) برای (آزاد و متحد کردن - ۲) در (تولوز - ۳) انجام داد . تحریک و ترغیب » نگردند .»

« قطع رابطه روس و آلمان موجب شد که کمونیست‌ها دوباره « عقب گرد نموده اتحاد بین نهضت‌ها را بوجود آورند »

Sillvio Trentin - ۱

Libérer Fédérer - ۲

یکی از شهرهای مهم جنوبی فرانسه . X Toulouse - ۳

در اروپا

« (توگلیاتی-۱) ضمن سخنرانیهای پرشور خود در مسکو که^۴ « هفته سه بار ایراد میکرد لزوم همکاری و اقدام فوری دوش » « بدش متفقین را توصیه میکرد . (سفورزا-۲) مانیفست هشتگانه) « خود را که توسط کنگره ایتالیائی های آزاد قاره امریکا درآوت « ۱۹۴۲ در (مونتولیدو-۳) تصویب شده بود ، در نیویورک چاپ « و منتشر نمود . در استان تولوز فرانسه یک کمتبه (تمن کز ضد) « (فاشیست ها) تشکیل و کلیه کمونیست هارادر (تنی-۴) و (ساراگات-۵) « مجتمع و گردهم آورد . در امریکای لاتن و خاورمیانه کمیته های « (ایتالیای آزاد-۶) و در نیویورک انجمان (مازینی-۷) تشکیل « گردیدند .

« نظیر همین کارها از ماه دسامبر ۱۹۴۲ در ایتالیا » « شمالی بوقوع پیوست . یک (جبهه ملی کار) تشکیل و تو انت کلیه « کمونیست ها ، سوسیالیست ها و (حرب عمل را) را گرد هم آورد . » « سپس روزنامه های مخفی چاپ و تعداد آنها بچندین برابر « رسید ، منجمله روزنامه کمونیستی (اونیتا) (که در هر ۱۵ روز)

۱ - Togliatti رهبر حزب کمونیست ایتالیا . X

۲ - Sforza یکی از رهبران مقاومت ایتالیا . X

۳ - Montevideo پاپخت جمهوری اروگه . X

۴ - Nenni -

۵ - Saragat -

۶ - Italia Libera -

۷ - Mazini - این انجمان بنام قهرمان مبارزه آزادی در

قرن ۱۹ تشکیل شد . X

۸ - Parti d'action نام جدید حزب (عدالت و

آزادی) .

« چهار شماره و در ۳۰۰۰۰ نسخه چاپ میشد) و روزنامه « ایتالیا لیبرالی - ۱) واپسی به (حزب کار) (که بطور ماهانه در ۲۰۰۰ نسخه چاپ میشد) و روزنامه های (ایل یوپولو - ۲) « واپسی به حزب دموکرات مسیحی : روزنامه (ریکوستروزیونه - ۳) » و (ریزور جیمنتو لیبرالی - ۴) ارگان حزب لیبرال و روزنامه « (ایتالیا دل یوپولو - ۵) ارگان حزت جمهوری خواه و روزنامه » آوانسی - ۶) ارگان حزب سوسیالیست (در ۲۰۰۰ نسخه) هر تیا « چاپ و منتشر هیکر دیدند ، « در اثر این تبلیغات بود که فتاویج لازم ببار آمد ، البته « احزاب سیاسی که بتوانند قادر مقاومت را تشکیل دهند جز » بطور محلی و مختص هنوزای جاد نگردیده ، مقاصد و هدفهای آنها بیشتر جنبه تئوری داشت . در پشت سن (بونومی - ۷) « لیبرالها در پی ایجاد توافق با سلطنت طلبان ضدفاشیست بوده . » کمونیست ها هم بنوپه خود بدنیار تشکیل یک اتحادیه عظیم « بتکاپو افتاده ، در حالی که سوسیالیست ها و حزب کار همچنان « ضد سلطنت بودند . »

« بنا بر این باید توجه داشت که این مقاومت نبود که «

« اعتصاب کارگران را در ماه مارس ۱۹۴۳ در شهر های (تورن - ۸)

. Italia libera - ۱

× Mلت . Il popolo - ۲

. Risorgimento liberale - ۳

. Ricostruzione - ۴ تجدید ساختمان .

. Italia del popolo - ۵ ملت ایتالی .

Avanti - ۶

. Bonomi - ۷

× از شهر های ایتالیا . Turin - ۸

«و (میلان - ۱) و (ژن - ۲) سازمان داد بلکه اعتصابات مزبور»
 «معلول مشکلات اقتصادی و همچنین حاکی از ضعف و شکست»
 «رژیم فاشیست بود که بالاخره آنها را برای حرکت دادن آسیاب»
 «مقاآمت برآهانداخت .»

«همچنین این مقاآمت نبود که در ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۳ باعث»
 «سقوط موسولینی و ترک یاران و فادارش گردید بلکه این شاه»
 «ایتالیا بود که پس از آنکه از شر (دوچه - ۳) خلاصی یافت، دیگر»
 «کمترین حق شناسی را نسبت به نهضت‌های مقاآمت رعایت نکرد»
 «نهضت‌های مقاآمتی که با تقسیم ایتالیا بدو قسمت جنوبی (فتح»
 «شده توسط متفقین) و قسمت شمالی (در اشغال آلمانها) باعث»
 «از بین رفتن قاسیم در جنوب ، و موجب تجدید حیات جمهوری»
 «(سالو - ۴) در شمال شده بودند، بالاخره مجموعه این اوضاع بود کدیک»
 «محیط انقلابی و آغاز جنگ داخلی را بوجود آورد .»

باسقوط موسولینی مقاآمت و مقابله مردم ایتالیا به منظور
 و هدف خود رسید ، ولی این پیروزی تازمانی که ایتالیا بیک رژیم
 دموکراتی فرسید و آلمان نازی کاملاً شکست نخورد موقتی
 و ناپایدار بود. مسئله‌ای که برای مقاآمت کنندگان و مخالفین
 اهمیت داشت عبارت از تحمیل خود بر حکومت ، و شناساندن
 خویش به متفقین و شرکت در جنگ عمومی بود . آنها بزودی
 به مقصود رسیدند و موقعیت آنان ثابت و روشن گردید . دیگر علیه
 رژیم قانونی کشور مبارزه نمیکردند بلکه علیه اشغالگران آلمانی

۱ - Milan - از شهرهای ایتالیا ،

۲ - Gênes - از شهرهای ایتالیا .

۳ - Duce - لقبی که فاشیست‌ها به موسولینی داده بودند ×

۴ - Salo -

وارد عمل شدنده نوز خطر بزرگ باقی بود و سین تاریخ بنفع آنها میگشت. همبستگی بین آنها اعلی رغم جدائیهای گذشته و اختلافات متوالی، ثابت و پایدار گردید.

در ابتدا، کار آنها بس مشکل و سخت بود، حکومت مارشال (بادو گلیو - ۱) آنها را بر سمت نمیشناخت: رئیس ستاد ارتش او (رواتا - ۲) دستور داده بود که در صورت بروز تظاهرات بروی آنها تیر اندازی کنند، و ضد فاشیست هائی که زندانی بودند همچنان در زندانها باقی ماندند. اما با امضاء متأخر که جنگ با متفقین، اختلاف و تفرقه در ارتش ایتالیا بروز کردا گر قسمتی اسلحه را بر زمین گذاشته یا اسیر گردیدند، قسمت دیگری هم از ارتش حتی در خود ایتالیا بجنگ ادامه دادند یا به مقاومت کنند گان، کشورهای دیگر پیوستند (۳). عنیمت شاهو (بادو گلیو) از رم در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۴۳ میدان را برای مقاومت کنند گان باز گذاشت و پس از آنکه آلمان توسط متفقین اشغال شد مبارزات مخفی امکان آنرا بدست آورد که (کمیته آزادی ملی - ۴) را

Badoglio - ۱ مارشال ایتالیائی و رئیس حکومت

هوقتی پس از سقوط موسولینی. ×

Roatta - ۲

۳ - یکی از این واحدا لشگر کاریبا اندی بود که به پارتیزانهای یو گسلاوی پیوست و در حنگهای که دوش بدوش ارتش ملی یو گوسلاوی کرد بیش از ۲۰۰۰۰ نفر کشته داد.

۴ - اعضاء این کمیته عبارت بودند از (س. کوکسیمارو) و (آمندولا) از حزب کمونیست - (زنی) و (رومیتا) از حزب سوسیالیست - (گراسیری) و (گرونچی) از حزب دموکرات هسیجی،

تحت ریاست (بونومی) تشکیل دهد.

سپس بعلت شرکت در حکومت بادو گلیو و بواسطه مسئله سلطنت این کمیته تقسیم گردید. درحالی که میباشستی نسبت به حکومت بادو گلیو، یعنی تنها رژیمی که توسط متفقین به رسمیت شناخته شده بود، روش خصوصیت آمیز خود را تعديل مبکر د. بنابراین پیشنهاد کمونیست ها تصمیم گرفته شده مسئله تعیین تکلیف سلطنت موکول به خاتمه چنگ گردد، (تو گلیاتی) که تازه از مسکو مراجعت کرده بود حتی یک قدم جلوتر رفته، تصمیم گرفت طبق روش خاص کمونیست ها (بادو گلیو) رانگهداشت و سنایر احزاب نیز از آنها متابعت نمایند. بالاخره در آوریل ۱۹۴۴ اعضاء (کمیته آزادی ملی) در کابینه سوم (بادو گلیو) شرکت نمودند، بدین ترتیب مقاومت کنندگان با مخالفین دیروز خود همکاری میکردند و پیروزی آنها از لحاظ سیاسی، کامل نبود.

« چیزی که برای متفقین مطلوب و خوش آیند نبود تفوق »
 « و برتری احزاب چپ و ترس از بی نظمی های اجتماعی و »
 « تولید زحمت و ذاراحتی در آینده بود، بعلاوه چرچیل »
 « حفظ حکومت سلطنتی را صریحاً تأیید کرده بود. متفقین میل »
 « نداشتند که واحدهای پارتیزان قیافه و شکل ارتش ملی را »
 « بخود بگیرند، مذاکراتی که در اکتبر ۱۹۴۳ در ایتالیا وسیله »
 « (اف. پاری-۱) و (لئو والیانی - ۲) با متفقین انجام شد »
 « و بعداً، دنباله آن در سویس ادامه پیدا کرد و هنتهی بدان »

« شد که توافق‌های در مورد مسائل فنی، تهییه اسلحه، « اعزام به مأموریت و بالآخره داخل کردن عملیات پارتیزان » در طرحهای متفق‌ن حاصل گردید. هنوز سرشت سیاسی عملیات « مقاومت رسم‌آشناخته نشده بود. »

هنوز تسلط و قدرت (کمیته آزادی رم) در شمال کشور بسط نیافته بود که سازمان دیگری بنام کمیته (آزادی ملی ایتالیای شمالی) مرکب از همان احزاب ولی تحت نفوذ و تفوق کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها بوجود آمده بود. این (کمیته ملی ایتالیای شمالی) با تکیه به توده‌های کارگری شهرهای بزرگ صنعتی، مبارزه‌بی‌رحمانه و فعالیت شدیدی را که از لحاظ سیاسی مشخص و مورد تأیید عموم بود بر علیه نوافاشیست‌های جمهوری (سالو) هدایت و رهبری می‌کرد.

در حالیکه در جنوب ایتالیا واحدهای منظم ارتشد با کادر افسری متفقین بر کلیه امور تسلط داشتند (۱). ولی در شمال، این پارتیزانها بودند که هنوز می‌جنگیدند یعنی در سازمانی بنام (سپاه داوطلبان نجات) تحت رهبری کمیته آزادی و بفرماندهی ژنرال (کادورنا - ۲) و معاونین (اولونگو - ۳) و (پاری - ۴) به پیکار خود ادامه میدادند. در تمام استانها و شهرها و در کارخانه‌ها

۱ - این واحدها ابتدا طبق مواد مtar که، عبارت از (سپاه آزادی ایتالیا) و تعداد آن نمایستی بیش از ۱۴۰۰ نفر بود ولی در ماه اکتبر ۱۹۴۴ این ارتشد به شش گروه رزمی هر یک هن کب از ۹۰۰ نفر تبدیل گردید.

Cadorna - ۲

Longo - ۳

Parri - ۴

کمیته های آزادی بطور مخفی و باروح انقلابی بوجود آمد . هر قدر که خاک ایتالیا از وجود آلمانها پاک نمیشد جمهوریهای موقتی پارتیزانها در دره های کوهستانها بوجود نمی آمد، اغلب این جمهوریها، منتخب کمیته های آزادی بوده امور اداری آن تنظیم، طرح های قانونی برای آینده تهیه ، وجه بسا تصمیم های فوری، در باره تعییمات عمومی، ثبیت قیمتها و مالیتها نیز اتخاذ میکردند.

مقاآهت شمال ایتالیا بطور کلی جمعی و همگانی بود . در شهرها مخصوصاً بشکل اعتصاب های پی در پی تجلی میکرد که مهمترین آنها در نوامبر ۱۹۴۳ ، مارس ۱۹۴۴، و آوریل ۱۹۴۵ بصورت قیام مسلحانه و جنگ (پارتیزانی) ظاهر شد. بطوریکه فقط در (پیمون - ۱) بیش از ۳۰۰۰ نفر نه تنها در خرابکاری ها و کمین کردنها شرکت نمودند بلکه با ایجاد فوری مواضع مستحکم ، قیام را بصورت جنگهای شدید منظم درآوردند. طبق یک مدرک رسمی انگلیسی، در آوریل ۱۹۴۵ قریب ۹۰۰۰ نفر پارتیزان در شمال (آپنین - ۱) وجود داشت.

« بنا به یک حکم نظامی که پس از پیاده شدن متفقین » در اوائل تابستان ۱۹۴۴ در (پراونس - ۲) با خط (گوتیک - ۳) « چاپ و منتشر شده بود ، پارتیزانها را بحال خود رها کرده »

۱ - **Piémont** — قسمتی از ایتالیای شمالی واقع بین کوههای آلپ ، تیتن ، آپنین . X
۲ - **Apennine** — رشته کوههای آهکی ، خشک و جنگل زار در طول ایتالیا . X

Province — ۲

۳ - **Gothique** — سبک معماری و خط مخصوص قدیمی منسوب به نژاد قدیمی آلمان بنام گوت . X

« بودند و در اثر این عمل بود که پارتیزانها تلفات زیادی »
 « دادند اما بالاخره موفق شدند خود را به متفقین بشناسانند ».»
 « چنانکه طبق توافق کاملی که بین (پی زونی-۱) و (ف.ماری-۲)،
 « از یکطرف و ژنرال (ویلسن-۳) فرماندهی عالی متفقین در ».»
 « تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۴۴ در رم بعمل آمد قرار شد کلیه اقدامات »
 « حکومتی که قبل از ورود متفقین به منطقه اشغالی و به نمایندگی »
 « حکومت (بونومی-۴) بعمل آمده از طرفی متفقین بر سمیت شناخته »
 « و مورد حق شناسی قرار گیرد .

« از آن پس واحدهای پارتیزان دوش بدوش ارتضی متفقین »
 « و تحت یک فرماندهی واحد؛ مرکب از نمایندگان سازمانهای »
 « احزاب مختلف جنگیدند .

« همین واحدهای پارتیزانی بودند که در جنگها ظرفی که »
 « برای نجات شهرهای ژن و فلورانس انجام گرفت شرکت کردند، »
 « مدافعين آلمانی را در (پادو-۵) و (بلونو-۶) اسیر نموده »
 « با نیروهای داخلی فرانسه (FFI) در کوههای (آلپ) همکاری »
 « و تلفات سنگینی را بدشمن وارد کردند، بطور یکه طبق یک گزارش »
 « انگلیسی، بیش از ۵۰۰۰ کشته و مجروح و اسیر از دشمن »
 « گرفتند .

Pizzoni - ۱

F. Parri - ۲

Wilson - ۳ مارشال انگلیسی در جنگ دوم . X

Bonomi - ۴

Padoue - ۵ - یکی از شهرهای ایتالیا در مغرب و نیز X

Belluno - ۶ - یکی از شهرهای مستحکم ایتالیا . X

بدین ترتیب بود که نهضت مقاومت ایتالیا پس از سالها خلع سلاح بودن و پس از بیست سال فعالیت در مبارزات مخفی برای اولین بار موفق شد ملت ایتالیا را دریک (رستاخیز نوین-۱) برانگیزاند و همین مقاومت بود که با فداکاری خود دموکراسی را در ایتالیا بوجود آورده، تمامیت سرزمین های کشور را حفظ و بالاخره روح و ذوق آزادی را به ملت ایتالیا باز گرداند.

۲ - مخالفت و مقابله در آلمان هیتلری

«سرشت و نوع مخالفت و مقابله و بسط این مقابله و»
 «عواقب آن در آلمان، بعلت اینکه آنها اعمال خود را فقط بصورت»
 «ساده فاشیسم توجیه نمیکردند باساین جاها تفاوت و تباين کلی»
 «داشت. زیرا با پیش گیری و ریشه کن کردن وحشیانه، هر نوع»
 «مقاومت و مخالفت را قبل از آنکه نطفه آن بسته شود متلاشی و»
 «نا بود میکردند. نازی ها برای مخالفین واقعی یا فرضی خود»
 «اردو گاه های اجباری بوجود آوردند. فقط از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹»
 «۱۹۳۹ از ۲۰۰۰۰ آلمانی را زندانی و یا تبعید نمودند.»
 «از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ در حدود ۴۰۰۰۰ آلمانی اعدام»
 «شدند، مسلمان کلیه این قربانیان، مقاومت کننده حقیقی یا بالقوه»
 «نبودند ولی یک چنین کشتار و چنین رژیم فشار و وحشت مانع»
 «بزرگی برای هر نوع مقابله مشتب و عامل بود. همچنین، وقتی»
 «که چنین فشار و کشتاری در تمام طبقات اجتماع اعمال گردد،»
 «دیگر مخالفین هر گز متوجه نمی شوند. از طرف دیگر از خارج»
 «کشور هم هیچگونه امید و انتظاری وجود نداشت»

متوفقین هم وجود آنها را حتی در آن روز بکه اعلام، «کردند با ملت آلمان سر جنگ ندارند، نادیده گرفتند، وقتی» «که جنگ شروع شد باز هم مقابله و مخالفت آلمانی ها فقط نمایند» «از سیاست داخلی بود که ممکن بود منتهی به همکاری با دشمن» «حتی در داخله بشود، و در انتظار عمومی هر عملی بر ضد نازیها خطر» «تحریک جنگ داخلی را به نفع دشمن در برداشت، از طرف» «دیگر موفقیت‌های سیاسی و نظامی پی در پی هیتلر، با تمام قوا» «تصور هر نوع مقابله و مقاومت را از افکار عمومی زایل کرد».

با این دلائل بود که از سازمان ضد نازی آلمان فقط اسکلتی باقی ماند. غیر از چند شبکه اطلاعاتی و خرابکاری، دیگر آلمانها نه از کمک بوسیله چتر بازان، نه تهیه و انبار کردن اسلحه، و حتی از وجود گروههای رزمی دگان مخفی مانند (فرانک تیروها) و (ماکیها) چیزی نمیدانستند و اطلاعی نداشتند، مطبوعات زیرزمینی بسیار کم و ناجیز و در آنها اثری از جوش و خروش افکار مقاومت فرانسه یا روح انقلابی مقاومت مردم ایتالیا وجود نداشت.

مقاومت در آلمان فقط به تشکیل انجمن‌های مخفی و توظیه اکتفا می‌کرد. اعمال آنها فقط منحصر با جتمع تعداد محدودی همکار و هم‌فکر بود، هدف اصلی آنان مخصوصاً از وقتی که اعتقاد قطعی پیدا کردند که هیتلر، آلمان را بسوی نابودی می‌برد، شخصی و نجات آلمان از دست او بود.

کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های آلمان هم تمام هم خود را صرف آن می‌کردند تا به اشخاصی که تحت تعقیب پلیس هستند و به خانواده‌های بازداشتی‌ها کمک نمایند، گاهی اعتصابهای کوچکی برای اندادخته و خرابکاریهای پراکنده‌ای انجام میدادند.

گروه (بوم - ۱) که یهودیها تشکیل داده بودند، نمایشگاه (بهشت شوروی) را که آلمانها ساخته بودند در سال ۱۹۴۲ آتش زدند، گروه (سايفکو - ۲) که افراد آن فوق العاده جاه طلب بودند از همان آغاز عملیات کمونیست هادر صدد ایجاد یک سازمان بمنظور متحد کردن کارگران با هدف تشکیل یک حکومت دموکراتی توده ای بودند، ولی سازمان آنها در سال ۱۹۶۴ وسیله نازیها تارومار گردید. گروه دیگری بنام (شولزه بوی زن هارناک - ۳) موفق شد با سرویس های مخصوص روسیه شوروی ارتباط برقرار کرده، اسرار نظامی را در اختیار آنها بگذارد. این سازمان دارای چند ایستگاه فرستنده بود که بطور مخفی و نوبه ای مطالبی را به شش زبان پخش مینمود و هدف آن، تحت تأثیر قرار دادن کارگران خارجی (دی این فرونت - ۴) بود. اما (گشتاپو) توانست محل فرستنده ها و رمز آنها را کشف ۱۱۸۹ نفر اعضاء شبکه هزبور را در تابستان ۱۹۴۲ بازداشت نماید. (۵)

«از میان متفقین فقط روسیه شوروی بود که به این عده»
 «از آلمانیهای مخالف توجه نمی کرد، روسیه حتی اقدام به تشکیل «
 «یک سازمان (کمونیست ملی) بطور آزمایشی از زندانیان»
 «جنگی که در حین عملیات اسیر شده بودند، نمود.»

Baum - ۱

Saefkov - ۲

Schulze Boysen, Harnak - ۳

Die inner fsont - ۴

۵ - گشتاپو نام این شبکه را (Rotekapelle) یعنی ارکستر سرخ گذاشته بود.

«در تابستان ۱۹۴۳ روسها موفق شدند بوسیله عده‌ای»
 «افسر و سرباز و مخصوصاً با کمک آلمانیست‌های آلمانی که»
 «بنویسیده‌ها جرت کرده بودندما نند) وینر، پیک والبریخت-۱)»
 «سازمانی بنام (کمیته ملی آلمان آزاد) را بوجود آورد، این»
 «سازمان روزنامه‌ای هم بنام (فریس دویچلند-۲) تهیه و بین»
 «اسراء جنگی پخش مینمود و عین مطالب این روزنامه وسیله»
 «رادیو هم برای خود آلمان پخش میشد . سپس در ماه سپتامبر»
 «۱۹۴۳ سازمان (اتحادیه افسران) بوسیله ژنرال (فن‌سید)»
 «لیتز-۳) ایجاد گردید که افسران عالی رتبه نیروهای مسلح»
 «آلمان را دعوت به سرنگون کردن عیتلر نموده برای»
 «فرماندهان و احدهای آلمانی نامه‌های خصوصی ارسال میداشت»
 «در تابستان ۱۹۴۴ مارشال (فون پاولوس) به این اتحادیه»
 «ملحق گردید . ولی با تمام این اقدامات فقط تعداد معددی از افراد»
 «(ورماخت) فرار کرده و به آنها ملحق گردیدند . بهر حال»
 «ژنرالهای آلمانی مزبور طبق تشکیلات کمو نیستی بین واحدهای»
 «خود تقسیم بندی حزبی بوجود آوردند . روسها هم نمی‌خواستند»
 «که عملیات (کمیته آلمان آزاد) را با اعزام کمیسرها و با»
 «تشکیل عده‌های چریک به داخل آلمان اشغالی بکشانند . در»
 «فرانسه هم یک (کمیته آلمان آزاد برای غرب) ایجاد گردید»
 «که توافق مهاجرین، فراریان و چند واحد رزمی را جمع»
 «آوری و متسلک نماید (۴)

Ulbricht و Piek ، Weinert- ۱

Freies Deutschland - ۲

Von Seydlitz - ۳

۴ - دوازده نفر از افراد این سازمان در ارتش داخلی

فرانسه بدرجات سرهنگ دومی و سرهنگی رسیدند

پس از آنکه کلیسای کاتولیک و پرستستان معتقد شدند که میتوانند با مقاومت کنندگان آلمان در این فرصت مناسب یک همزیستی داشته باشند فوراً در راه مقابله با سیاست ضد مذهبی نازیسم باهم متحده گردیدند، اسقف‌ها هنگام موقعه در کلیساها منجمله (فن گالن-۱) در شهر (مونس-۲) علیه اقدامات تاثیر انگیز ضدیه‌ود، به اعدام (افراد غیر مفید برای جامعه) بسختی حمله و قیام نمودند، و بهمین علت بود که در بازداشتگاه (داخائو-۳) در پایان سال ۱۹۴۴ چندین صد نفر کشیش و اسقف آلمانی و سیله متفقین مشاهده شد.

حتی در میان طبقه بورژواهای آلمان هم گروههای مخالفین کوچکی بوجود آمدند، عده‌ای از دانشجویان (رزسفید-۴) که توسط (هانس-۵) و (شویلسوی-۶) و شخصیت‌های مجمع (سولف-۷) رهبری میشدند تبلیغات وسیعی علیه نازیها راه انداده، بالاخره هم زندگی خود را در این راه از دست دادند. مجمع دیگری بنام (مجمع کریزو-۸) توانست اشرف، (ژزویتها-۹)

Von Griva - ۱

Munster - ۲

Bazdaشتگاه و کشتارگاه معروف آلمان Dachau - ۳

نازی. X

Rose Blanche - ۴

Hans - ۵

Scholl Sophie - ۶

Cercle Solf - ۷

Cercle Kreisau - ۸

و باسته به دسته‌ای از مسیحیان Jésuite - ۹ X

و سوسیال دموکرات‌ها را با یک هدف مشترک: (آماده کردن مبانی روحی یک آلمان نجات یافته از نازیسم) دور شخص کنست (هلموت فون مولتکه - ۱) گردآورد - مبارزه بعضی از فرماندهان نیروهای مسلح آلمان بر علیه هیتلر علامت و نشانه بسیار روشنی از مخالفت و مقابله آلمانها بود. در موارد زیادی عدم اطاعت و شورش در واحدهای نظامی دیده شد، بطوریکه بین سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۴ فریب ۱۰۰۰۰ نفر از افراد نظامی تیرباران شدند. استادارتش آلمان هم داشت از اشتباه بیرون می‌آمد، افسران پیش خود می‌گفتند، وقتی که ارتش به پیشرفت هیتلر و حزب او کمک نکرده پس ازابتدا اورا قبول نداشته است! بهر حال طرحهای افراطی و بی‌معنی هیتلر همه‌را بستوه آورده بود.

با آن سهولت و آسانی که هیتلر اولین موقیت‌های خود را بدست آورد دیگر هر نوع پیش‌بینی بدینانه مردود بود. ژنرالهای آلمانی هم در یک حالت‌بی ارادگی محض قرار گرفته بودند زیرا که کمترین سوء‌عظق گشتاپو کافی بود که ژنرال مورد نظر گاهی پیش از موقع بازنشسته و اغلب اوقات بازداشت گردد.

رقتار خشونت‌آمیز نازیها در روسیه اشغالی موجب انزال شدید افسران شد، و اینطور با آنها فهمانده شد که وظیفه آنها فقط محدود به اطاعت از اوامر نظامی است و بس.

بعضی از آنها تصمیم به کشتن هیتلر گرفتند و پس از چندین دفعه ناکامی بالآخر هر سر هنگ (فوق اشتوفن بر گ - ۲) موفق شدیک

| بمب در سالن ستاد صحرائی (چوبی) قرار گاه کل هیتلر در پروس شرقی
قبل از آنکه پیشوای خنرانی نماید (در ۳۰ ژوئیه ۱۹۴۴) قرار دهد.
پس از انفجار بمب هیتلر فقط مجروح گردید ولی شدیداً مضطرب
و دچار هیجان‌های روحی سخت شد.

« هم پیمانهای این توطنه طرح خود را با نهایت دقیقت تهیه »
« کرده بودند، زنرال (بک-۱) با همکاری شخصیت‌های غیر نظامی »
« که دور شهردار قدیم (لیپنریک) بنام (گوودلر-۲) جمع »
« و یک حکومت موقتی تشکیل داده بودند، طرح خود را تهیه »
« نموده بودند. طبق طرح مزبور بنام (طرح والیکری-۳) پیش‌بینی شده »
« بود که بلا فاصله پس از کشته شدن هیتلر رهبران حزب و رؤسای »
« پلیس بازداشت، واحدهای (اس.اس) خلع سلاح و استگاههای »
« رادیو اشغال گردد. وقتی که ساعت موعد فرا رسید هم پیمانها »
« بتصور اینکه هیتلر کشته شده است (۴) قرار گاه هیئت وزراء را »
« بوسیله عده‌هایی که در اختیار داشتند محاصره نمودند، سپس »
« اوامر لازم توسط مارشال فن (وتیز لب-۵) که بفرماندهی کل »
« نیروهای دفاعی تعیین شده بود بواحدهایی که در خارج از »

Beck - ۱
Goerdeler - ۲

۳ - Walkyrie - بنام یکی از خدایان افسانه و قهرمانی

اسکاندیناوی X

۴ - سالن مخصوص کنفرانس که از چوب ساخته شده بود بکلی خراب شد ولی چون ساختمان آن سبک و پنجره‌ها باز بود، بعلاوه میز سنگینی از چوب بلوط که بمب زیر آن کار گذاشته بود، باعث شدند که آثار انفجار تقلیل یابد.

Witzleben - ۰

« برلن بودند صادر گردید - اما سرگرد (Remer - ۱) که مأمور توقيف»
 « (گوبلن - ۲) بود با صحنه غیر عادی موافق شد بظوری که گوبلن اورا»
 « راضی کرد که قبلاً از بازداشت یک تماس تلفنی با قرارگاه کل»
 « هیتلر بگیرد ۰۰۰۰ از آنطرف سیم صدای خود پیشوا بود که»
 « دستورات خفه کردن شورش و عصیان را اعلام مینمود .»
 « در وزارت جنگ ، هم پیمانها با تلفن می شنیدند که »
 « مارشال (کایتل - ۳) چگونه دستور بازداشت ژنرالها را صادر »
 « میکرد ، ژنرالهای را که حساب میکردند و امیدوار بودند »
 « قریباً اروپا را نجات خواهند داد! . در حدود ساعت ۲۳ افسران»
 « وفادار به هیتلر پس از تیرباران کردن دسته اول ، اقدام به »
 « توقيف دسته دیگر منجمله ژنرال (Fomme - ۴) نمودند که او هم »
 « با تهام شرکت در توطعه یا لا اقل اتخاذ روش بی طرفی لحظه ای »
 « بعد تیر باران شد .»

« در خارج از برلن ، در شهرهای وین ، برلک ، مونیخ»
 « و فرانکفورت وضع فوق العاده اعلام گردید. ولی در پاریس این»
 « قیام و عصیان وسعت بیشتری یافت ، افسران هم پیمان تحت »
 « رهبری ژنرال (اشتوپناکل - ۵) به سربازخانه (اس.آس) و »
 « ادارات مخصوص حزب حمله کرده رئوسای آنها را توقيف و »
 « در حدود هزار نفر از افراد آنها را زندانی کردند : امامارشال»

Remer - ۱

Goebbels - ۲ - رئیس تبلیغات معروف آلمان هیتلری ×

Keitel - ۳ - مارشال رئیس ستاد کل نیروهای مسلح آلمان

و یکی از امضاء کنندگان تسلیم آلمان ×

Fomme - ۴

Stüpnagel - ۵

«(فن کلوک-۱) که فرماندهی جبهه غرب بعدها و بودنیشنهای دهم پیمانها»
 «رادرمور و هدایت عملیات رد کرده بود زیرا طبق استدلال خاص»
 «خود مخالف درخواست می‌تار که جنگ با متفقین بود . به حال»
 «خبر و دستورات صادره از برلن اوضاع پاریس را هم بحال»
 «عادی بگرداند (۲) »

از سحرگاه روز ۲۱ (ژوئیه ۱۹۴۴) قلع و قمع و فشار و حشیانه شروع شد ، کمیسیون مخصوصی برای بازجوئی با ۴۰۰ نفر عضو ، هزاران نفر را بازداشت و بدادگاه ملی تحت ریاست (فریسلر-۳) اعذام داشت . محاکمه به مرگ دو ساعت پس از اعلام ادعای نامه و محاکمه بدار آویخته شدند ، از جریان اعدام آنان فیلم برداری شد . حتی تا آخرین روز جنگ (اس.اس) همان زندانیان را از زندانها بیرون کشیده و اعدام می‌کردند چنان‌که در شب ۸ بهمن ۱۹۴۵ در یادار (کاناریس-۴) فرمانده ساق سرویسهای مخصوص نیروهای آلمان در بازداشتگاه کار اجباری (فلوسن برگ-۵) اعدام گردید . در شب ورود ارتش روسیه به برلین یعنی ۲۳ آوریل ۱۹۴۵ هنوز این اعدام‌ها در زندانهای (لهرتر شتراسه-۶) ادامه داشت .

Von Kluge - ۱

۲ - فن گلوگ پس از صدور این اوامر و اخبار خود کشی کرد .

Freisler - ۳

Canaris - ۴

Flossendurg - ۵

Lehrterstrasse - ۶

شکست آلمان نازی کلی و همه جانبه بود ، اما مقابله و مقاومت آلمانها سر و صدا و انعکاسی نداشت ، کمکی هم از طرف متفقین با نهاد نشد ، مدت جنگ راهم کوتاه نکرد ، فقط شاید بتوان گفت مقدار زیادی از نیروها و تلاشها ای را که ممکن بود در جای دیگر بکار برده شود ، متوجه خود ساخت . تنها نتیجه نامطلوب آن عبارت از این بود که به هیتلر امکان داد تا با قیمانده طبقه افسران نامدار پروسی را منهدم نماید .

سرشت و خاصیت مقابله و مخالفت در آلمان حتی قبل از

آنکه در اروپا وجود انها را از خطر نازی بیدار کند ، پر معنی تر

واندوه بارتر از آن بود که در اردو گاههای اجباری دیده شد ،

همچنین از نظر اخلاقی ، همین مخالفت کنندگان آلمانی بودند که

جنایات نازیها را باز خرید کرده و کفاره آنرا پرداختند ، و

هم آنها بودند که اعتقاد خود را به اخلاق و عدالت به کشورهای

که مقهور زوروستمگری میشدند ثابت کرده ، تو انسنند بسهم خود

مقاومت را بیاموزند و بحر کت در آورند .

فصل چهارم

جنبیش‌های مخفی در اروپای غربی

« مقاومت در تمام کشورهای اشغال شده مانند یک وظیفه».
« قطعی و مسلم ظاهر نمیشد، کسانی که از نازی‌ها سود میبرند».
« تنها مداحان متعصب آنان و حادثه جویانی که مهیای غارت».
« یغماهائی که فاتحین با آنها میدادند، نبودند... بلکه سوداگران».
« سیاسی زیادی‌هم وجود داشتند که مانند (لاؤال-۱) مجدوب».
« پیروزی آلمانها شده تصور میکردند با همکاری آنها شانس آنرا».
« خواهند داشت که در اروپای آینده برای کشور وهم خودشان موقعیت».
« مناسبی بحسب آورند».

۱ - Laval - معاون رئیس جمهور و بعداً رئیس حکومت
و بشی در زمان اشغال - پس از جنک بعلت همکاری با آلمانها
تیرباران گردید X

« رژیم تازی برای رده‌های کاندید رهبری کشورهای اشغال»
 « شده و اقمار آلمان مانند مدافعی تجلی میکرد که هر چند برای»
 « آنها چندان مطلوب نبود ولی قبول آن با ین صورت برایشان بهتر»
 « بود، تا آن نظم اجتماعی نازی که علیه نیروهای تخریبی »
 « و با شکل ضبط کمو نیستی آن، که یوسیله (سازمان تبلیغاتی - ۱)»
 « آلمان و بامهارت هدایت میشد، بازور و جبر بر آنان تحمیل گردد، »
 « بخصوص که اولین جنبش‌های مقاومت هم در اثر پیهان روس»
 « و آلمان نتوانسته بود وضع مناسبی برای خود بوجود آورد »
 « نزدیک بودن انگلستان امکان ایجاد گروههای کوچک »
 « با تعداد کمی از افراد را فقط برای کسب اطلاعات دقیق و یا »
 « خرابکاری در اروپای غربی تسهیل مینمود . جنگ روانی »
 « در مقابل اثرات تبلیغات دشمن توسعه زیادی پیدا کرد »
 « مطبوعات مخفی در صدها هزار نسخه چاپ و توزیع میشد . »
 « در تمام اروپای غربی هر تبا طرهای انواع بیکارها که همه قابل»
 « اجرای فوری نبودند تهیه میشد، مقاومت‌های ملی بسوی ترور»
 « و سوء قصد گرایشی کامل داشتند . »

« این حالت روانی و طرز رفتار از اول سال ۱۹۴۳ »
 « تغییر کرد . مشکلات زندگی روزانه ، خرابی‌ها و فحاطی باعث »
 « شدند که آن درخشندگی و جلای تمدن از نظرها محو شده و »
 « زندگی حالت بی‌تفاوتبه را بخود بگیرد . ادامه حیات برای »
 « همه سخت شده و همه را بسوی یک نوع پیکار ، مثلاً جنگ »
 « پارهیزانی (ماکی‌ها) هدایت میکرد . پیکاری که در آن ملاکین »
 « و کارگران فرانسوی، هندی، و بلژیکی هیچگونه امتیازی بر »
 « هم نداشتند همه در یک راه و بیک وضع بودند . »

« عامل اصلی این تغییر حالت رفتار دشمن بود ، زیرا »
 « هم او بود که با : تبعید دسته جمعی یهودیان ، توقيف مردم »
 « اعدام گروگانها و تأسیس اداره کار اجباری برای آلمان »
 « اکثریت افکار عمومی را علیه خود بر انگیخته و نمام طبقات »
 « اجتماع را در معرض تهدید قرار داد . واين دشمنی بود که »
 « وقتی حس میکرد دارد از بین میورده همچیز را نابود و »
 « منهدم میکرد ... مانند آنچه که در (اورادور - ۱) و یا قبل از »
 « مشرق (ویستول - ۲) انجام داده بود »
 « پیاده شدن متعقین کار را یکسره کرد ، از لحظه ای که »
 « جنگ در غرب آغاز شد در شرق هم وضع بهمان صورتی بود که »
 « از سال ۱۹۴۱ دیده شد : زیرا این همه مردم کشورها بودند که »
 « پیکار میکردند ، ولی سرعت پیشروی متفقین و وضع جغرافیائی »
 « کشورها باعث شد که شرکت واحد های مقاومت در نجات و آزاد »
 « کردن کشورها نشان محدود تر گردد . »

اکنون این مقاومت های ملی را بترتیب تاریخی که اشغال
 دشمن باعث ظهور آنها گردید شروع به بررسی میکنیم :

۹ - دردانمارک

« در اوائل سال ۱۹۴۰ ارتش آلمان دانمارک را تصرف و اشغال »

۱ - **Oradour** - منطقه وین علیا که ۱۷۰۰ نفر سکنه آن
 در تاریخ ۱۰ زوئن ۱۹۴۴ وسیله آلمانها قتل عام شدند ×
 ۱ - **Vistule** - یکی از رودخانه های لهستان که آلمانها در
 آنجا نیز مرتکب جنایات غیر انسانی شدند ×

« نمود ، حکومت دانمارک با توجه باینکه دیگر هیچ-گونه « مبارزه‌ای امکان ندارد ناچاریک موافقت نامه‌دوچار نبه باشغالگر » امضاء کرد که طبق آن کلیه پایگاهها و راه‌آهن‌ها در کنترل « کامل دشمن بوده در عوض آلمان تعهد مبنی‌مودکه در امور « داخلی آن کشور مداخله ننماید . بنا بر این دانمارک هرگز با « آلمان در حالت جنگ نبود و حکومت آزادی‌هم بنام دانمارک » در خارج از کشور تأسیس نکشت . کشور دانمارک کمتر از « سایر کشورهای اروپا از اشغال آلمان خسارت دید . ولی با « وجود این تعداد کسانی که با آلمان همکاری می‌کردند بسیار » نا جیز بودند ، حتی حکومت قانونی کشور، ضد نازی بود و « این حکومت می‌کوشید تا حتی‌الامکان از رنج و ناراحتی‌های « مردم بکاهد . »

« در خارج از کشور سفیر دانمارک در امریکا بنام » (کوفمان-۱) در مورد پایگاههای (گروئنلن-۳) (موافقت نامه‌ای) « با آمریکا امضاء نمود که این عمل مبنای نهضتی برای « دانمارک آزاد گردید ، و درنتیجه ۵۰۰۰ ملوان که دوسوم آن جزو « ناوگان تجارتی دانمارک کار می‌کردند به متفقین پیوستند . » « مخالفت مردم دانمارک ابتدا بصورت دفاع از اصول » « دموکراسی در مقابل تبلیغات نازی‌ها تجلی کرد . حزب » « نازی دانمارک هرگز نتوانست بیش از یک نماینده از ۱۵۰ » « نماینده به مجلس بفرستد . و هنگامی که در سال ۱۹۴۳ « آلمان اشغالگر اجازه انتخابات عمومی را داد، ۹۷ درصد آراء » « بنفع دموکراسی بود .. »

با این وصف از ابتدای سال ۱۹۴۱ یک قسمت از افکار عمومی معتقد بود که جای دانمارک در کنار متفقین است و با این حساب شروع به مبارزه با حکومت نمودند که البته این مبارزه و مخالفت در مورد مسائل اصولی نبوده بلکه با طرز عمل و تاکنیک دولت مخالفت میکردند. از همان ابتدای سال ۱۹۴۱ انتشار روزنامه‌های زیر زمینی آغاز گردید، این روزنامه‌ها در همه‌جا حتی در سازمانهای دولتی بچاپ میرسید، بدین ترتیب که در مارس ۱۹۴۳ در ۸۰ برگ توزیع و گاهی هم فروخته میشد و در مارس ۱۹۴۵ تعداد این روزنامه‌ها ۲۶۵ و تحت ۵۰۰ عنوان منتشر میگردید، بطود یکه مهمترین این روزنامه‌ها تقریباً بطور مداوم در تمام این مدت در ۱۵۰۰۰ نسخه جاپ و پخش میگردید. یک آژانس مطبوعاتی مخصوص هم ایجاد کرده بودند که بوسیله خط تلگرافی سری با استکهلم مربوط بود. این آژانس موفق شد یک دفتر در استکهلم تأسیس نماید که در شدت و بحران اعتصاب عمومی کپنهاك، کلیه اخبار مربوط به دانمارک را فردای آنروز در روزنامه‌های امریکائی منتشر میگردند. فعالیت و تلاش کلیه این مطبوعات محدود به کسب و انتشار اخبار و مبارزه با تبلیغات دشمن بود و هیچگونه رنگ سیاسی نداشتند.

معهذا نهضت مقاومت دانمارک نمیتوانست بدون کمک متفقین دوام پیدا کند بنابر این در اوآخر سال ۱۹۴۱ اولین تماس بارئسای سازمان (SOE) در استکهلم حاصل گردید. سازمان مقاومت در ابتدای کار، اخباری را که افسران دانمارکی در اختیار آنها میگذاشتند به انگلستان میفرستاد و سپس بتدریج توانست در بین طبقات مختلف مردم صدها مأمور در اختیار

بگیرد . کلیه پیامها بوسیله فرستنده‌های مخفی مخابره میگردید
 (۱) گزارش‌های پستی از طریق سوئد فرستاده میشد . ازاول سال ۱۹۴۳ هر روز یک نفر پیک در حالی که ۲۵ تا ۳۰ صفحه پیام بهمراه داشت بقصد لندن عزیمت میکرد . در اثر دریافت همین اطلاعات بود که انگلیس‌ها توانستند کارخانه‌ها و ساختمانهای را که گشتاپو اشغال کرده بود مانند دانشگاه (آرهوس - ۲) و زساختمان شل - ۳ در کپنهاگ را بمباران نمایند . همچنین یک افسر دانمارکی توانست از یک بمب پرنده (۱ - ۷) که از (پی‌ن اونده - ۴) پن تاب و در یک جزیره دانمارکی افتاده بود عکس برداری نماید .

« از ماه فوریه ۱۹۴۱ در اداره SOE یک شعبه دانمارک »
 « تأسیس گردید ولی استخدام افراد مناسب بعلت نبودن افراد »
 « دانمارکی و یا مأمورین خود متفقین که آشنائی کامل به »
 « دانمارک و مردم آنچه داشته باشند دچار اشکال گردید . در سال »
 « ۱۹۴۳ اولین افراد مأمور بوسیله چتر در دانمارک فرود آمدندو »
 « جمعاً در تمام مدت اشغال ۵ مأمور با وسائل کافی بوسیله چتر »
 « بدانمارک فروریخته شدند ، در نتیجه وظیفه رهبری SOE »
 « کلی و بلا منازع بود . فرامین و دستورات را صادر ، ارتباط »

۱ - مخابرات بوسیله فرستنده‌های سبک و قابل اختفای که در خود کشور ساخته میشد انجام میگردید و این دستگاه‌ها بمراتب خوش دست تن از انواعی بود که سازمان SOE در اوائل برای آنها میفرستاد .

Aarhus - ۲

Shell Building - ۳

Peenenunde - ۴

« با خارج از کشور را منحصر بخود نموده بود، رئیس S.O.E « شعبه دانمارک، مستقیماً با ادارت و رئاسای احزاب ارتباط » داشته بیشتر نقش سیاسی ایفا میکرد تا نقش های نظامی . » در سال ۱۹۴۲ جمعاً ۱۲۲ خرابکاری اجرا شد . تعداد این » خرابکاری ها در سال ۱۹۴۳ به ۹۶۹ و در سال ۱۹۴۴ به » ۸۶۷ رسید و بالاخره فقط در چهار ماهه اول سال ۱۹۴۵ تعداد » ۸۶۷ خرابکاری انجام شد . »

یک سیستم ارتباط منظم و عالی بوسیله کشتیهای (گروه گوتنبرگ-۱) بین دانمارک و سوئد بوجود آمده بود، فعالیت این دستگاه مخصوصاً در سال ۱۹۴۳ هنگامیکه آلمانها تصمیم گرفتند یهودی هارا توقيف و تبعید نمایند فوق العاده مفید و مؤثر واقع شد . آنها توانستند ۷۲۰۰ نفر یهودی را از راه دریا نجات دهند و آلمانها موفق شدند فقط ۵۷۰ نفر یهودی را به (ترزین ستاد-۲) تبعید کنند که ۵۰ نفر آنها مردند . همین روش نیز بوسیله کشتی های دانمارکی برای ۱۸۰۰۰ نفر از مردمی که مایل بودند و انمارک را ترک نمایند معمول گردید (۳)

حکومت دانمارک در مقابل توقعات روز افزون آلمانها از ماه اوت ۱۹۴۳ تصمیم به اتخاذ طریقه خاصی گرفت که در نتیجه آن مقاومت صورت فانوی پیدا کرده مورد تأیید دولت

Groupe de Gothenburg - ۱

Theresienstadt - ۲

۳ - قدرت پذیرش سوئد آنقدر وسیع بود که میتوانست یک نیروی نظامی ۵۰۰۰ نفری را آموزش داده، مسلح نموده و با دانمارک شروع به جنگ با نماید .

قرار گرفت.

با وجود اینها حکومت آزادی بنام دانمارک در لندن تشکیل نشد ولی جنبش‌های مخفی اقدام به تأسیس یک (شورای دانمارک آزاد) نمودند که دارای پنج عضو و ریاست آن بامسؤول SOE دانمارکی بود. این شورا عملیات مقاومت راهم‌آهنگ و هدفها و مقاصد آنها را مشخص نمی‌نمود ولی از طرف متفقین به رسمیت شناخته نشد، فقط روسیه شوروی اولین گشوری بود که از اول آوریل ۱۹۴۵ نماینده این شورا را پذیرفته و با او مانند یک سفیر رفتار نمود، اما بعلت رفتار ضدروسی که کشور مزبور هنگام قطع رابطه روس و آلمان نموده بود از اینکه دانمارک را مثل یکی از کشورهای متفق پذیرد، خودداری نمود.

بطور خلاصه، بالاخره شورای مزبور مانند یک حکومت (دفاکتو - ۱) مورد قبول واقع و پادشاه دانمارک، دولتی تشکیل داد که نیمی از اعضاء آن از مقاومت کنندگان و نیم دیگر از دهبران سیاسی بودند.

یکی از وقایع غمانگیز مقاومت دانمارک اعتصاب عمومی بود که در سال ۱۹۴۴ بعد از عید (سن زان - ۲) در کپنهاگ شد آلمانها آنرا منع کردند ولی علی رغم آنها مراسم مزبور با تشریفات اجرا شد. در نتیجه وسائل عبور مرور متوقف، آب و گاز و برق و تلفن‌ها از کار افتاد و جنگهای خیابانی شروع

۱ - De Facto - اصطلاحی است که در مقابل

بکار می‌برند و بمعنی (واقعیت موجود) بنای شناسائی یک حق با یک حکومت است X

۲ - Saint Jean - یکی از ایاد مسیحی X

شد. تا اینکه مقاومت در ۳ ژوئیه برای جلوگیری از کشتار عمومی دستور داد که همه به سر کارهای خود بروند. بالاخره در تابستان ۱۹۴۴ یک ارتش سری مركب از دهها هزار نفر مجهز به اسلحه انگلیسی و سوئدی آماده گردید، وظیفه نقش اوعیارت از این بود که مانع از اجرای تخریب‌هائی که المانها دستور میدادند بشوند. این ارتش آماده بود تا وارد عمل شود و در اول آوریل ۱۹۴۵ اعتصاب راهنمایان دریائی بیانث شد که صدها کشتی آلمانی بلا استفاده واژکار بیفتند ولی نیروهای آلمان بدون اینکه بجنگ توسل جسته و اسلحه بکار ببرند در چهارم ماه اعتصاب کنندگان را وادار به تسليم کردند.

۳ - در فروز

« قبل از آنکه نروز وسیله آلمان‌ها اشغال گردد . »
 « انگلیس‌ها در قونسولگری‌های خود یک (شعبه فاوبری دریائی) »
 « تشکیل داده بودند که مأموریت آن‌ها طرح ریزی و بررسی »
 « و تهییه پرونده‌هائی در باره امکان پیاده شدن در نروز ، خطوط »
 « ارتباطی ، منابع و وضع روحی مردم نروز بود . پس از اشغال »
 « نروز وسیله نیروهای آلمان (ورماخت) ، افسران انگلیسی »
 « توانستند خود را به انگلستان برسانند »

« آشنا بودن این افسران به کشور مزبور و تماسهای که »
 « با اشخاص داشتند باعث شد که خود آنها متخصص مسائل نروز »
 « شناخته شده مأمور تشکیل هسته اصلی شعبه نروز در آزاده »
 « بشوند . S O E .

« با ورود از آلمان، (هاکن-۱) پادشاه نروژ، گماردن»
 « (کیسلینک-۲) را در رأس حکومت رد کرد و به لندن عزیمت»
 « نمود. بدنبال او قسمت مهمی از بحریه تجارتی آن کشور راه»
 « انگلیس را در پیش گرفت که سهم عده‌ای را در جنگ کازوانهای»
 « تجارتی بعده داشت. در نروژ اکثریت مردم از (کسلینک)»
 « روگردانند و مقاومت در ابتدای امر با یک حالت و موقعیت»
 « دسته جمعی تجلی کرد. مثلاً اکثر اشخاص معروف از»
 « ملحق شدن به سازمان حزب نازی که حکومت تاسیس کرده بود»
 « خود داری و سرمشق قرار گرفتند، و همانطور هم جمعیت‌های»
 « جوانان و ورزشکاران و واحدهای نظامی قدیمی همه تبدیل به»
 « مرآکن آرام و ساكت مخالفت با آلمان گردیدند. »

در نروژ ابتکار مجتمع نمودن افراد باحسن نیت که
 پخش و متفرق بودند ابتدا از ادارتش سرچشمه گرفت، ژنرال (روگ-۳)
 فرمانده کل ارتش در آخر سال ۱۹۴۱ سازمان نظامی (میلو-ک-۴)
 را تأسیس و شروع به جمع آوری داوطلب نمود، این داوطلبان ابتدا
 مسلح نبوده و سازمان آنها به پنج منطقه در داخل کشور تقسیم گردید.
 البته باید توجه داشت که تشکیل این سازمان و بسیج آن میزبان مانه

۱ - Haakon نام سلطین نروز

۲ - Quisling - سیاستمدار نروژی که برای اشغال کشور
 خود با آلمانها همکاری کرد و رئیس حکومت شد پس از پایان
 جنگ در اسلو اعدام گردید - نام کسلینک بطور استعاره برای
 کسانی که علیه کشور خود با دشمن می‌ساختند بکار میرفت ×

۳ - Ruge

۴ - Miloig

و توأم با یک سرویس اطلاعاتی بود.

« اولین عملیات خرابکاری با کمکت گروهی از نروژی‌ها که »
 « خود را به انگلستان رسانده بودند توسط سازمان SOE ترتیب »
 « داده شد . شش فروند کشتی ماهیگیری مامور ایجاد ارتباط »
 « دائمی بین جزایر (شتلند-۳) و جزایر نروژ گردیدند . این »
 « سرویس بواسطه نظم و تربیت فوق العاده ای که داشت معروف »
 « به (اتوبوس رانی شتلند-۱) گردید . این سرویس توسط افسران »
 « بینیتا نیارهبری میشد ولی خدمه و سرنشینان آنها همه نروژی »
 « بودند که شخصاً و مستقل از عملیات را در دست داشته و خاضر نشده »
 « بودند در یک واحد منظم نروژی یا انگلیسی نامنویسی نمایند . »
 « از ماه زوئن ۱۹۴۰ دوازده نفر نروژی برای قطع راه آهن و »
 « منفجر کردن پل‌های منطقه (برلن) به نروژ اعزام شدند... »
 « و بدنبال آن این نوع اعمال ضربتی رو بتزاید گذارد ، چنانکه در ماه مارس ۱۹۴۱ در جزایر (لوفoten-۳) یک سری از این « اعمال منتهی به موفقیت بزرگی گردید ، ظرفیت ۱۹۰۰۰ تن کشتی »
 « غرق ، ۱۸ کارخانه روغن ماهیگیری منهدم و ۲۱۳ نفر آلمانی »
 « با ۱۲ نفر همکاران نروژی آنها اسیر شدند . »

هیتلر که ترس و وحشت پیاده شدن متغیرین در نروژ او را به ستوه آورده بود در سال ۱۹۴۲ ناچار ۱۵۰۰۰ نفر سر باز به کشور مزبور فرستاد . مقاومت نروژ بواسطه اعمال متهورانه

۳ - Shetland - مجمعالجزایر واقع در شمال انگلستان

Shetland Bus - ۱

۲ - Bergen - بندر مهم نروژ در کنار دریای اتلانتیک

۳ - Lofoten - مجمعالجزایر واقع در شمال نروژ

آنها متحمل تلفات زیادی گردید، بطوریکه در ۲۳ فوریه ۱۹۴۲ یکی از کشتیهای که در سال عزیمت بـانگلستان بود با ۲۳ نفر سرنشین غافلگیر و ۲۰ نفر دیگر بدنبال آن در محل توقيف وهمه آنها تیرباران شدند. در جای دیگری بدنبال بازداشت یک دسته مأمورین مشترک انگلیس و نروژی، در آوریل ۱۹۴۲ آلمانها، ۳۰ خانه را در (تلاواگ) ۱- آتش زده، ۷۶ نفر را تبعید و ۲۶۰ نفر را زندانی نمودند. در اثر اقرارهای که عده‌ای از بازداشت شدگان نمودند، گشتاپو سازمان نظامی (میلورک) را متلاشی و ۵۰ نفر اعضاء آنرا در دسامبر ۱۹۴۲ تیریاران کرد.

« بنا بر این از اول سال ۱۹۴۳ بین SOE و سازمان »
 « (میلورک) توافق حاصل، تصمیم گرفته شده از آن پس »
 « اقدام به عملیاتی بنمایند که خطرهای بزرگی را در بر نداشته »
 « و فقط در هوسساتی که برای محصولات جنگی آلمان کار »
 « میکنند خرابکاری نمایند. یکی از این خرابکاریها که خیلی مهم »
 « و پس سر و صدا بود به (نبرد آب‌سنگین-۲) معروف گردید »
 « در این خرابکاری برای جلوگیری از مسابقه‌ای که بین آلمان که »
 « و متفقین برای ساختن بمبا تمی بکار میرفت، اقدامات آلمانها که »
 « میخواستند روش استفاده از آب‌سنگین را برای تهیه بمبا تمی بکار ببرند »

Telavaag - ۱

۲ - آب سنگین با فرمول D20 ترکیب دو قریم (یکی از ایزوتوپ‌های هیدرژن) و اکسیژن است که شبیه آب معمولی ولی سنگین‌تر از آنست و آلمانها در صدد بودند که بوسیله تهیه آن بمبا تمی بسازند.

« خنثی گردید : ابتدا یک آزمایشی بعمل آمد تا تاسیسات آب »
 « سنگین بوسیله هواپیما بمباران گرددولی هوقیت حاصل نشد، سپس »
 « یک گزوه چتر بازانگلیسی موفق شدند در ماه مارس ۱۹۴۳ »
 « قسمتی از کارخانه آب سنگین را منفجر نمایند و بدنبال آن بقیه »
 « کارخانه توسط هواپیما های امریکائی بمباران شد . و بالاخره »
 « مقاومت کنندگان در ماه فوریه ۱۹۴۴ تانکر محمول »
 « راه آهن (تینو جوئن) را که ۶۰۰ کیلو آب سنگین بار »
 « کرده بودواز گون کرده، از بین بر دند »

اقدامات فشار و سختگیری آلمانها روز بروز شدیدتر میشد
 بطوریکه در شب ۱۶ اوت ۱۹۴۳ بیش از ۱۱۰۰ نفر افسر نروژی
 را بازداشت کردند، سپس در روز ۳۰ نوامبر نوبت به داشجویان
 رسید که ۱۲۰۰ نفر محصل و ۳۰ نفر استاد دانشگاه توقيف
 شدند. اما کشتی های ماهیگیری سرویس (اتوبوس
 رانی شتلند) در آخر سال ۱۹۴۴ توانستند ۶۰ دستگاه فرستنده
 و ۴۰۰ تن اسلحه را به نروژ حمل نمایند و با این سلاحها وسائل
 قریب ۳۵۰۰۰ نفر از مقاومت کنندگان را مسلح سازند.

۳ — در هلند

« پس از یک دوره کوتاه بی نظمی و آشفتگی و ضمانت قبل »
 « از آنکه نبرد بریتانیا خاتمه یافته، حتی قبل از آنکه ملکه »
 « (ولهلمینه ۱) به لندن پناهنده شود، دولت هلند از ادخطاب »

۱ — Mلکه هلند که پس از پایان جنگ Wilhelmine بکشور خود مراجعت و در سال ۱۹۴۸ بنفع دخترش ملکه ژولیانا از سلطنت کناره گرفت X

« به ملت اعلام نمود که تازمانیکه انگلستان را به مقصد (هند)
 « هلند - ۱) ترک ننموده است ، نمایشات و تظاهرات در کوچه ها »
 « و خیابانهای بزرگ برای تجلیل سالگرد تولد (پرنس بدنادرد - ۲) »
 « باستی انجام گیرد . رهبران حزب دموکرات متفق الرأی تصمیم »
 « گرفته بودند که با اشغالگران هیچگونه سازشی نداشته باشند . »
 « در حزب نازی هلند بر هبری (موسرت - ۳) در تمام مدت »
 « چهار سال فقط ۳۰ الی ۵۰ هزار نفر عضو نام نویسی کردند »
 « مبارزات مخفی هلندیها با جنگ و پیکار مسلحانه تجلی ننمود »
 « زیرا بواسطه تراکم جمعیت و کم بود مناطق جنگلی ، امکان »
 « تشکیل جنگجویان پارتیزانی وجود نداشت ، فقط چند اردوگاه »
 « مبارزه در (لمبورگ - ۴) بوجود آمد که آنهم مدت کوتاهی »
 « بیشتر دوام پیدا نکرد . تعداد خرابکاری ها در تمام مدت جنگ خیلی »
 « کم بود و نظامیان بیشتر به اصول مبارزات مخفی توجه داشته »
 « جنبش هایی را که بوجود می آوردند خیلی با تأخیر انجام »
 « و بالاخره در ماه سپتامبر ۱۹۴۴ تحت فرماندهی (پرنس) »
 « بن نهارد) تنها در جنوب کشور سازمانی بوجود آمد که »
 « آنهم در جنگهای آزادی کشور شرکت ننمود . »
 « این ناتوانی و نقص نسبی مقاومت بیشتر در اثر فشار »
 « و سختگیری سرویس های آلمان ها بود . رئیس سرویس های »

۱ - In des Neerlandaise شامل متصرفات هلند در

امریکای جنوبی بنام گویان و در اقیانوسیه تعدادی جزایر بود که
 امروز تشکیل کشور اندونزی را داده اند ×

Prince Berhard - ۲

Mussert - ۳

Limbourg - ۴ - استان جنوبی هلند

« مزبور بنام (شریدر - ۱) توانست یک شبکه اطلاعاتی را که « با انگلستان ارتباط رادیوئی داشته و اخبار و اطلاعات را » « بارم مخصوصی مخابره میکرد ، کشف نماید . از ابتدای سال ۱۹۴۱ تا پایان ۱۹۴۳ تعداد زیادی از مامورینی که با چت-س « فرود آمده بودند بازداشت و بسته های مخصوص وسائل و اسلحه » « که برای تجهیز ۱۰۰۰ نفر کافی و از هوا ریخته شده » « بود بدست آلمانها افتاد ، بعداً هم تا اوت ۱۹۳۴ از بیم آنکه » « وسائل ارسالی بدست آلمانها نیفتند ، پرتاب محمولات از راه » « هوا انجام نشد ، در نتیجه مقاومت کنندگان آمستردام » « در شب آزاد شدن شهر فقط دارای چند قبضه اسلحه کمری » « بودند . سر انجام در اوایل ۱۹۴۵ مقاومت کنندگان توانند » « در حدود چندین هزار سلاح بدست آورند ولی باز هم آلمانها » « همه آنها را بدون اینکه مقاومت کنندگان بتوانند بکار برد و » « نمایند تصرف نمودند ،

« فعالیت (شبکه کمک بفراریان) هم به میان ترتیب » « تحلیل رفت ، فقط توانست در حدود چند صد نفر زندانی جنگی » « متفقین را بطرق بلژیک و فرانسه فرار داده و در حدود هزار » « نفر هلندی را بزمت با انگلستان برساند .

« از اواخر اوت ۱۹۴۰ اوین (شبکه اطلاعاتی) توسط » « یک چتر باز انگلیسی که در هلند فرود آمده بود تشکیل گردید » « و متعاقب آن در حدود ده گروه چند نفری پتدریج سازمان » « داده شد . اما دو سال تمام طول کشید تا اوین مطبوعات هلندی » « در لندن چاپ و منتشر گردد . گزارش های اطلاعاتی بوسیله » « یک کشتی منقباً به سوئد و بیشتر به زنو فرستاده میشد ، در »

« ژنو این نگزارش ها به (دبیرخانه شورای جهانی کلیسا) »
 « یا به وابسته نظامی سابق انگلیس در برلن داده میشد، ولی سازمان »
 « (آبور - ۱) با سعی پاشی های خود که آنرا (ژتوں انگلیسی - ۲) »
 « مینامید موفق شد فعالیت شبکه های اطلاعاتی هنوز را ضعیف »
 « و ناجیز نماید، تا اینکه در اوآخر جنگ بالاخره حلقه های »
 « شبکه هنوز توسعه یافته، تمام کشور را فرا گرفت و این سازمان »
 « موفق شد اطلاعات ذی قیمتی را مخابره نماید - مثلاً بنا به »
 « شرایط جوی روزانه دو مرتبه وضعيت هوا را که برای بمباران نقاط »
 « آلمان مناسب بود به انگلستان مخابره میکرد . اعضاء این شبکه »
 « مجهز به فرستنده های کوچک مخابراتی مخصوص بودند که »
 « میتوانستند بوسیله آنها با هوایپماهای متفرقین که روی هلند »
 « پرواز میکردند ارتباط بگیرند . سوء قصد و ترور هم مسلم »
 « رواج داشت چنانکه ژنرال (رؤتر - ۳) فرمانده پلیس آلمان »
 « که ۷۰ نفر از بمبارزان مخفی رادر نزدیک (آپلدورن - ۴) اعدام »
 « کرده بود ترور و کشته شد . همچنین کسانی را که با آلمانها »
 « همکاری میکردند بقتل میرسانند، چنانکه چند دفعه پس از مراسم »
 « دعای حزن انگیزو سوزان که با حضور قلب توسط کانولیک ها »
 « و پوتسان ها بطور مشترک در کلیسا اجرا میشد همکاری کنندگان »
 « با دشمن را ترور نمودند . »

Abvehr - ۱

England Spiel - ۲

Reuter - ۳

Apeldoorn - ۴ - یکی از شهر های هلند که مقر تابستانی

ملکه نیز میباشد X

بطور کلی مقاومت در هلند بیشتر جنبه معنوی و علمی داشته، بصورت یک ذرهضت وسیع همبستگی ملی در آمده.

در روز ۱۵ ماه مه ۱۹۴۰ یک نفر فرش فروش (هارلم^۱) اولین تراکت را تحت عنوان (اعمال ارادل) پخش کرد ولی نامبرده در دسامبر ۱۹۴۰ همان ۴۵ نفر اعضاء سازمان خود که در مجله ابتدائی کار خود بودند توقيف گردید. روزنامه های سوسیالیست از سال ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ بنامهای (پایدارخواهم ماند) و (حق بیان) و (هلند آزاد) در ۵۰۰۰ و ۶۰۰۰ نسخه منتشر شد. بدنبال آنها روزنامه های کاتولیک و پروتستان و روزنامه دانشجویان وغیره نیز منتشر گردیدند.

اقدامات سختگیری و خشونت اشغالگران باعث تخفیف و از بین رفتن افکار عمومی شد. در ماه فوریه ۱۹۴۱ اولین اقدام آلمانها برای کشتار یهودیان در آمستردام، بدنبال اعتراض دانشجویان و کلیسا، نسبت به فرمان (منع اشتغال یهودیان بکارهای عمومی) و کشته شدن یک سرباز آلمانی شروع شد. توقيف و تبعید ۴۰۰ نفر یهودی پس از اهانت و مضروب کردن آنها در وسط شهر آمستردام باعث شد که یک اعتصاب عظیم بطرفدازی از یهودیان برآه افتاد، تمام معازه ها و ادارات و کارخانه ها بسته شد.

پس از این واقعه کلیه یهودیان در معرض خطر و تهدید شد قرار گرفتند، سپس دانشجویان هم با اکثریت قاطع از امضاء اعلامیه اطاعت نسبت بر ثیم تحمیلی اشغالگران خودداری و نتیجه

^۱ - یکی از شهرهای شمالی هلند.

آن شد که به افسران و سر بازان اسیر جنگی که در ۱۹۴۰ مخصوص شده بود نددستور داده شد خود را آماده کنند تا در ۱۹۴۳ دوباره به اردو گاههای اسراء عباز گردند. اگر کار گران و جوانان مخالفی را که برای کار اجباری بردن به آنها اضافه کنیم جمماً ۳۰۰۰۰ نفر از جمعیت ۶ میلیونی هلند میباشند که خود را مخفی کرده زندگی مبارزه مخفیانه داشته باشند.

« برای ملاحظه و رعایت حال این جمعیت عظیم بود که»
 « همبستگی و تعاون ملی به نحو کاملی بوجود آمد. گروه مقاومت»
 « گنبدگان برای تهیه شناسنامهای جعلی کمکهای جسورانه ای»
 « نمودند. هر روز تعداد کارگاههای تهیه مدارک جعلی را زیادتر »
 « میکردن جمع تعداد این سازمانهای متخصص برای کمک به (او ندر)»
 « دویگر - ۱)ها بمنظور تهیه و چاپ: کوپن مواد غذائی، مهرهای»
 « مختلف و یول در حدود ۹ دستگاه بود. برای تهیه سرمایه»
 « به جمع آوری اعانه در تمام کشور دست زدند. دولت هلند آزاد»
 « در لندن، اجازه پرداخت وام ملی را صادر و پرداخت آنرا»
 « تعهد نمود، بقسمی که حتی مزدکلیه اعتصاب گنبدگان را آهن»
 « را هم توانستند بپردازند.

اعتصابهای کلی و مشترک بکی از خصائص مقاومت هلند بود، چنانکه در سال ۱۹۴۳ بمنظور اعتراض به توقيف کلیه نظامیهای در سر باز خانهای یکی از این اعتصابات کلی برآهافتاد و آلمانها از ترس اینکه جنبش هنر بور به بخشیک سرایت کند با کمال بی رحمی

۱ - Onderduiker — بزبان هلندی کسانی که در زیر

آب زندگی میکنند و مقصود را بنجا مبارز ان زیرزمینی است

و خشونت رفتار کرده ۱۵۰ نفر را تیرباران نمودند.

آخرین اعتراض بزرگ با یک هدف و منظور استراتژی طبق دستور لندن و هنگامی که قرار بود عملیات نظامی هوا برد در (آیندهون - ۱) و (نیمگ - ۲) و (آرنهم - ۳) اجرا شود شروع گردید، در نتیجه تمام تر نها و سرویسهای حرکت قطارها از کار افتاده دستور لندن بخوبی درک و بهتر از ماههای قبل اجرا شده بود اشغالگران تمام رادیوهای گیرنده مردم را توقیف و کلیه خطوط تلفن را قطع کردند.

« همه این مقاومتها از لحاظ سیاسی با نهایت مهارت »
 « تلفیق و تطبیق داده شده بودند. مقاومت همیشه حاکی از »
 « روح وفاداری و اطاعت مردم نسبت به ملکه و دولت هلند آزاد »
 « او در لندن بود. دولت مزبور که از بی نظمی و بلا منصبی »
 « شدن مشاغل دولتی در فاصله بین آزاد شدن کشور و مراجعت »
 « بوطن بیمداشتیک (کمیته شورای عالی مقاومت) تشکیل داده »
 « که از نماینده‌گان بیست نهضت مختلف بوجود آمده بود ولی »
 « این کمیته هرگز ادعا نکرد که به مقاومت دستوری بدهد. »
 « مقاومت هم با وجود اکثریت قاطی خود انتظار آنرا نداشت که »
 « پس از نجات میهن نفسی در حکومت بعده بگیرد، وقتی که »
 « شکست عملیات (آرنهم) یا یان اشغال آلمان را بتاخیر انداخت »

Eindhonien - ۱

Nimègue - ۲

Arnhem - ۳
 شهرهای هلند که چتر بازان انگلیسی برای پیاده شدن در اروپا در آنجا فرود آمدند و با وجود مقاومت فهرما نازه، از آلمانها شکست خورده و متلاشی شدند ×

« بلک (مجتمع مردان قابل اعتماد) با ۹ نفر عضو تشکیل گردید »
 « تا مجموعه اقدامات و تدا پیر لازم مر بود به کلیه اذارات را که »
 « بعضی از آنها جنبه سیاسی داشت مانند تعیین وضع کسانی که »
 « با دشمن همکاری میکردند، تنظیم و آماده نماید و بالاخره »
 « همین سازمان بود که قرار شد در مورد تسلیم آلمان مذاکرات »
 « لازم رانماید، و اگر دولت مقیم لندن برای مراجعت به وطن با مشکلاتی »
 « مواجه گردد، این وظیفه فرماندهان نظامی خواهد بود که از »
 « اختیارات و قدرت زیاد زمان جذک را برای اداره کشور استفاده »
 « نمایند. »

واقعه‌ای که باعث تحریک و جنبش افکار عمومی مردم هلند شد عبارت از شکست عملیات هوابرد (آرنهم) بود زیرا هلندها پس از این شکست بود که سخترین و وحشتناکترین زمستان دوران اشغال را گذراندند. در این زمستان فقط ۱۵۰۰۰ نفر از گرسنگی و سرما مردند. اما این شکست وعواقت آن در اثر خیانت یک قایق ران بود که بواسطه قدرت فون العاده بدنی اورا (کینک کونک) میگفتند، این غول بیپرواژنده دل برای نجات برادر و دوستش، خودرا در خدمت آلمانها گذارد بود. ارباب‌ها یش با ودستورداده بودند که در داخل بعضی از شبکه‌های مخفی نفوذ کرده موجبات متلاشی شدن آنها را فراهم آورده‌اند و لی رفتار او در سازمان مقاومت ایجاد سوء ظن کرده تحت نظر گرفته شد. هنگام آزادی ونجات کشور، خیانت او تأیید و متهم شد که در موقع عملیات (آرنهم) اطلاعاتی در اختیار آلمانها گذارد و این اطلاعات موجب شده که آلمانها نیروهای تقویتی وارد عمل نموده، لشکرهای متفقین که از آسمان فرود یخته شدند در اثر جاسوسی اومخاصره و منهدم گردند. افکار عمومی شدیداً

(کینگ کونک) را مجرم میدانست ولی او قبل از پایان محاکمه در سال ۱۹۳۶ در زندان خودکشی کرد. کمیسیون تحقیق در این مورد رأی داد که خیانت این قایق ران در موقعی که عملیات (آرنهم) آنجام شد نمی‌توانسته انجام بگیرد زیرا مسلم شده بود که (کینگ کونک) از این عملیات اطلاعی نداشته و رسیدن نیروهای تقویتی آلمانها در لحظه مناسب، فقط نتیجه یک تصادف بوده است.

۴ - در بلژیک

« مقاومت زیرزمینی مردم بلژیک از یکطرف بواسطه وجود»
 « یک حزب نیرومند ناسیونالیست (فلاندری-۱) و از طرف دیگر»
 « در این اینکه پادشاه (لئوپولد-۲) حاضر بترک کشور خود»
 « نگردید، خدمات زیادی دید، زیرا پادشاه ضمن اینکه از ترک»
 « کشور خودداری نمود، با امتناع از هر نوع همکاری با مقاومت خویشتن»
 « را بصورت یک اسیر جنگی قلمداد و خود را از پیکار عظیمی»
 « که به سر نوشت جهان و کشور وی-۳ بلژیک بستگی داشت»

۱ - Flandres - قسمت شمال غربی بلژیک که مردم آنجارا فلامان گویند ×

Léopold - ۲

۳ - مسئله حکومت سلطنتی هرگز از مطبوعات زیرزمینی بلژیک حذف نگردید مگر در یک مورد که بنام (صدای بلژیک) مقاله‌ای تحت عنوان (شادی، شادی ازدواج کنیم) منتشر شد.

« کنار کشید »

« در عوض اعضاء دولت (پیو - ۱) همه متفق الرأی »
 « بودند که به لندن رفته ، نیروئی را که در اختیار داشتند »
 « مخصوصا خلبانها ائم را که بعدا در نبرد انگلیس و هجوم به »
 « (دیپ - ۲) شرکت نمودند در اختیار متفقین بگذارند ، و یکی از »
 « همین خلبانها بود که در سال ۱۹۴۳ عمارت گشتا پورا در »
 « پروکسل بمباران نمود - و بازملاوانان بلژیکی بودند که در »
 « دریای اتلانتیک شمالی چنگ گیرده ، برای نجات جزیره »
 « والشن - ۳) و باز کردن راه (اسکوت - ۴) و داکاری ها نمودند »
 « و کماندوهای بلژیکی که در عملیات ایتالیا و هند شرکت »
 « کردند و چتر بازان آنها در نرماندی پائین آمدند ، »
 « گنجوی بلژیک هم باشکت در مبارزات سهم خود را در نبردهای »
 « افریقا بخوبی ادا نمود . »

« مقاومت مبارزان مخفی بلژیک ، ابتدا خود بخود بوجود آمد سپس وسیله SOE دارای کادر شد آموزش یافت و بالاخره »
 « از اول نوامبر ۱۹۴۲ سازمان آن تکمیل یافته و با دولت »
 « آزاد خود در لندن همکاری کرد . این مقاومت به دو سازمان تقسیم »
 « میشدیکی مقاومت نظامی تحت فرمان وزیر دفاع ملی بامموریت »

۱ - Pierlot - نخست وزیر بلژیک

۲ - Dieppe - بندری فرانسوی در ساحل ماشون که حمله انگلیس ها بدانجا در نجف گذشته معروف است X

۳ - Walshern - جزیره زلنده متعلق به هلند در دریای شمال . X

۴ - Escaut - رودخانه ای که پس از گذشتن از فرانسه و بلژیک در هلند دارای خور و دهانه عظیمی بطرف دریای شمال است که از لحاظ دریانوردی اهمیت زیادی دارد . X

عملیات نظامی. دیگری مقاومت‌هایی که تحت نظر وزیر دادگستری، «وزیر اطلاعات ماموریت خرابکاری در صنایع را بعهده داشت»، «این تقسیم فعالیت‌ها با توجه به مسئله یکی کردن شخص‌هایی که در عمل تشخیص آنها سهل نبود، بنجو قابل تمجیدی، انجام»، «گردید. بالنتیجه در حالی که نهضت‌های مقاومت و شبکه‌ها به تابعیت خود از SOE ادامه میدادند، سایرین هم بدون اینکه از وضع مقامات انگلیس و بلژیک در لندن آگاهی داشته، باشند وظیفه خود را بنحو احسن انجام میدادند.

هنوز در میان مردم بلژیک خاطره اشغال ۱۹۱۴-۱۹۱۸ آلمان زنده بود. مخصوصاً در (والونی-۱) کسانی که تجربیات ارزنده‌ای از ۲۵ سال قیل آموخته بودند هنوز، حیات، داشتند، و همین ها بودند که اولین پیشوایان مبارزات مخفی بار دوم مردم بلژیک شدند. (۲)

حال موقع تشکیل شبکه کمک به فراریان بود. او این بار، عملیات این شبکه بنفع سربازان انگلیسی انجام گرفت که در اثر مجروح شدن یا گم کردن راه توانسته بودند جزو انبوه سربازان انگلیسی در (دونکرک-۳) سوار کشته شده اروپارا

Walonne - منطقه جنوب شرقی بلژیک ×

۱ - از این قبیل اشخاص در شمال فرانسه هم بودند که با وضع منظی به بلژیکی‌ها ملاحق شده و با همبستگی کامل در مبارزات مخفی شرکت گردند.

۲ - Dunkerque - بندر شمالی فرانسه که تخلیه پیروزمندانه نیروهای انگلیسی و فرانسوی در حمله ۱۹۴۰ آلمانها بفرانسه از آن بندر مشهور است. ×

ترک کنند. این سربازها که اکثر سرگردان و در صدد مخفی کردن خود بودند بهترین پناهگاه را در میان مردم بلژیک پیدا کرده از راه فرانسه و اسپانیا فرار و به هیچن خود هم رسیدند، بعد ها همین روش و کمک نسبت به خلبانهای که در رزم های هوایی هواپیما های آنها سقوط و خود زنده میمانندند، و همچنین نسبت به مقاومت گندگانی که بعلت تعقیب اشغالگران میخواستند از بلژیک فرار کنند، یا به لندن احضار میشدند... بطور مرتب اجراء میشد.

یکی از این شبکه‌ها بنام (کومت - ۲) از قنسول‌های بلژیک در فرانسه مخصوصاً در شهر (مونتوبان - ۳) استفاده‌های شایانی مینمود. شبکه دیگری بنام (پوتولری - ۴) که توسط یک افسر بلژیکی اداره میشد، مقر فرماندهی اش در شهر (مارسی) فرانسه قرار داشت.

مطبوعات زیرزمینی هم با استفاده از تجربیات سالهای ۱۹۱۸-۱۹۱۴ کار میکردند، عنوان معروف (بلژیک آزاد - ۱) به اولین روزنامه زیرزمینی داده شده بود با این فرق که قوایت‌های سالهای ۱۹۴۰-۱۹۴۴ خیلی وسیع تراز جنگ اول بود. بیش از ۳۰۰ روزنامه مخفی منتشر میشد که روزنامه‌های سوسیالیست‌ها بنام (دنبای کار - ۲)، کمونیست‌ها بنام (پرچم

Comete - ۲

Mauntauban - ۳

Pot oleary - ۴

Libre Belgique - ۱

Monde du travail - ۲

سرخ - ۱)، روزنامه مستقلی بنام (صدای مردم بلژیک - ۲) و فکاهی بنام (قابل ارتقای - ۳) و بالاخره روزنامه های دیگری مخصوص مخالف مختلف پزشکی و فرهنگی وغیره... از جمله معروفترین آنها بودند. اختلاف مهمی که بین این مطبوعات با سالهای ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ وجود داشت این بود که هدف این ها فقط پخش اخبار و اطلاعات نظامی نبود بلکه وظیفه خاصی را که عبارت از همکاری با سرویس های BB از یک طرف و مبارزه با تبلیغات دشمن از طرف دیگر بود، انجام میدادند. چاپ این مطبوعات بوسیله گروههای مطبوعات مخصوص که دارای سازمان مخفی بوده و کاملاً به طرز عمل آشنائی داشتند انجام میگردید مثلا در ۹ نوامبر ۱۹۴۲ بجای روزنامه (عصر - ۴) شماره مخصوصی وسیله مقاومت گنبد گان تهیه و طبق معمول همه جادر کیوسک های روزنامه فروشی قرار داده شد.

این فقط در اثر جمع آوری اطلاعات و مخابره اخبار بود که مبارزان مخفی بلژیک توانستند این قبیل اعمال شگفت انگیز را ادامه دهند.

در اینجا بازهم پیشقدمان ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ بودند که درس فعالیت میدادند، مثلا (والتر دوه - ۵) که در دوران اشغال بلژیک در جنگ اول مؤسس سازمان معروف (دام بلانش - ۶)

- | |
|------------------------|
| Drapeau Rouge - ۱ |
| La voix des Belges - ۲ |
| Elastique - ۳ |
| Soir - ۴ |
| Walter Dewé - ۵ |
| Dame Blanche - ۶ |

بود در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۰ فرماندهی مخابرات ارتش بلژیک را بعده داشت توانست شبکه (کلارانس - کلو لند - ۱) را تشکیل و با او سال ۱۹۴۱ داخل شبکه ارتباطی تماس بالندن گردد - ۲ از ابتدای ۱۹۳۹ پاسگاه‌های پست (شنود - ۳) در طول مرزهای شرقی بلژیک ایجاد گردیده بود ولی فرستنده‌های آنها ضعیف و بعداً توسط ارتش آلمان منهدم گردیدند. انگلیس‌ها تا سال ۱۹۴۲ مأمورین خود را فقط به مناطق ساحلی می‌فرستادند. تا مقدمات اقداماتی را که احتمالاً برای پیاده شدن در انگلیس فراهم می‌شد، مانند حرکت کشتی‌ها و تأسیس فرودگاه‌ها وغیره را دیده با نمایند.

«از اوائل ۱۹۴۲ تعداد ۳۵ شبکه بوسیله مأمورینی که»
 «با چتر فرود آمده بودند پایه ابتکار مقاومت گمندگانی که»
 «دارای اطلاعات ارزشی فنی و وسائل مخابراتی بودند، شروع»
 «بکار کرد، اغلب این شبکه‌ها از لحاظ تهیه و تأمین پول و»
 «وسائل تابع سازمان (سرویس اطلاعات و عملیات - ۴)»

Cleveland - Clarence - ۱

۲ - Dewé - این دفعه مانند ۲۵ سال قبل اقبال باو یاری نکرد، و هنگامی که در ماه زانویه ۱۹۴۴ در صدد تهییه طرح فرار بود در یکی از خیابانها با و فرمان ایست داده شد و متعاقب آن کشته شد.

۳ - اصطلاحی است برای پاسگاه‌های مخابراتی که دارای چند بی‌سیم هستند و یک گیرنده آن‌همیشه روشن و هر تیا پاپست دیگر ارتباط دارد. X

۴ - با علامت اختصاری S.R.A.

« بودند که برای امنیت بلژیک بوجود آمده بود ، بعضی از »
 « این شبکه‌هاداری حد اکثر امکانات فنی مانند وسائل مخابره »
 « رادیو تلگرافی با فرمان پست فرستنده دور ، گیرنده‌های پلی کپی »
 « برای ارسال به چندین شهر ، هیز شنود مخصوص کنترل حرکت »
 « فطارها و استفاده از دستگاه چاپ دور با انحراف روی خطوط
 آلمانها و غیره ۰۰۰ بودند . قریب ۱۰۰۰۰ نفر بطور مستقیم »
 « و غیر مستقیم در این شبکه‌ها کار میکردند و ۳۰۰ نفر آنها »
 « مامورین فرودآمده با چتر بودند که استخوان بندی اصلی »
 « این شبکه‌ها را تشکیل داده بودند .

از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۴ تعداد زیادی جنبش‌های مقاومت
 هم‌زمان ، و تقریباً در همه جای کشور بوجود آمدند ، هدف همه
 آنها این بود که روزی مسلحانه برای نجات کشور خود بپا
 خیزند : (ارتش آزادی - ۱) در لیش ، تیپ (ویت - ۲) از آنورو
 گروه (G) در بروکسل و (تسلیم نشد گان - ۳) در شهر (هنوت - ۴)

نمونه‌هایی از این جنبش‌ها بودند
 از بین آنها سه سازمان توسعه بیشتری یافته و جمع کثیری
 داوطلب پیدا کردند . این سه سازمان عبارت بودند از (ارتش
 پارهیز اینها ببلژیک) و (جبهه استقلال) کهوابسته به حزب کمونیست
 زین زمینی بود . دیگری (نهضت ملی ببلژیک) که در زاندارمری
 و پلیس شعباتی داشته بیشتر فعالیت خود را صرف چاپ مطبوعات

Armée de la libération - ۱

Witte - ۲

Les insoumis - ۳

Hainaut - ۴

مخفى (صدای مردم بلژیک) و جمع آوری اطلاعات و خرابکاری‌ها مینمود... وبالاخره (لژیون بلژیک) که توسط رئیس اتحادیه ملی افسران احتیاط تشکیل یافته بود.

« دولت بلژیک آزاد در لندن بمنظور روشن کردن وضع »
 « در سال ۱۹۴۳ تصمیم گرفت که اقدام به تشکیل مجدد (ارتش) « بلژیک) نموده انجام هر نوع عملیات نظامی را منحصراً بدان »
 « واگذار نماید (این ارتش بعداً ارتش سری نامیده شد) و « سرهنگ (باستان - ۱) یکی از موسسین اژیون بلژیک «
 « بفرماندهی آن منصوب گشت . (۲) در عین حال انحصار عملیات »
 « مقاومت غیر نظامیان) هم که بنظر میرسید با وظایف »
 « (جنبش ملی بلژیک) در هم آمیخته و مخلوط شده است به »
 « (جبهه استقلال و آزادی) واگذار گردید ، این تصمیم‌ها »
 « ظاهراً بطور قطعی و صریح قابل اجرانبود ، زیرا از یکطرف »
 « (ارتش بلژیک) اسلحه بسیار ناچیزی دریافت نداشت ، از »
 « طرف دیگر (جبهه استقلال) در سال ۱۹۴۳ (جنگجویان چریک) «
 « (میهنی) مخصوص عملیات گردانی را تشکیل داده بود . بالاخره »
 « نتیجه آن شد که اکثر این دسته پندی‌ها تاروز آزادی و نجات »
 « کشور مستقل مانندند . »

در روز ۴ ژوئن پیامی تحت عنوان (سلیمان شاه کشنهای بزرگ خود را پوشید) پخش شد و این دستور رمز قیام عمومی بود : با صدور این دستور طرحهای خرابکاری اجرا گردید ، پلهای

فروریخته شدند ، راه آهن ها منفجر و کامیونهای آلمانی در اثر عبور از روی میخ های پنچر کن که در جاده ها ریخته شده بود متوقف گردیدند . ولی در روز ۱۲ ژوئیه فرماندهی متفقین این جنبش سریع را متوقف و به آنها تذکر داد که (لزوم سکوت و امنیت بیش از هر وقت دیگر اهمیت دارد .. تا هسته های مقاومت دست نخورده سالم بماند) .

کمبود اسلحه (با وجود اینکه در موقع تسليم مقداری سلاح را مخفی نموده یا بعداً از کارخانه ها برداشت کرده بودند (۱)) و بالاخره انفجار مین ها و پیشرفت سریع متفقین در خاک کشور، به مبارزان مخفی بلژیک آن امکان را نداد که در روز بزرگ امید با شرکت در جنگ آزادی میهن ، ابراز وجود نمایند .

مسلمان بعضی از افراد رزمندگان (ماکی) در (آردن - ۲) بخوبی انجام وظیفه نموده (مخصوصاً پارتیزانهای جبهه استقلال و آزادی تحت فرماندهی سرگرد کینه - ۳) و به ستوانهای دشمن حملات سختی نمودند ، اما این اقدامات یک مزاحمت دائمی برای دشمن ایجاد ننمود (۴) . بالاخره در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۴۴ طبق یک توافقنهای تمام نیروهای داخلی بلژیک تحت فرمان

۱ - مخصوصاً از کارخانه ملی تسليحات بنام (هرشتل)

Ardennes - ۲

Quinet - ۳

۴ - و بدین ترتیب از کشتار زیاد جلو گیری شد ، دستورهای صادره به پارتیزانهای (ماکی) حاکی از آن بود که برای خود پناهگاههایی از نوع (ورکور) در نظر بگیرند - ۶۲ پناهگاه برای هر یک هزار نفر پیش بینی شده بود .

ژنرال (ژرار - ۱) در آمدند.. ولی دیگر وقت استفاده دادن آنها گذشته بود ... زیرا شهر بر و کسل در روز ۴ سپتامبر آزادشد . بهر حال مقاومت کنندگان بله‌یک تو انسنند چندین هزار نفر را زندانی نموده واز تخریب هائی که آلمانها در نظر داشتند در تأسیسات مهم که اولین آنها پل (آنور - ۲) بود انجام دهند بخوبی جلوگیری و آن تأسیسات را حفظ نمایند.

۵ - در فرانسه

« حکومت (ویشی - ۳) پس از متارکه جنگ با آلمان هنوز »
 « عوامل مهم و قابل توجهی را در اختیار داشت منجمله : یک »
 « ناوگان دست نخورده ، نیروهای مستعمراتی ، نیمی از خاک اصلی »
 « کشور ، ارتقی که پایه و اساس کادر ارش عظیمی می‌شد ، و »
 « رئیس حکومتی که مورد احترام عموم بود (۴) . سؤالی که «
 « پیش‌می‌آمد عبارت از استفاده ای بود که این رئیس حکومت ،
 « میخواست از نیروهای خود کرده و توجیهی بود که میخواست از »
 « سیاست خود بنماید ؟ »
 « اما متفقین وسائل ایجاد مقاومت را فراهم کردند و »

Gérard - ۱

Anvers - ۲ - بندر مهم و بزرگ بله‌یک X

Vichy - ۳ - شهر آبهای معدنی فرانسه که پس از شکست فرانسه مقر حکومت مارشال پتن و پایتخت فرانسه غیر اشغالی گردید. X

۴ - منتظر مارشال پتن است که بواسطه پیروزی عظیمی که در جنگ اول دروردن بدست آورد ، به مقامات عالیه رسید و قارzman اشغال فرانسه فوق العاده مورد احترام عموم بود. X

« تعداد زیادی فرانسویان ضد آلمانی امیدوار و منتظر روزی »
 « بودند که علامت شروع پیکار در خاک فرانسه با در »
 « افریقای شمالی را دریافت کرده و بپا خیزند . فرانسه با »
 « این حالت انتظار بد و منطقه تقسیم شده بود ، یکی منطقه اشغالی »
 « دیگری منطقه ای که موقتاً آزاد بود . با این ترتیب خطر بزرگی »
 « از لحاظ تشیت افکار و عقاید عمومی ایجاد نمیشد این خطر »
 « ناشی از آن بود که در منطقه آزاد هجر و میت ها و رنج ها کمتر »
 « بود ، در حالی که منطقه شمال کشور از یکطرف مستقیماً قحت »
 « سلطه خواسته های آلمان واژ طرف دیگر زین بمبارانهای شدید »
 « هتفقین قرار گرفته بود ۰۰۰ در مقابل ، منطقه جنوی کسانی »
 « را که از تسلط اشغالگران فرار نمیکردند پناه داده و موقتاً »
 « آنها را در امان انگاه نمیداشت ، در این منطقه بود که نیروهای »
 « احتیاط تشکیل شد و در حقیقت هبدئ عملیات رزمی احتمالی »
 « منطقه شمالی شد ، باز در این منطقه بود که مقاومت توanst »
 « با حداقل هزینه نخستین گام را برداشته ، راه را خود یافته »
 « به هیجان آمده و خود را آماده و مستحکم نماید . »

سیاستی را که حکومت ویشی در داخله کشور در پیش گرفته
 بود بهیچ چیزی نمیشد توجیه کرد . **القلاب ملی** توanstه بود آن روحیه
 دشمنی دیرینه و ترس از آلمان را که در جناح راست وجود داشت
 از بین ببرد . اقدامات جابرانه علیه بهوی ها ، و
 کمونیستها و (فرانک ماوسون ها - ۱) ، جناح چپ را متنفر

۱ - Franc - Magons - اعضاء بیک انجمن سری که در
 بیشتر کشورها وجود داشته و با عالم مخصوص هم دیگر را شناخته
 و بیشتر برادر بهم دیگر نکاه کرده موظف بوده اند که در هرجا
 و از هر طبقه و ملتی باشند بیک دیگر کمک نمایند - اعضاء این
 انجمن سوگندیاد میکردند که هر گز اسرار خود را فاش ننمایند
 اما امروز دیگر با این شکل وجود نداشته و عاملین سیاست های
 خاصی را فرانک ماوسون مینامند X

کرده موجب میشد که هم با آلمان و هم با حکومت ویشی یک جام خالفت وضدیت نمایند.

اما ژنرال دو گل و هوا دارانی که بدو پیوسته بودند از طرف متفقین بصورت یک دولت آزاد مهاجرت کرده شناخته نشده‌ند. ژنرال دو گل هم انتظار نداشت با او بشکل مزدور رفتار شود، بلکه میخواست ثابت کند که او، بنام فرانسه‌ای که فعلاً دهان بند برده‌اش زده‌اند صحبت میکند. خلاصه باید گفت که تمام تاریخ مبارزات مخفی مردم فرانسه عبارت از: گردآمدن روز افزون نیروهای مختلف مقاومت خارجی و داخلی، بدور ژنرال دو گل و تحت فرمان او میباشد. (۱)

* * *

شکست فرانسه آنچنان سخت و خورد کننده بود که ملت فرانسه را در بهت و حیرت فزوبرد. مشکلاتی که از مهاجرت دسته جمعی مردم و تعداد فوق العاده زیاد اسرائیلی بوجود آمد بحدی بود که امکان نداشت بتوان ملت را ازیاس و نا امیدی که موجب خمودگی و سستی وی میشد بسرعت نجات داد. ناچار ملت حالت انتظار بخود گرفت.

۱ - جزئیات این حادثه بزرگ در کتاب دیگری از همین سری (آنچه میدانم) ذکر شده که قریباً بنام مقاومت فرانسه چاپ و منتشر خواهد شد X

در چنین شرایطی بود که ابتکار عملیات بدست ژنرال دو گل افتاد. وی از تاریخ ۱۸ ژوئن ۱۹۴۰ یک سری پیامهای از رادیو لندن خطاب به مردم فرانسه میفرستاد که مخصوصاً بصورت پیشگوئی و الهام بخش بوده مثلاً میگفت: «گرچه فرانسه یک نبر در باخته ولی هر گز در جنگ شکست نخوردده است» و یا «شراره مقاومت فرانسه هر گز خاموش نخواهد شد». ژنرال دو گل در عین حال از تمام مردم فرانسه دعوت میکرد که آزادی را اختیار کرده و بدو پیوند نداشت.

با این دعوت ژنرال تا اندازه‌ای پاسخ مثبت داده شد، قسمتی از نیروی زمینی و دریائی فرانسه که در انگلستان بودند، هسته اصلی (نیروهای فرانسه آزاد) را تشکیل داده، داوطلبان زیادی از مستعمرات فرانسه‌واز کشورهای دیگر جهان بدو پیوستند. در این‌مورد سر زمین (چاد-۱) تحت تاثیر تشویق فرماندار آنجا بنام (ابوه-۲) نمونه بارزی بود که بدنبال آن افریقای استوائي (کامرون-۳) و سپس مؤسسات فرانسه در هند واقیانوسیه دست از کار خود برداشت و به فرانسه آزاد پیوستند، بدین ترتیب دو گل توانست در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۰ (شورای دفاع امپراتوری) را تشکیل دهد.

متاسفانه در این موقع حمله انگلیس به (مرسی‌الکبیر-۴)

۱ - Tchad : سر زمین اطراف دریاچه چاد در افریقا

که جزو اتحادیه فرانسه است ×

۲ - Eboué

۳ - Mers-El - Kepir : بندری است در خلیج اوران

الجزیره که در سال ۱۹۴۰ بدنبال یک اولتیماتوم، ناوگروه

فرانسه در آنجا وسیله ناوگان انگلیس ها غرق شد. ×

موجب شد که یک روح ضد انگلیسی در عده زیادی از ناویان فرانسه و جمعی که در انگلستان بودند بیدار گشته، گروه کثیری خود را بفرانسه بر سانند. بعلاوه این اقدام انگلیس موجب شد که مستعمرات فرانسه را که تا آن زمان اختلاف عقیده‌ای با هم نداشتند ناگهان بزرگ در آورد و این عمل موجب شد که غیر از نرال (کاترو - ۱) و دریادار (موزلیه - ۲) سایر فرماندهان عالی رتبه به پیام ۱۸ژوئن دو گل پاسخ نداده و هیچیک از مقامات عالیه دولتی خود را به لندن نرساند. بنا بر این باید گفت که (فرانسه آزاد) از مردان جدیدی بوجود آمد که کمتر معروف به وطن پرستی بودند، حتی فرانسویانی هم که در تبعید بودند همه با آنها موافق نبودند. شکستی که در ماه سپتامبر ۱۹۴۰ به (فرانسه آزاد) در (داکار - ۳) وارد آمد باعث شد که انگلیس‌ها در مورد متوجه کردن افریقای غربی و قدرت نفوذ و جاذبه (فرانسه آزاد) دچار شک و تردید گردد. و در نتیجه روش مدارا را با حکومت ویشی در پیش گرفته، طبق این سیاست فرانسویانی را که با تحمل هزاران مشگلات خود تا به لندن رسانده بودند تا دوش بدوش انگلیس‌ها بمبارزه ادامه دهند دیگر در واحدهای نظامی و سرویس‌های مخصوص خود راه نمیدادند.

«در یک چنین شرایط متنزل و ناپایداری بود که نرال»

Catroux - ۱

Muselier - ۲

Dakar - ۳

بندر افریقائی در ساحل اقیانوس اطلس که نیروهای فرانسه آزاد در سال ۱۹۴۰ در آنجا اقدام به پیاده شدن نمود ولی نیروی فرانسه طبق اوامر حکومت ویشی مقاومت کرد و آنها را شکست داد ×

« دو گل با اراده و خوش بینی فوق العاده خود ، تلاش و « وظیفه‌ای را که بعده گرفته بود به اعلی درجه انجام داد . » از یکطرف (نیروهای فرانسه آزاد) در همه جا و در « هر نقطه‌ای که مبارزه ایجاب میکرد باستی حاضر میشدند » « در حبشه ، لیبی ، در نبرد انگلستان ، حتی در اقیانوس اطلس » « در آسمانهای روسیه با خلبانان (فرماندی نیمن - ۱) در « پیروزی انگلیس‌ها بر پادگانهای ایتالیائی هادر جنوب تریپولی - » « و بالآخر واحدهای چاد باستونهای انگلیسی همکاری مینمودند . بدین » « ترتیب ستاره‌های جدیدی در پهنه آسمان افتخارات فرانسه » « درخشیدن گرفت ، که ژنرال ، (لوکلرک - ۲ و مونتلار - ۳) « (دolar مینا - ۴) ، (کونیک - ۵) (زانتی دوم) و نیروهای « (ناروال - ۷) و (کوفرا - ۸) (بیش راهنم) نمونه‌هایی از این » « افتخارات بودند . »

« از طرف دو گل میباستی در مقابل انگلوساکسونها »

۱ - Normandie-Niemen - خلبانانی که از پا یگاههای

این دو شهر بد و گل پیوسته بودند و در جنگهای روسیه شرکت نمودند ×

Le cleric - ۲

Monclar - ۳

De larminat - ۴

۵ - Koenig - فرمانده قوای داخلی فرانسه در نبرد

بیش راهنم . ×

Gentilhomme - ۶

Narval - ۷

Koufra - ۸

« با کمال صراحت از منافع فرانسه دفاع کند . و در برابر «
امريکائي ها كه مخالف الحق جزاير (سن پير - ۱) و (ميكلون - ۲) »
« به فرانسه آزاد بودند ناجار شد در يادار (موزليه) را با مريكا»
« اعزام دارد . در برابر انگلليسها ، مجبور بود در مورد سوريه»
« ومادا گاسكار اعم از اينكه با کمک يا بدون کمک افراد او باسته بفرانسه»
« آزاد آنجاهارا اشغال کرده باشند، از منافع ميهم خوش دفاع کند.»
« خلاصه دو گل و سخنگويان او بوسيله تبلیغات وسيع خود »
« مخصوصاً توسيط سرويس هاي راديويي BBC مرتبآ غير قانوني»
« و مسلوب الاراده بودن حکومت ويشي و اطاعت محض آنرا »
« از آلمانها بتمام جهانيان اعلام ميداشت . در ضمن برای برقراری»
« ارتباط با طرفداران خود که در خاک اصلی فرانسه بودند »
« ماموريتني يا بوسيله چترين بطور کورکورانه فرود آمده يا بوسيله»
« زين دريائی بخاک اصلی فرانسه اعزام شدند، که از جمله باید »
« نام سروان (استين دوروه - ۳) را ذکر کرد که پس از پياده شدن»
« توسط آلمانها دستگير، محاكمه و تيير باران شد . در اعلام هاي»
« که فرانسه آزاد برای جلب افکار عمومي راجع به آينده مادر»
« ميکرد صريحآ به ملت فرانسه قول داده ميشد که : اين خود »
« ملت است که نسبت به سرزنش خوش و انتخاب نوع »
« حکومت، آزادانه تصميم حواهد گرفت لکن فعلاً مسئله مهم اين»
« است که باید جنگي، با تمام قوا باید جنگي و وبحجز »

«جنگ هیچ»

این گونه پیامها توأم با تعهد ، فوراً با حسن نیت و حسن

St. pierre - ۱

2 - Miquelon - جزاير متعلق به فرانسه در آمريكا

3 - ESTienne dorves

استقبال افکار عمومی فرانسه - واجه گردید و مردم عادت پیدا کردند که به گفتارهای رادیو BBC گوش داده، دستورهای رادیوئی را که دریافت میداشتند، از قبیل: تظاهرات دسته جمعی یا اعتصابات بخاطر، تحلیل از سالگرد روزهای ملی (مازندران ۱۱ نوامبر و ۱۴ ژوئیه) را کاملاً اجرا و اطاعت نمایند. وهمین پیامها بود که مردم را داوطلب نامنویسی و خدمت درسازمانهای جدید مخفی نمود، زیرا دیگر احزاب سیاسی وجود نداشت. مراکن سندیکاهای منحل و سندیکاهای جدیدی با رهبران منصوب و غیر منتخب بوجود آمده بود که فعالیت آنها منحصر آمحدود به مسائل صنفی بود.

« در ابتدای امر اعتماد فوق العاده‌ای نسبت به مارشال »
 « پتن و ژنرال ویگان وجود داشت، اکثر مردم در سازمان »
 « (لژیون جنگجویان - ۱) و در (ازتش متزکره - ۲) (قیافه گروههای) »
 « را میدیدند که خود را آماده انتقام میکنند، این دستیجات سلاحها را مخفی کرده، علی رغم مقررات مtarکه اقدام به ساختن »
 « تجهیزات نظامی نموده در شمال افریقا واحدهای را مرتب و »
 « آماده میکردند سر ویس‌های مخصوص ارتش یک قیافه و حالت »
 « ضد آلمانی از خود نشان میدادند که بالآخره منجر بتأسیس »
 « شعبه های اطلاعاتی در منطقه اشغالی گردید و بعد یک حالت »
 « صوفی منشی جای اعتماد عمومی را گرفت، مردم در بد بختی »
 « عظیمی که بر آنها وارد شده بود تنها با منتظر یک متعجزه »

«بودند و این وضع همچنان شدت یافت تا اینکه بعد از ملاقات (موذوار - ۱)»
 «ناگهان سیاست همکاری اعلام گشت. مردم از این مقدمات تمام»
 «انتظارات خود را نقش برآب دید و بشدت مشوش گردیدند»
 «سپس بفاصله کمی اعلامیه‌های رسمی حکومت انتشار یافت که»
 «بجای اینکه به ایجاد اراده واقعی برای مبارزه پردازد، همه آن اعلامیه‌ها»
 «تماماً حاکی از تسلیم به شکست و ابراز ندامت از اشتباهات گذشته بود.»

در چنین شرایطی بود که برای اولین بار جنبش‌های مقاومت خود را نشان دادند، این مقاومت‌ها در ابتدا، نه کاملاً مخالف حکومت ویشی بودند و نه کاملاً طرفدار ژنرال دو گل. در منطقه شمالی کشور، وجود آلمانها و حالات اشغال کشور خود بمنزله یک دعوت مقاومت به اقدام و عمل بود. مردم در صدد ایجاد تماس با انگلیس‌ها یا با افراد (فرانسه‌آزاد) بر می‌آمدند، تا شاید اطلاعات خود را در اختیار آنان گذارده از آنها اسلحه و وسائل دریافت کنند. گرچه مقاومت گنبدگان از میان مهم‌محافل بوجود آمدند اما تا چندی فقط گروههای کوچکی تشکیل میدادند که یکدیگر را نمی‌شناختند و اعضاء آنها خیلی زود گرفتار و معذوم می‌شدند. متخصصین جوان نیروی انسانی مانند (لوتیسکی و ویلد - ۲) در موزه (انسان شناسی) اقدام به تاسیس یک (کمیته نجات ملی - ۳) نمودند که از تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۰ شروع به چاپ و توزیع اوراق مخصوصی بنام مقاومت

۱ - Montoire - محلی نزدیک وابندام از شهرهای مرکزی

فرانسه که در آنجا مذاکرات همکاری بین هیتلر و پتن بوقوع پیوست. X

۲ - Vildé - Lewitzky

۳ - Comité de salut public

کردند، افراد کمیته مزبور از فوریه ۱۹۴۱ تا ژانویه ۱۹۴۲ سه مرتبه توقيف شدند. روزنامه دیگری بنام (دفاع از فرانسه - ۱) تا روز نجات فرانسه مرتباً توسط دانشجویان منتشر میشد. ولی گروه (پانتا گروئل - ۲) پس از انتشار ۱۶ شماره روزنامه در پاریس کشف و از بین رفت. همچنین روزنامه‌های سوسیالیست‌های شمال فرانسه که بدست (ژان لو با - ۳) اداره میشدند و روزنامه دموکرات‌های مسیحی بنام (صدای شمال - ۴) و همین‌طور روزنامه‌های (ارتیش داوطلبان - ۵) و (گردان مرگ - ۶) همه را آلمانها از بین برداشتند. مطبوعات خوش‌شانس تری هم وجود داشتند که علی‌رغم توقيف‌های مکرر از بین نرفتند. مانند روزنامه (این مقاومت گمندگان - ۷) و (این آزادی‌خواهان - ۸) که اداره آنها تحت نظر اشخاص مختلفی مدت‌ها ادامه یافت. در خاتمه باید بذکر دو جنبش مهمتر و قویتر که در شمال فرانسه اداره میشدند پسرداخت، یکی از آنها بنام (سازمان ملی و نظامی) که اعضاًش را از میان روشنفکران و نظامیان هم زرم انتخاب مینمود و دیگری سازمان (آزادی شمال) که بواسطه آن بیشتر سوسیالیست‌ها و طرفداران سندیکاهای بودند

Defense de la France - ۱

Pantagruel - ۲

Jean Leba - ۳

Voix du nord - ۴

l'armée des volontaires - ۵

Battaillon de la Mort - ۶

Ceux de la resistance - ۷

Ceux de la libération - ۸

اما در منطقه جنوی کشور چون تا سال ۱۹۴۲ از وجود آلمانها خبری نبود طبعاً مردم آزادی بیشتری داشتند و کمتر مواجه با خطر بودند، اگر پلیس ویژی سختگیری میکرد اغلب اوقات هم دیده میشد که وسائل راحتی مردم را فراهم و حسن سلوک را نیز رعایت مینمود. بطور کلی در این منطقه دو جناح وجود داشت، یکی جناح راست قدیمی که مجدوب سازمان (انقلاب ملی) بود، دیگری جناح چپ که مقاومت کفندگان را جمع آوری و نام نویسی میکرد. در این موقع ژنرال (کوشه-۱) که عضو این سازمان بود پیام‌های معروف خود را فرستاد. از ترکیب سازمان‌های (حقیقت) و (آزادی) سازمان (پیکار) بوجود آمد که رهبری آن با (ه. فرنی-۲) بود و هم‌اکنون بود که استخوان بنده سایر جنبش‌ها را نیز تشکیل داده و تنظیم مینمود. سازمان (آزادی) در جنوب تحت رهبری (۱- استیه‌دولاویژ-۳) بیشتر افراد خود را از میان سوسیالیست‌ها و طرفداران سندیکاهای وهم‌چنین از کم و نیست‌هایی که از حزب خود استغفا داده بودند انتخاب مینمود. بعضی از روزنامه‌نگاران شهر لیون دسته‌جات رزمندگان (فرانک تیروز) را دور خود جمع نمودند. مبارزان مخفی جنوب که کمتر از شماری‌ها در معرض تهدید و خطر بود، فرصت و امکان آنرا پیدا کردند که دوران کارآموزی خود را بگذرانند.

«در هر دو منطقه شمالی و جنوی فرانسه مبارزان مخفی در»
 «اقلیت بوده و به اولین سازمانی که خود را نشان میداد ملحق»

Cochet - ۱

H. Frenay - ۲

E. Astier de la vigerie - ۳

« هیگر دید و اغلب این پیوستن بسازمانها با انتشار یک وزنامه «شروع میشد. فعالیت‌های آنها در بد و امر عبارت بود از : یکی» «شدن و ایجاد ارتباط و تولید اعتماد، پخش مطالب مفید ، تشریح » « و تهییه طرح‌هایی برای آینده ، بررسی وظایف خود ، ساده کردن» « و قابل احترام نمودن رفتار و وضع خود ، اما با همه اینها » « بعلت فقدان وسائل مادی و نداشتن تجربه کافی قادر نبودند که » « عملیات وسیعی را انجام دهند ». .

« تعداد احزاب سیاسی هم کم نبود . از میان آنها فقط » « حزب سوسیالیست بود که بدون دادن تشکیلات آشکار ، وارد عمل » « شد و اعضاء آن همه جزو جنبش‌های مخفی بودند . اما حزب » « کمو نیست که از جای دیگر اداره میشد ، با اینکه پیمان آلمان » « دروسیه را تایید نمود ، از طرف دولت (دادایه - ۱) منحل گردید » « و عده ای از سران آنها بازداشت شدند ، با این وصف و با » « آنکه از طرف اشغالگران نازی هم تحت تعقیب درآمدند » « معهذا فعالیت‌های شدیدی هم در منطقه شمالی و هم در جنوبی فرانسه » « مینمودند . مطبوعات آنها بسیار کوبنده ، شدید و بمقدار زیاد » « مرتبأ بطور مخفیانه انتشار می‌یافت ، اما هجوم و حمله ارتش آلمان » « به خاک روسیه ناگهان وضع را بکلی تغییر داد ، زیرا کمو نیست هائی » « که تا این موقع بطور مجزا و منفرد در حال مقاومت بودند » « امکان آنرا یافتند که مشتاقانه و آزادانه وارد عمل شوند و در » « هر دو منطقه شمالی و جنوبی کشور اقدام به تأسیس یک (جهه ملی) نمایند » « بطور یکه و رو در آن برای جناح راست نیز کاملاً آزاد باشد . در نتیجه » « (پاریز انهای فرات تیر ور) هم نیروهای مسلح را تشکیل » « داده و به مقاومت یک روح و خاصیت اقدام فوری و قطعی » « بخشیدند . »

* * *

از ابتدای سال ۱۹۴۲ مسئله‌ای که مطرح شد عبارت از این بود که آیا مبارزان مخفی طفدار دو گل خواهند بود یا نه؟ مبارزان مخفی اولین گامهای خود را به تنهائی برداشته بود. ولی بدون کمک از خارج آنچنان آسیب پذیر و ضعیف بود که پس یک دوران انتظار وضع طوری شد که وسیله حکومت ویشی از هم پاشیده بر توکل‌های پاریس که در اثر مذاکرات هیتلر و دارلان مبادله شد و بدنبال آن در دارلان ۱۹۴۲ بقدرت رسید، دلائلی بودند که حکومت تصمیم قطعی به همکاری با آلمان را دارد. در این ایام پلیس ویشی مقاومت کنندگان را بدام میانداخت و حتی حکومت به گشتاپو اجازه داده بود که برای کشف فرستنده‌های مخفی (بوسیله رادیو گونیومتری - ۱) و توقیف اشخاص (حتی در منطقه با صطلاح آزاد) اقدام کند.

هر چند توده مقاومت کنندگان، فرانسه آزاد را از متفقین جدا نمیدانستند و معتقد بودند که مبارزان مخفی بدون ارتباط با متفقین نمیتوانند کاری از پیش ببرند، اما سران مقاومت بیهوده تمایل به استقلال عمل داشتند تا اینکه سر انجام ناچار

۱ - Radiogoniometrie - طرزیقه‌ای است که بوسیله آنتن رادیو گیرنده از چند نقطه، سمت فرستنده را تعیین و با تقاطع این سمت‌ها در روی نقشه محل فرستنده را میتوان کشف نمود X

شدند پیشنهادات کمکهای مستقیمی را که از سرویس‌های مخصوص انگلوساکسون میرسید با حسن استقبال بیندیرند. شعبه مخصوص فرانسوی‌اداره (SOE-۱) در لندن که ریاست آن با (بک‌ماستر-۲) بود بدون اینکه با سازمان فرانسه آزاد مشورت نماید، نمایندگان مخصوصی بفرانسه اعزام و گروههای عملیاتی رادر منطقه اشغالی سازمانداد. (۳)

انگلیس‌ها موافقت کرده بودند که یک (دفتر مرکزی اطلاعات و عملیات-۴) در کنار سازمان ژرفال دو گل تحت ریاست (دووان-۵) که او را (پاسی-۶) میگفتند تشکیل گردد، و از سال ۱۹۴۲ مسئولیت اعزام، افراد پول و وسائلی را که مورد استفاده فرانسه آزاد بود بدان واگذار نمودند. مسلماً این سازمان تحت اختیار SOE بود ولی تا حدودی هم آزادی عمل داشت. این (دفتر مرکزی اطلاعات و عمل) که با علامت اختصاری BCRA مشهور بود تعدادی از رؤسای مبارزات مخفی را از منطقه اشغالی وغیر

Secret operations executive - ۱

(مخفی)

Buck master - ۲

۳ - جمعاً ۴۹۳ افسر کانادائی، انگلیسی و فرانسوی اعدام شدند که ۱۱۹ نفر آنها توقيف یا اعدام گردیدند و بقیه توافضند ۳۴ شبکه در منطقه اشغالی و ۲۴ شبکه در منطقه آزاد تشکیل و بکار اندازند.

Bureau central de Renseigne - B.C.R.A - ۴

ments et d'action.

Dewain - ۵

Passy - ۶

اشغالی فرانسه به لندن آورده وزنرال دو گل اعلامیه‌های خود را برای چاپ در روزنامه‌های مخفی در اختیار آنان می‌گذاشت، باین نحو و از این طریق یک توافق اصولی بین دو گل و مقاومت فرانسه بوجود آمد، و از آن بعد بود که (ژان مولن - ۱) رئیس پلیس سابق باسمت و عنوان (نماینده کل ژنرال دو گل) در اوائل ژانویه ۱۹۴۲ در منطقه فرانسه جنوبی با چتر فرود آمد و در نتیجه اقدامات او بود که اتحاد و یگانگی فوق العاده‌ای بین سازمانهای مقاومت طرفدار دو گل برقرار گشت . این شخص با صبر و حوصله کامل ابتدا سه سازمان مهم جنبش‌های مخفی مقیم منطقه جنوبی را باهم متحد نموده سپس ارتضی سری آنها را تحت فرماندهی واحدی در اختیار ژنرال (دلستر نت - ۲) گذارد و بعد به متحد نمودن افراد سازمانهای مذکور پرداخت . در هر ناحیه و در تقسیمات کوچک‌تر، و در هر شهرستان هیئت مدیره‌ای مرکب از سه عضو تشکیل داد . در عین حال قسمت‌ها و سازمانهای دیگری نیز بوجود آورد که مستقیماً تابع خود او و درواقع تابع ژنرال دو گل بودند مانند : یک (کمیته عمومی بررسی‌ها) (یا مستشارها) - و یک (کمیته امور اجتماعی) که خدمات مر بوط به دریافت و پذیرائی وسائل و افرادی را که با چتر فرود می‌آمدند بعهده داشت، و بالاخره یک (کمیته اقدام بر ضد خارج کردن کارگران از کشور) وغیره تأسیس نمود . در منطقه اشغالی شمال فرانسه هیئتی مرکب از (پاسی) و (بروسولت - ۳) اقداماتی نظیر منطقه جنوبی نمودند که

Jean moulin ۱

Delestraint - ۲

Brossolettes - ۳

امکان موافقین کمتری را داشتند ولی با وجود ، این توانستند از نیروهای تقریبی و احتیاجات اصلی جنبش‌های مخفی اطلاع حاصل کرده فرماندهی مناطق و مسئولیت آنها را تعیین و مشخص نمایند.

« از ماه نوامبر ۱۹۴۲ کنسول امریکا در الجزیره بنام « (ر. هورفی - ۱) مأموریت یافت که بمنظور تهیه مقدمات پیاده » « کردن قوا در اقرقای شمالی با یک گروه از مقاومت‌گنان » « ضد دوگل که ژنرال (ژیرو - ۲) را بعنوان رئیس و رهبر » « خود قول داشتند تماس و ارتباط برقرار نماید . مقارن این » « احوال توجه این نهاد معطوف به دریادار (دارلان - ۳) شدو » « معتقد گردید که دارلان : (مردی است که ارزش مذاکره را دارد) » « و میتوان امیدوار بود که وی با ملحق کردن ناوگان فرانسه در » « (تولوں - ۴) توافق نموده و به جنگ با متفقین پایان دهد » « اما دارلان در الجزیره کشته شد و امریکائی‌ها بنیچار » « رو به ژنرال ژیرو آوردند و بد و کمک کردن تا فرماندهی نظامی » « و حاکمیت سیاسی را در افریقای شمالی و افریقای غربی بعهده » « بگیرد . بدین ترتیب حتی در اردوگاه متفقین هم دو نوع فرانسه » « آزاد بوجود آمد که کاملاً رقیب هم بودند . یک دسته بنام مارشال » « پتن که دارلان نماینده حکومت او بود ، دیگری بنام ژنرال »

R. Murphy - ۱

۲ - iraud - ژنرال ۶۵ ساله فرانسوی که اسیر آلمانها شد و با مهارت عجیبی از زندان نازیها فرار کرده خود را به فرانسه و بعد امریکا رسانید و سپس در حمله به شمال افریقا شرکت نمود X

Darlan - ۳ قبلاً توصیح داده شده است .

Toulon - ۴

« (ژیرو) که عقیده داشت، تنها او است که اراده دارد جنگ را آدامه « داده وهم اوست که مردان (انقلاب ملی) رفورمها را او را « هی پذیر ند ». »

مقاآمت گمند گان داخلی فرانسه نمیتوانستند قبول کنند
مردانی که تا آن موقع همیشه روش بی طرفی نسبت به آلمان را توصیه کرده و آنراستوده بودند حالادر کنار امریکائی‌ها نقش کاملاً مخالف را بعده گرفته و آنرا ایفا کنند. بر مبنای همین استدلال بود که مقاومن یک دل و یک جان معتقد شدند با بذازدو گل طرفداری و پشتیبانی نمایند. برای اینکه این اتفاق عقیده را به خارجی‌ها نشان دهند، (ژان مولن - ۱) مامور شد که سازمانی مرکب از نماینده گان کلیه جنبش‌های مقاآمت‌های مهم، با توجه به تمایلات اصولی افکار عمومی بوجود آورد. بدین ترتیب احزاب مختلف وارد ارکان سیاسی جدید فرانسه یعنی (شورای ملی مقاآمت) گردیدند (۲)
با انتصاب (ژان مولن) به ریاست این سازمان، تابعیت از ژنرال دو گل قطعی و مورتاً تائید عمومی قرار گرفت. خود (ژان مولن) هم بعنوان نماینده ژنرال دو گل در فرانسه با حفظ مقام (کمیسر در کمیته ملی لندن) تعیین گردید.

« آنگاه در الجزایر اختلاف بین ژنرال‌ها شروع شد »
« بنا به اصرار روزولت و چهل ظاهرآ ژیرو و دو گل با هم آشتب ». »

۱ - Jean moulin

۲ - شورای مزبور عملاً از ۸ نفر نماینده گان جنبش‌ها دو نفر نماینده از هر اکن‌سندیکاهای (CFTC, CERT) و ۶ نفر نماینده احزاب سیاسی که هونیست و سوسیالیست تشکیل گردیده بود .

« کرده و (کمیته ملی فرانسه) را در الجزایر تشکیل که »
 « ریاست آن متناسب با با یکی از دو ژنرال هن بود بود »
 « اختلاف نظر و مجادلات ژنرال ها، برای جنبش مقاومت »
 « مخفی فرانسه اهمیت حیاتی داشت، زیرا اگر تدارک اسلحه »
 « و پول بوسیله سرویس های مخصوص ارتش افریقای شمالی تامین »
 « هیشد، چون ارتش مزبور از لاحاظ پرسنل فنی قوی »
 « از طرف دیگر سازمان دفتر اطلاعات و عملیات (B C R A) »
 « هم با او ابراز علاقمندی هیکرد در این صورت میباشد اولین »
 « مبارزان مخفی وطن یعنی طرفداران دوگل بنفع این مقاومت »
 « گندگان تازه نفس و تازه کار کاملا خلع ید شده و کنار »
 « میرفند: اما زیر و استعوا داد و ژنرال دوگل کاملا پیروز شد »
 « و یکی از مردان خود را بنام (زان سوستل - ۱) در رأس »
 « سازمانی که سرویس های مخصوص هر دو دسته رادر خود مستحیل »
 « کرده بود قرار داد. بالاخره ژنرال زیر و از عنوان ریاست »
 « کمیته استعوا داده فقط سمت فرماندهی عالی نیروها را برای »
 « خود حفظ نمود، که کمی بعد از آن هم بر کنار نشد.. »

بدین ترتیب بود که ژنرال دوگل در رأس حکومتی قرار گرفت که بر تمام سر زمین فرانسه تسلط و ارتش قابل توجهی رانیز در اختیار داشت. در خود فرانسه کلیه مبارزان مخفی از جمله عناصر (سازمان مقاومت ارتش) تغییرات بزرگی رادر انتصابات (ارتش متارکه ویشی) بوجود آورده بودواز دوگل پشتیبانی نمیکرد، در این هنگام الجزایر فی الواقع پا یافتحت فرانسه مبارز، گردید، دستجات مبارزان بدنبال هم بسوی کوههای (پیرنه) بنزه افتادند، بطوریکه ۲۰۰۰۰ نفر داوطلب خدمت در (ارتش فرانسه افریقای شمالی) گردیدند.

امادر سر زمین اصلی فرانسه هم تمام کشود توسط آلمانها اشغال و به معسئله حکومت ویشی و طرفداری آن حکومت از آلمانها پایان داده شد، بطور خلاصه باید دانست که مبارزات مخفی فرانسه از میان طوفانهای خطرناکی سالم گذشت و توانست اتحاد هبستمگی خود را پایدار و محکم نماید.

* * *

سپس این قدرت و همبستگی کاملاً استقرار یافت و تثبیت گردید .

ارتباطهای رادیوئی برقرار، رادیوهای BBC و رادیوی الجزیره تنها به پخش اخبار اکتفا نمیکردند بلکه راهنمایی‌ها و گفتارهای شورانگیز و حتی کلمه شناسائی (اسم عبور) راضیمن بر نامه‌های خود گنجانده بودند. (پیامهای خصوصی) اشخاص دارای مانع خاصی بود که فقط برای مخاطب قابل تشخیص بود. و همین پیام‌ها بودند که، ارسال اسلحه، شروع باحذف بعضی عملیات، فرار سیدن یک موعد مشخص و یا بسیج واقعی را اعلام میداشتند. از اول دسامبر ۱۹۴۳ تعداد ۳۲ پست فرستنده رادیوئی تأسیس گردید، کلیه عملیات و وظائفی که به سرویس‌های منظم محول میگردید بصورت یکنواخت و استاندارد درآمد، نه آنند: خلاصه مشخصات و طرز فرود آمدن هواپیماهای معمولی و

۱ - Pyrénées - رشته جبال بین فرانسه و اسپانی که خیلی سرسخت و جنگل دار و تقریباً بطول ۵۰ کیلو متر میباشد X

هواپیماهای (لیزاندر - ۱) ، ترتیب پرتاب چتر بازها و وسائل از هواپیماها ، و همچنین دستوراتی که اختصاص بگروههایی داشت که وسائل پرتاب شده از هواپیماهارادیافت میکردند ، وظایف و طرز کار مأمور علامت گذاری زمین برای پرتاب چتر باز ، و بالاخره ارتباط با هواپیما بو سیله بی سیمهای مخصوص و غیره ، همه این دستورات و آموزش ها بصورت جامع و فرم های مخصوصی درآمد .

در سال ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ سازمانهای (اجرائیات عملیات سری SOE - ۲) و (دفتر مرکزی اطلاعات و عمل - ۳) در لندن بوجود آمدند . این سازمانها جمعاً ۸۶۵۱ چتر فرود را در این مدت تهیه و از هواپرتاب کردند - که ۵۶۳۴ عدد آنها بدست مبارزان مخفی افتاد و این تعداد چتر شامل ۸۶۸ نفر مأمورین چتر باز ۸۵۴۶ تن وسائل مختلف بود .

« شبکه های نجات فراریان ، خلبانهای را که در حین انجام « مأموریت هواپیمای آنها سقوط و خود با چتر فرود می آمدند سریعاً از « راه دریا و گاهی بو سیله هواپیما و اغلب از راه کوههای پیرنه » « دو باره بکشود خود شان باز میگردانند .»

« یکی از این موارد در شهر (لاند - ۴) بود : کسانی »

۱ - Lysander - نوعی هواپیمای انگلیسی که مخصوصاً برای فرود آمدن بطور مخفی و کمک به سازمانهای مقاومت ساخته شده بود . ×

Secret operations Executive - ۲

BCRA - ۳

۴ - T andes - منطقه ای در جنوب غربی فرانسه بین کوههای پیرنه واقیا نوس اطلس و شهری هم بهمین نام وجود دارد .

« را که میخواستند فرار دهند در داخل یک گاری سیاه رنگ «
 « متوفیات بشکل یک مرد (کرولال) میخواباندند، راننده گاری»
 « که دلقلک ورزیده‌ای بود با حالت غم انگیزی در محل خود »
 « قرار میگرفت، گاهی اتفاق میافتد که این فراریان در اسپانیا »
 « گیر افتد و بجای رسیدن بوطن خود بدینختانه در راه جبل »
 « الطارق به بازداشتگاه (میراندا—۱) هدایت میشدند.

« قریب صد شبکه‌اطلاعاتی شب و روز بطور منظم کار کرده »
 « گزارش‌های لازم را درباره : موقعیت نقاط مورد نظر، اسلحه »
 « و استعداد واحدهای آلمانی، یا محل استقرار واحدهای هوائی، »
 « پایگاههای دریائی نقل و انتقال واحدها، استحکامات ساحلی، »
 « روحیه اشغالگران و مردم فرانسه را مرتبه مخابره هینمودند »
 « معمولا در یک زاحیه بنا به اهمیت آن چندین شبکه مخابراتی »
 « تشکیل شده بود، که از وجود یک گریگر بی اطلاع بودند، و نمیدانستند »
 « که : مطلبی را که یکی از آنها مخابره میکنند ممکن است از »
 « لحظ رقابت، شبکه دیگر بخود نسبت دهد یا هملا بتواند »
 « افتخار کشف اولین سکوب پرتا بعب پرنده ۱—V را برای »
 « خود کسب نماید . در ماه ژوئیه ۱۹۴۴ روزانه بیش از »
 « ۷۰ تلگرام فقط برای هدایت عملیات نظامی بوسیله این شبکه‌ها »
 « مخابره هیشد . بهمان نسبتی که ارتش متفقین بطرف شرق بیش »
 « هیفت شبکه‌ها هم طوری تغییر مکان میدادند که بتوانند در »
 « پشت خطوط آلمانها قرار گرفته و کسب اطلاع نمایند »

شايد بتوان گفت که در نهضت مقاومت فرانسه مطبوعات
 ذير زميني بيش از هر چيز ديجري توanstند استقامت و شهامت

خود را نشان داده، تحت هزار ان عنوان های مختلف منتشر گردند - ۱۰ کشش و تمایل افکار عمومی در این موقع از لحاظ مبارزات مخفی بطرف عناصر دست چپ کمونیست و سوسیالیست بود. اکثر محاافل مختلف، مخصوصاً از موقعيت (جبهه ملی) سلسله مطبوعاتی را بعنوان تعاون و همکاری کارگران کارخانه ها و طبقات روشنفکر منتشر نمود، تحت تأثیر چپی ها قرار گرفتند. یکی از این روزنامه ها بنام (دفاع از فرانسه - ۲) که ابتدا در ژانویه ۱۹۴۱ فقط بشکل یک تراکت پلی کپی شده منتشر میگردید در سال ۱۹۴۲ با ۲۰۰۰ نسخه و در سال ۱۹۴۴ در ۱۰۰۰۰ نسخه پخش میشد و دارای شش کارگاه چاپخانه بود. جنگجویان پارتیزانی (ماکی) و (نیروهای داخلی فرانسه - FFI) برای خود روزنامه ها و شبکه های مخصوص اطلاعاتی داشتند که حتی پس از (نجات میهن) باز هم کوشیدند که بچاپ روزنامه های خود ادامه دهند.

اضافه بر روزنامه ها و تراکت های مختلف سازمانهای مبارزات مخفی، جزو های ادبی یا جزو های مخصوص بحث و بررسی سیاسی هم چاپ و منتشر می نمود.

یکی از مؤسسات مخفی و مهم نشر کتاب، سلسله انتشاراتی بنام (نشریات نیمه شب - ۳) بود که مجموعه های جالبی را بطرز بسیار دقیق از نوشه های (موریاک - ۴) و (اراگون - ۵) وغیره را

۱ - همین مطبوعات در مناطق مختلف کشور نیز منتشر می شد.

Defense de la France - ۲ - Edition de minuit - ۳

۴ - فرانسو اموریاک نویسنده مشهور فرانسوی عضو آکادمی که اکنون در قید حیات است. ×

۵ - Aragon - نویسنده دیگر فرانسوی

چاپ و منتشر نینمود، که از میان آن‌ها کتاب (خاموشی دریا - ۱) که بنام مستعار (ورکور - ۲) انتشار یافت موفقیت قابل توجهی برای نویسنده اش کسب نموده بطوریکه در سال ۱۹۴۴ مجموع مطبوعات زیرزمینی به دو ملیون نسخه در ماه رسید. بین این مطبوعات اتحاد و همبستگی کامل وجود داشته‌استمناً طرحی را برای واگذاری و تغییر وضع کلیه مؤسسات خود برای روزهای پس از (نجات میهن) تهیه و تصویب نموده بودند.

مجموعه این نوشهای ادبی، افکار و نظرات را تحریک می‌کرد. این ادبیات شامل موضوعات مختلف بوده، همه مسائل را در معرض افکار عمومی قرار نمیدادند. از لحظه‌ای که احساس شد (روز آزادی) نزدیک می‌گردد تهیه و بررسی طرحهای حکومت پارلمانی روبه از دیاد گذارد. مطبوعات زیرزمینی (که از لحاظ مسائل و نکات اختلاف داشتند) نقش بزرگی ایفا نمودند در این موقع افکار عمومی یکدل و یکنر با مقاومت کرده، نسبت به دو گل ابر ازوفاداری و اعتماد نموده تقاضای مجازات کسانی را که بادشمن اهمکاری کرده بودند، نینمودند. این مطبوعات برگشت بطور ساده به حکومت دمو کراسی جمهوری

Silence de la mer - ۱

Vercors - ۲ - ورکور نام مستعار یکی از مشهورترین

مبارزان مخفی فرانسه بنام (زان برول) است که نوشهای او در زمان جنگ شهرت جهانی دارد و کتاب خاموشی دریایی او وسیله مرجعی دکتر شهید دورانی بنحو دلپذیری بفارسی ترجمه شده است. کتاب دیگری از او بنام اسلحه پنهانی بفارسی برگردانده شده است. X

سوم را رد کرده خواستار یک رفورم اقتصادی و اجتماعی و مخصوصاً یک انقلاب سیاسی بودند.

* * *

باید دانست که سهم کمونیست ها در تشدید و افزایش مبارزات مخفی بیش از سایر مبارزان بود - آنها در حالی که سرپوشی روی کلیه هدف های سیاسی خود گذارده بودند، دائمآ و بطور یک نواخت لزوم یک اتحاد استوار و وسیعی را توصیه و تأکید مینمودند، واژاین راه توجه توده مردم زادر حالی که مطالبه حقوق وزندگی مادی را با مسئله فعالیت مبارزان مخفی مخلوط مینمودند، بخود جلب میکردند . آنها اعمال مستقیم و یک پارچه مردم را بین طریق میستودند که: «دهقان محصول خود را به اشغالگر نداده و پارتیزانهای (ماکی ها) را تدارک میکرد، کارگر برای جلوگیری از افزایش تولید، خرابکاری میکرد و از رفتنهای کارگردن در آلمان خودداری نموده است . کارمند اداری مدارک قابل استفاده برای دشمن را از بین میبرد ، مدیر مؤسسه و بنگاه هر تبا از اشغالگر نان میخواست، . کمونیست ها برای مطالبه حقوق طبقات مختلف ، اعتصابهای بزرگی برآمدند که تبدیل به تظاهرات سیاسی و اجتماعی توده مردم میشد ، در این تظاهرات ابتدا قطعنامه های مربوط به کمبود مواد غذائی صادر و سپس تبدیل به غریبو و فریاد مردم علیه اشغالگر میشد. گروههای ضربت کمونیست هادر شهرها ، نظامیان منفرد

دشمن را ترور میکردند و دشمن هم با بازداشت های دسته جمعی و تیر باران کردن گروگانها باین عمل پاسخ میداد که این عمل باز هم موجب خشم و کینه بیشتر ملت میگردید . کمونیست ها به سیاست و تاکتیک احتیاط آمیزی که وسیله متفقین توصیه میشد شدیداً اعتراض و میگفتند که افراد غیر فعالی که روحیه خود را بر اساس این توصیه ها فاسد نموده و رزیدگی در پیکار را از دست دهند ، در روز (آزادی) و روز (ر) لایق پاداش بزرگی نخواهند یود ، بدین نحو هر چند مقاومت - آشکارا تجزیه نشد ولی اختلاف و خصوصیت بین (حکومت الجزیره) و (مبارزان مخفی) برای در دست گرفتن قدرت ظاهر گردید ، در سازمانها و اداراتی که در اشغال کمونیست ها بود بتدريج اهرم فرمان بدست کميسیونهای مختلف (CNR-۱) افتاد (۲) . پارتیزانهای (ماکی) در اولین فرصت در معرض تصادم و ضربت دشمن قرار گرفتند ، بواسطه کمبود کار گر برای کارهای دستی ، آلمانها برای حفاظ ظاهر سازمانی بنام (اداره کار اجباری) تشکیل دادند که کار گر اجباری جمع آوری ، میکرد این عمل جوانان و کار گران را در معرض تهدید و خطر قرارداده اکثر آنها از رفتن به آلمان خودداری و خود را در کوهستانها و دهات مخفی نمودند . این عمل گرچه موجب شد سازمانهای مقاومت در مقابل مسئله جدید و پیش بینی نشده ای قرار گیرند ، که عبارت از تهیه مدارک جعلی ، لباس ، غذا و اسلحه برای این اشخاص بود ، اما در عوض عده زیادی از مردان را به صفو

۱ - کمیته های مقاومت ملی

- ۲ - پس از مرگ ژان مولن ریاست سازمان مزبور به G.Bidaut واگذار شد .

مقاؤمت مثبت ملحق نمود. این اشخاص ابتدا بیک پناهگاه احتیاج داشتند که بهتر از همه جنگل‌های کوهستانی بود و در مرحله بعد میباشد شجاعت و لیاقت خود را در بوته آزمایش (ارتشر نجات) بروزدند. متفقین چندان راغب نبودند که برای این طبقه مبارزان، اسلحه بفرستند زیرا بیم از آن داشتند که بیک سلسله عملیات تصادفی و هم‌آهنگ نشده مباردت نموده و یا انقلاب و اغتشاشی بوجود آورند. ولی پارتبیز‌انها و (فرانک‌تیرورها) با استفاده از تاکتیک کمونیست‌ها مرتبأ ضرب‌شسته‌های بموضع بر آلمانها وارد میکردند، آلمانها هم‌جواب این اعمال را با آتش زدن مزارع و تیرباران کردن افراد میدادند.

بالاخره بتدریج منطقه عمل پارتبیز‌انها (ماکی)، محدود به (ژورا - ۱)، آلب (ماسیف - ۲) گردید. در فوریه ۱۹۴۴ در دشت (گالییر - ۳) در (ساواوا) رزم‌های نامساوی سختی بین آلمانها و آنها در گرفت که قریب ۲۰۰ نفر از افراد (ماکی) کشته یا اسیر شدند. از فوریه ۱۹۴۴ تا مارس همان‌سال آلمانها حملات زیادی علیه (ماکی)‌ها در (ان - ۴) نمودند، و بعد رزم‌های دیگری در (کورز - ۵) و (آریش - ۶) و (گارد - ۷) عمل آمد پارتبیز‌انها

- ۱ - Jura - دشت‌های کوهی بین فرانسه و سوئیس ×

- ۲ - Massif - دشت هر کزی فرانسه که دارای ارتفاعات

مختلف است ×

- ۳ - Galière

- ۴ - Ain - ظاهرآ در اثر اشغال شهر Oyonnax این حملات

قبل اکشاف شده بود .

- ۵ - Corrèze

- ۶ - Ariège

- ۷ - Gard - (برای بررسی بیشتر این نقاط با یستی به نقشه فرانسه

مراجعه شود) ×

با اطلاع از پیاده شدن متفقین در نرماندی هزاران نفر از افراد خود را از گوشه‌های مختلف فر اخوانده و با تصور اینکه دشمن در آنجا نیروهای مهمی دارد، دور (ورکور) و (مونموشه - ۱) جمع شدند. سر و صدای این عمل در همه جا پیچید و لی طرز عمل منتهی به فرار و کشتار دسته جمعی پار تیزانهای (ماکی) گردید. در داخل حکومت موقتی فرانسه در الجزیره، وزرای کمونیست همکاران نظامی و سرویس‌های مخصوص را مذمت و ملامت می‌کردند که چرا نتوانستند باندازه کافی در حفظ و نگاهداری پار تیزانهای (ماکی) دقت و مراقبت نمایند، و دائمیاً یک دیگر را هم مینمودند، تا اینکه بالاخره قطع مذاکرات و بحث‌ها مسئله صحت یا عدم صحت اتهامات را منتفی نمود.

* * *

وقتی که روز (آزادی و نجات) نزدیک شد این دفعه سازمان مقاومت مبارزه را علیه متفقین آغاز نمود و حکومت موقت در الجزیره بصورت یک قدرت واقعی مورد قبول واقع گردید. دوارتش فرانسوی دردو مورد عملیات پیاده شدن متفقین، شرکت کرده، واژمه بالاتر در بهار ۱۹۴۴ کلیه واحدهای مبارزات مخفی بنام (نیروهای داخلی فرانسه - FFI) تحت فرماندهی

ژنرال (کونیگ - ۱) قرار گرفتند، در حالی که ژنرال مزبور سرویس های مخصوص (اجرائیات عملیات سری - ۲) و (اداره خدمات استراتژی - ۳) مأمور فرانسه رانیز در اختیار خود داشت. ضمناً نود گروه که هر گروه مرکب از ۳ افسر بود بنام (جادبارگ - ۴) برای تشکیل کادر سازمانهای مبارزات مخفی با چتر فرود آمدند. مقاومت فرانسه از آن پس سهم خود را در پیکارهای نجات مبهمن بعده گرفت ولی ازلحظ سیاسی هنوز با پیدا کردن راه حل فاصله زیادی داشت.

« مقاومت فرانسه نشان داد که میتواند چیزی بالاتر از « یک « کمک » باشد. تشکیل یک گردان چتر باز فرانسوی » « در انگلستان باعث شد که گردان مزبور هنگام عملیات نفوذی » « امریکائی هادر (آورانش - ۵) یک لشگر یک آلمانی را که برای آنها، « اهمیت حیاتی داشت مجبور بفرار بطرف (برست) و بلا استفاده » « نماید، و همین گردان با خرابکاری هائی که در راه آهن ایجاد » « و مزاحمت هائی که در طول راهها بزرای ستونهای آلمانی فراهم » « آورد، موجب گردید که نیروهای تقویتی آلمان خیلی دین و » « بسختی خود را به نرماندی برسانند. (نیروهای داخلی »

۱ - Koenig - ژنرال فرانسوی که در بشر الحکیم شمال

افریقا فتوحات درخشنانی نمود و فرمی ندهی نیروهای داخلی فرانسه FFT را بعده داشت

SoE - ۲

Oss - ۳

Jedburgh - ۴

۵ - Avranches - ناحیه ای در کنار دریای ماش که هنگام

پیاده شدن متفقین در نرماندی صحنه عملیات بود X

« فرانسه) در همه جا واحدهای متفقین را هدایت و برای آنها « وظیفه عملیات اکتشافی را انجام داده و بعضی اوقات مانند واحدهای « پیاده نظام کارمیگردند ، اسیران جنگی را نگاهداری در « عقبه قوای متفقین نظم و ترتیب را ایجاد و حفظ مینمودند، و گاهی « با اجرای عملیات جلو داری بابتکار خود بعضی از شهرها را آزاد « هیئتکردن. در پاریس اعتصاب کارکنان راه آهن و بدنبال آن قیام « پلیس مقدمه یک شورش مسلحانه بود و این موضوع نگرانی حکومت « فرانسه را فراهم آورد و بود زیرا میترسیدند که شورش پاریس به آن « شود تا متفقین اداره شهر پاریس را بدست گیرند ولی (کمیته نجات « پاریس) که اکثریت اعضاء آن کمونیست‌ها بودند ، قبل از آنکه « از حکومت وقت اجازه بگیرند ، دستور و علامت شروع قیام را « صادر کردند بودند در نتیجه امنیت‌ها که برای تعقیب دشمن در صدد « دور زدن پاریس بودند ، صلاح را در این دیدند که به شورشیان « هتکی گردند . »

« در جنوب غرب پاریس لشکر (Das Reich - ۱) مجبور بود « که ضمن عقب نشینی اقدام به حملات متقابل نیز بنماید ، « ستون زنرال (الستر - ۲) که فوق العاده قوی و دارای بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر افراد بود ، ناچارش در (ایسودون - ۳) تسلیم گردد، و این « تسلیم گرچه در مقابل (ارتشد داخلی فرانسه) نبود اما در اثر « عملیات و فشار ارتشد هنوز بورانجام گردید . این (ارتشد داخلی) « فرانسه) بود که شهرستانهای مرکز منطقه آلب و (ماسیف - ۴) را « نجات واده و آزادی بخشید و باز همین ارتشد بود که قسمت عمده « آن در منز ایتالیا جنگیده مأموریت پاک کردن پیش رفتگی «

Das Reich - ۱

Elster - ۲

Issoudoun - ۳ - یکی از شهرهای مرکزی فرانسه

« (آتلانتیک) را از وجود دشمن بخوبی انجام داد ، و باز عده « زیادی از همین ارتش داخلی فرانسه بود که بار اش بکمژنال (دولاتر) « دو تاسینی - ۱) مخلوط شده بود . این نهاد همچنون کمک های را که بدین « تن تیب و سیله (ارتش داخلی فرانسه) بعمل آمده در حرب دار زش عملیات » ۱۵ نسل بر آورده نموده است . از لحاظ سیاسی هیچیک از طریق های که « برای اداره کردن مستقیم فرانسه وجود داشت عملی نگردید ، » « حکومت وقت که سرانجام متوفیین آنرا بر سمیت شناختند » « پس از ورود بپاریس به سهولت توانست افراد شایسته ای را که « حکومت ویشی در جاهای غیر حساس قرار داده بود در مشاغل مهم » « و حساس بگمارد . و گرچه بین سازمان مقاومت و حکومتی که از « الجزینه آمده بود در چند مورد تصادماتی حاصل شد ولای هیچیک به « وضع تاسف آوری منجر نگردید . در مورد برقراری نظام عمومی اگر « « چه (آزادی و نجات میهن) اغلب باسر کوبی مخالفین و گاهی با « هرج و مرج همراه بود مهueda از بعضی اعدام و کشتارهای انفرادی » « و انتقامهای شخصی هم مصون نماند : تا اینکه در این ضمن اوضاع » « سریعا بحال عادی بر گشت . »

بدین ترتیب نهضت مبارزه مخفی ، با بحق شناختن
یک حکومت بطور ثابت و مداوم ، و با گماردن مردانی
از میان صفوں مبارزان خود در عائی ترین مشاغل ،
از تاریکی و اختفاء بیرون آمد و اداره کامل کشور
را بر عهده گرفت .

فصل پنجم

جنگی های مبارزات مخفی

در اروپای هر کزی و شرقی

« چون رایش سوم سو زمین های متصرفی اروپای شرقی »
« را بچشم مستعمرات (آلمان بزرگ) نگاه میکرد ، بنابراین »
« رفتاری فوق العاده سخت و خشن در آنجا ها داشت (۱) »
« که : جا بجا کردن ملت ها ، منهدم کردن شهرها ، انتقام های »
« کورکوارانه و اعدام های دسته جمعی ، کشتار دسته جمعی ملت های »

۱ - در فرانسه اولین عمل گروگان گرفتن ۱۵ ماه پس از اشغال انجام شد - در صورتیکه در لهستان از اول دسامبر ۱۹۳۹ بدنبال سوءقصد بیک نفر آلمانی ، صدها نفر را در (پالمری) نزدیک ورشو کشتند - و در Kiev روسیه در نوامبر ۱۹۴۱ - ۸۰۰ نفر را اعدام نمودند.

« کامل در اردوگاههای اجباری و سیله اطاقهای گاز ثابت یا »
 « متحرک، از جمله آن اعمال بود. بهمین لحاظهم مبارزات مخفی »
 « این مناطق، صورت یک عمل کفاره نا پذیر و نا بخشدند را »
 « داشت، زیرا تمام مردم در معرض تهدید و خطر بودند و »
 « مقاومت خاصیت اصلی توده‌ای و همکافی خودرا حفظ می‌کرد. »
 « بطور کلی در شرق اروپا سطح زندگی خیلی پائین تر و فرهنگ »
 « کمتر از اروپای غربی توسعه یافته بود ناچار مبارزات مخفی بیشتر »
 « بصورت جنگهای (ماکی‌ها) و جنگهای پارهیزان درآمد تا »
 « بصورت جنگ روانی . »

« این نشانه‌ها و آثار مشخص، باعث شدند که مقاومت در »
 « تمام این کشورها خاطرات تلغی زننده‌ای توام با یک روح ضد »
 « آلمانی شدید بر جای گذاشت. بطور خلاصه مسئله بصورت ساده و صريح »
 « تجلی می‌کرد که : برای زنده ماندن، بجز جنگیدن هیچ »
 « نقش دو پهلوی دیگر ممکن نیست ». مقاومت همچنین صورت »
 « یک موج عمیقی را پیدا کرده بود که می‌خواست شکل و حالت »
 « قبلی همه چیز را بر هم زده یک رژیم سیاسی جدیدی را با »
 « زین بنای اجتماعی کاملانوین، حتی بیشتر از آنکه پس از نجات »
 « این کشورها و سیله ارتش سرخ عمل شد بوجود آورد، »

۹- در چکسلواکی

تاریخ شروع مبارزات مخفی چکسلواکی را میتوان از
 روز ۲۲ اکتبر ۱۹۳۸ که (بنش - ۱) رئیس جمهور از کشور
 خارج شد شخص نمود از همین موقع مردان سیاسی و روشنفکران

کشور اقدام به ایجاد یک (مرکز سیاسی) که بطور منظم با بنش در ارتباط بود ، نمودند. ورود آلمانها در مارس ۱۹۳۹ به پراک، موجد جنبش‌های دیگری شد، در عین حال نهضت مقاومت جدیدی از نظامیان بنام (دفاعی - ۱) تشکیل گردید. این سازمانهای اولیه مبارزات مخفی، روابط خود را با کمونیست‌ها (که از مدتها قبل غیر قانونی شناخته شده بودند) مستحکم نمودند، بدین ترتیب از اول مارس ۱۹۳۹ مقاومت چک‌توانست روی کمک‌های موثر و مثبت دموکراسی غربی حساب کند، واژاول اوت ۱۹۳۹ تماس رادیوئی بین‌سازمان مبارزان مخفی و مهاجرین برقرار گردید.

« اعلان جنگ عمومی امیدهای زیادی را برای چکوسلواکی »
 « بیار آورد ، مردم از خود می‌پرسیدند آیا یک سپاه چک ، با »
 « فرانسویها جنگ خواهد کرد ؟ با وجود اینکه کشتایی از لحظه »
 « پیش گیری هزاران نفر را بازداشت نمود » معهذا در اول « سپتامبر ۱۹۳۹ تظاهرات ملی عظیمی بوقوع پیوست ، و یا در »
 « روز ۳۰ سپتامبر که سالگرد موافقت نامه (موئیخ - ۲) بود »
 « مردم پراک بمنظور اعتراض دست به (اعتصاب تراهاموای) (زدند) »
 « که در نتیجه تمام واگزهای قطارها خالی و بدون مسافر رفت »
 « و آمد هیکردن ، یا روز ۲۸ اکتبر تمام کوچه‌ها با پرچم‌های »
 « رنگی چکوسلواکی مزین گردید ، اعلامهای آلمانها را پاره »

Obrada naroda - ۱

۲ - Munich در ۱۹۳۸ کنفرانسی از نمایندگان آلمان، انگلیس، فرانسه و ایتالیا در شهر مزبور تشکیل و با واگذاری ناحیه سودت چکوسلواکی به آلمان موافقت نمودند - نتیجه این کنفرانس تشجیع آلمان در تجاوزات بعدی و شروع جنگ گردید ×

«کرده در زیر پنجره‌های مقر حاکم آلمانی (فون نورات-۱)»
 «مواد میحترقه منفجر نمودند، در نتیجه عده‌ای مجروح و یک»
 «نفر دانشجو کشته شد، تشییع جنازه این قربانی مورد مناسبی»
 «برای تظاهرات عظیم محصلین گردید.

«آلمانها هم برای مقابله با این تظاهرات از روز ۱۷

«نوامبر ۱۹۳۹ کلیه مدارس بزرگ چکوسلواکی را تعطیل کردند»
 «و در تمام مدت جنگ هم این وضع ادامه داشت.

«هر چند که عده‌ای توانستند خود را به خارج از کشور»
 «برسانندولی سازمان مبارزات مخفی تلاش‌های خود را تنظیم»
 «و از ژانویه ۱۹۴۰ سازمان (مرکن سیاسی) و (کمیته مرکزی)»
 «و یک گروه سندیکائی با هم ترکیب و (کمیته مرکزی مقاومت»
 «داخلی-۲) را بوجود آوردند، نظاهرات ملی، مردم را بیش از»
 «بیش به شور و شوق آورد بطوریکه در بهار ۱۹۴۱ سازمان»
 «مقاومت، شرکت در جشن حمایت (ماتیاس-۳) مقدس را تحریم»
 «و دسته‌جات آلمانی در میدانهای خالی از مردم، مشغول نمایش»
 «و بازی شدند، در ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ در جشن (ونسلس)»
 «مقدس-۴) نیز همین وضع تکرار و یک نفر خریدار برای»
 «مطبوعات وجود نداشت».

Von neurath- ۲

۲ - طبق حروف اول زبان چکوسلواکی این سازمان را
 U V O D مینامند که ماهم از این ببعد همین حروف را بکار
 خواهیم برد X

Mathias-۳ - یکی از حواریون مسیح که روز ۲۱ فوریه بنام
 و افتخار اوست X

Saint wenceslas- ۴

کمیته مرکزی مقاومت داخلی (بنام اختصاری UVOD) یک روزنامه بنام (به پیش برای پیکار - ۱) چاپ و منتشر نمود و برای تبلیغات خود روزنامه های پلیسی دیگری تهیه نمینمود که از حوادث کار آگاهی و پلیسی استفاده و اخبار و دستورالعمل های لازم را منتشر نمیکرد. کمیته مزبور بر نامه های سیاسی خود را در یک جزو های تحت عنوان (برای آزادی جمهوری جدید چنگوسلواکی) منتشر نمود.

قسمت عمده فعالیت های این سازمان متوجه کسب و انتشار اطلاعات و اخبار بود. یک گروه مجهز به رادیو بنام (سپارتا - ۲) در سال ۱۹۴۰ موفق شد چندین هزار پیام را به لندن مخابره نماید. اصل این اخبار از یک سر هنر آلمانی که رئیس یکی از شعب سازمان (آبور - ۳) اروپای شرقی بود بدست می امد. در اثر کسب این اخبار بود که کمیته مرکزی مقاومت داخلی (UVOD) موفق شد قبل از سرویس های مخصوص شوروی را از حمله عظیم هیتلری ها مطلع کرده حتی فرودگاه های را که قرار بود در سپتامبر ۲۱ ژوئن ۱۹۴۱ بمباران گردد تعیین نماید، ولی روسها چندان توجهی به این گزارش ها ننمودند. سازمان UVOD همچنین موفق شد ترتیب انهدام یک شبکه جاسوسی آلمان را که در پشت کوه های اورال روسیه مشغول خرابکاری بود، فراهم نماید. افراد چک که در ارتش آلمان استخدام شده بودند ترتیب خرابکاری هارا حتی در داخله آلمان مانند انهدام راه آهن (انهالت - ۴)

Au combat - ۱

Sparta - ۲

Abwehr - ۳

Anhalt - ۴

در برلن نیز هیدادند. حتی حادثه معروف گذاردن بمب در یک آبجو فروشی شهر مونیخ در روزی که قرار بود هیتلر در آنجا سخنرانی نماید به اقدامات این سازمان (UVOD) نسبت داده شده است.

« کلیه این اعمال مبارزان مخفی، با وجود یاس و ناامیدی »
 « مبهمی که از شکست فرانسه بوجود آمد و با وجود اعدامهاو »
 « بازداشت‌های متواتی گشتاپو معهذا داده داشت. ولی تا هنگامی »
 « که آلمان بر سینه اعلان جنگ داد سازمان‌های مبارزان مخفی »
 « چکوسلواکی بدین شرح تقسیم و از هم جدا بودند: کمونیست‌ها »
 « که شدیداً به رئیس جمهور (بنش) حمله می‌کردند، در یکی »
 « از تراکت‌ها که در اکتبر ۱۹۴۰ پخش شد در واقع او را متهم »
 « می‌کردند که (سرمايه‌داران نیرومند، استعمارگران انگلیسی را »
 « در پیکارهای پلیدشان کمک می‌کنند). در حالیکه حکومت موقتی »
 « چکوسلواکی هم در لندن مشغول مذاکره با لهستان بود تا »
 « بتواند یک فدراسیون لهستان و چک، بمنظور جلوگیری از »
 « توسعه نفوذ‌شوری‌ها بطرف غرب در آینده تشکیل دهند. »

هجوم هیتلر به روسیه شوروی قبل از هرجای دیگر وضع چکوسلواکی را روشن کرد. از ۱۸ ژوئیه ۱۹۴۱ روسیه‌شوری حکومت تبعید شده چک را برسمیت شناخته خود را متعهد و ملزم به اعاده حقوق تمامیت ملت چک نمود. کمونیست‌ها در اوت ۱۹۴۱ در (بوهم - ۱) یک (کمیته انتقامی) تشکیل دادند که اتحاد و همبستگی تمام ملت را علیه اشغالگران توصیه و تأکید مینمود.

— ۲ Bohême — مهمترین قسمت چکوسلواکی که پراک پایتخت کشور در آن واقع است X

ولی بعدها مبارزه دردو جبهه برعلیه اشغالگر آغاز شد: در غرب داوطلبان چک در نبردهای متفقین در اروپا و افریقا شرکت نمودند و مرتبأً مأمورین ازلندن با چتر در خاک چکوسلواکی فرود میآمدند. در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۴۲ دونفر از این مأمورین، فرماندار آلمانی بنام (ر. هایدریک - ۱) را ظاهر برخلاف عقیده سازمان مبارزه مخفی کشتند، در نتیجه فشار و سختگیری اشغالگران و حشتناک شد، قصبه‌های (لیدیس - ۲) و (لزاکی - ۳) منهدم و ساکنین آنها قتل عام شدند، ده هزار نفر در (بوهم) بازداشت شدند که هزار نفر آنها جزو سازمان مبارزات مخفی بودند. سازمان UVOD (با وجود این پرستهای شدید آشکارا قیام نکرد بلکه با صورت بندی‌های کوچک بدون اینکه زیاد باهم ارتباط داشته باشند و بدون داشتن اسلحه بیحیات خود آدامه داده طبق تاکتیک انگلوساکسونها از اقدام به اعمال پیش از همکن، و شاید قطعی بود در همان مرحله اول منجر به کشتن دسته جمعی مقاومت کنندگان گردد احتراز مینمود.

اما در شرق با حفظ ارتباط منطقی و صحیح به تناسب پیشرفت‌های ارتش سرخ بطرف غرب، سازمان مقاومت، ابتدا با اطاعت از کمونیست‌ها شروع به جنگ‌های پارتیزانی نمود. روسیه شوروی خود نیز یک واحد از افراد چک را تشکیل و مجهز نمود که از اوایل مارس ۱۹۴۳ دوش بدش ارتش سرخ و بعضی از آنها همراه

R. Heydrich - ۱

Lezaky - ۲

Lidice - ۳

واحدهای پارتیزان روسی پیکار میکردند (۱). در صفو و احدهای چکوسلواکی که دولت دست نشانده آلمان برای شرکت در عملیات روسیه اقدام به بسیج کرده بود چندین مرتبه این واحدهای ادامه عملیات و اطاعت از حکومت دست برداشتند، بطوریکه حتی در اکتبر ۱۹۴۳ یک لشکر کامل چکوسلواکی سراز اطاعت باز زده و بروسهها ملحق شد. هنگامی که ارتش سرخ به نزدیکی کوههای (کارپات - ۲) رسید، سپاه چکوسلواکی که دوش بدوش آنها میجنگید بسیار قوی و متجاوز از ۶۰۰۰ نفر بود.

از اوایل سال ۱۹۴۳ جنگ پارتیزانها در اسلواکی شرقی شروع شد (۱) و در سال ۱۹۴۴ کمک روسها بانان رو بازدید نهاد، بطوریکه در ماه ژوئیه همان سال ۲۴ گروه مخصوص برای تکمیل کادر بوسیله چتر نجات در میان پارتیزانها (ماکیها) فرود آمدند، و در ماه اوت در سرتاسر اسلواکی یک قیام واقعی ظاهر شد. (کمیتههای ملی) درده کدها و کارخانهها املاک مالکان بزرگ را ملی کرده اموال کسانی را که با آلمانها همکاری نموده بودند ضبط و مصادر کردند. در ماه اکتبر آلمانها در جبهه جنگ اقدام بیک تعرض متقابل نمودند و این موضوع باعث شد که پارتیزانها به کوهستانها پناه برند. آلمانها در این عملیات

۱ - سروان Nalepka، در نبردی که در شهر Ovroutch انجام شد کشته و عنوان قهرمان اتحاد شوروی را دریافت کرد.

۲ - Karpate - رشته جبال مهم در اروپای مرکزی ×
۱ - صدها نفر از فرانسویان اسیان جنگی از زندانها فرار کرده خود را از هنگری بدانجا رسانده و دوش بدوش پارتیزانها تجهیز فرماده سروان Lannurien میجنگیدند.

۶۰ دهکده را آتش زده، هزاران نفر را قتل و عام نمودند. بالاخره در اوخر ۱۹۴۴ ارتش سرخ وارد اسلواکی شد.

اما در منطقه (بوهم) پیکار پارتیزانها تا بهار ۱۹۴۵ عملات آغاز نگردید. در ماه آوریل یک (شورای ملی چک) در بوهم برای هم آهنگ شاختن مبارزات بوجود آمد. در اوائل ماه مه در چندین شهر منجمله در بر اک شورش و قیام ظاهر شد. در شب ۵ به ۶ ماه مه در شهر پراک هزاران سنگر برپا شد، ۳۰۰۰۰ نفر در جنگ شرکت نمودند و این پیکار تاروز ۹ ماه مه که ارتش سرخ وارد آنجاشد ادامه یافت. در این موقع یعنی از پنجم ماه مه، آمریکائی‌ها در (بوهم) غربی متوقف و طبق موافقت قبلی دیگر به پیش روی خود بطرف غرب ادامه نمیدادند.

« رئیس جمهور (بنش) با توجه کامل به سهم بزرگی که « روسیه شوروی در نجات چکوسلواکی داشت در دسامبر ۱۹۴۵ « بمسکو رفت تا یک قرارداد دوستی و کمک متقابله بین دو کشور» « امضاعماً ید، وی همچنین میکوشید که زمینه همکاری با کمو نیست ها» « را نیز فراماید. طبق قراردادی که در ۸ ماه مه ۱۹۴۴ در « لندن امضاء شده موافقت شد بود که پس از ورود ارتش سرخ به « چکوسلواکی اداره امور کشور بعده مقامات داخلی کشور « و اگذار گردد. در ماه مارس ۱۹۴۵ طبق یک موافقت دیگری « که در مسکو بامضاع رسید سازمانهای (کمیته ملی اسلواک) و « سایر (کمیته های ملی) مانند ارگانهای اصلی دولت شناخته شده» « تعدادی از کمونیست ها جزء اعضاء دولت جدید چکوسلواکی « گردیدند»

۳- دریونان

« مبارزات مخفی یونان در واقع کاملاً قبل از شروع جنگ »
 « یعنی از اول سال ۱۹۳۶ که حکومت دیکتا توری (متاگزاس-۱) را روی کار آمد، آغاز گردید. از زانویه ۱۹۳۷ یک دسته از نهضت « طلبان موفق شدند نمایندگان تمام احزاب سیاسی منجمله سلطنت »
 « طلبان و کمونیست ها را تحت رهبری یک نفر لیبرال بنام « Sofoulis-۲ مجتمع نماید. دسته دیگری نمایندگان « جنبش‌های جوانان را متحد نمود و سومین سازمان از افسران جمهوری »
 « خواه تشکیل و توانست با کمیته ضد دیکتا توری که در یاریس « Plastiras-۳ تشکیل شده بودار تباطط برقرار » نماید. از اول بهار ۱۹۳۸ بطور کلی کلمه مقاومت برای نشان « دادن مخالفت با حکومت دیکتا توری بکار میرفت. »

« حمله موسولینی به یونان در یائیز ۱۹۴۰ وضع را « عوض کرد، (متاگزاس) بجای آنکه در مقابله با اتمام حجت ایتالیا « مقابله شدیدی از خود نشان دهد یک حالت عادی بخود گرفت، در نتیجه یک وضع بسیج عمومی ملی، توام با روح اتحادی مقدس، در میان « تو ده مردم خود بخود بوجود آمد که هنوز قیت‌های غیرمنتظره ارتشی هادر »
 « جبهه‌های جنگ آن اتحاد را تشبیت و مستحکم تر نمود. »
 « ولی حمله آلمانها به یونان و پیشرفت سریع آنها تمام »
 « کشور را در یک بی‌نظمی و هرج و مر ج غوطه‌ور ساخت. از یک طرف »
 « شاه یونان و دولت وی که همیشه با دیکتا توری حکومت کرده »
 « بود در ۲۳ آوریل ۱۹۴۱ یونان را بقصد قاهره ترک گفتند و « هیچ‌گونه سازمانی برای حفظ اتحاد ملی در یونان باقی نگذاردند »

Metaxas - ۱

Sofoulis - ۲

Plastiras - ۳

« در شهر آتن از يك عده ژنرال که معتقد بودند (محور، جنگ را) « خواهد برد) دولتی نشکنيل داده شد ، و کشوز مصيبة زده زير» « تسلط و اشغال دولت های مختلفی در آمد که اين خودزمینه تجزیه « بعدی آن بود .

در اين موقع مراکز مقاومت در کوهستانها ايجاد و بكار خودداده مياد. اين مقاومت ها بواسطه نبودن راه در منطقه کوهستانی وضع مناسبی داشتند از سلاحها و مهماتی که قبل و احدهای نظامی مخفی کرده بودند استفاده ميبرند و با سختی و مشقت ، خوب یا بد ، بدون اطلاع دولت آزاد ، بحیث خودداده ميدادند ، دو سازمان جنبش مخفی شعباتی برای خود ايجاد کرده بودند (۱) يکی اتحاد احزاب دموکرات بنام (ELAS) که در آن کمونیستها با وجود اينکه در اقلیت بودند ولی نقش اصلی اداره آنرا بعهده داشتند ، دیگری سازمان EDES که تحت فرماندهی ژنرال (Zervas - ۱) قرار داشت. اما هيچیک از اين دو سازمان موفق نشدند تمام مقاومت ها و دهها دسته جات کوچکی را که وضع ناپايداري داشتند مانند دسته ژنرال (Saraphis - ۳) یا دسته سر هنگ (Psaros - ۴) بنام گروه (Ekka) در شهر (پارناس - ۵) و غيره را ، باهم متعدد وهم آهناز نمایند . اکثر اين گروهها نسبت بهم رقباي سخت و بي رحمى بودند . و در عين حال همگي نسبت

۱ - اين دونهضت از سپتمبر ۱۹۴۱ وجود خود را ظاهر و علنی نمودند .

Zervas - ۲

Saraphis - ۳

Psaros - ۴

Parnasse - ۵

به حکومت سلطنتی دارای احساسات خصمانه و قصد ایجاد یک حکومت جمهوری را در یونان ابراز مینمودند. در آتن یک سازمانی از افسران سلطنت طلب وجود داشت که گرچه با دولت یونان در قاهره مربوط بود ولی چندان فعالیتی نداشت.

قبل از آنکه واحدهای انگلیسی یونان را ترک و سوار کشتب بشوند، سرویس‌های مخصوص آنها موفق شده بود چند پست فرستنده در یونان مستقر نماید که این پست‌ها بین سازمان SOE و قرارگاه متفقین در قاهره موفق با ایجاد ارتباط سریع گردیدند. همچنین انگلیس‌ها در اول اکتبر ۱۹۴۲ دوازده نفر چتر باز رادر یونان فرود آوردند که این ۱۲ نفر توانستند پارتیزانهای ELAS و EDES را متعدد نموده، در ۲۵ نوامبر ۱۹۴۵ پلی را که در روی دره (گورکوپوتاموز-۱) آتن را به سالونیک وصل مینمود منفجر و در نتیجه قسمت مهمی از نیروهای کمکی آلمان هارا که برای (سپاه افريقيائی آلمان DAK) فرستاده می‌شد متوقف و دچار وحشت سازند و در همین موقع بود که ارش سوم انگلیس توانست یک تعرض موقتی آمیز علیه آلمانها در لیبی اجرا نماید. اما مثل اینکه مقدر نبود دیگر چنین همکاری بین سازمان‌های ELAS و EDES تجدید گردد.

در تابستان ۱۹۴۳ قبل از آنکه نیروهای متفقین در جزیره Sicile (سیسیل-۲) پیاده شوند، مأمورین انگلستان در یونان بنا به طرحی که داشتند وظائفی در مرور دخرا بکاری راه آهن‌ها و پل‌ها به سازمان‌های

Gorgo-potamos - ۱

۱ - Sicile - حمله متفقین به این جزیره برای تهییه سرپل عظیمی بمنظور جنگ و تصرف ایتالیا بود X

مقاآمت و اگذار کردند تا آلمانها تصور کنند که متفقین قریباً در یونان پیاده خواهند شد: و این عملیات باعث شد یک لشکر زرهی آلمان مدتها در جزایر (پوله پونز-۲) بلااستفاده، عاطل و وباطل بماند. اما این موقیت‌های مقاآمت یک برادرکشی‌های بی‌رحمانه‌ای را نیز در پی داشت چنان‌که در اوایل ۱۹۴۳ سازمان ELAS به گروههای ژنرال (سارافیس) و سرهنگ (پساروس) حمله و آنها را متلاشی وسعتی کرد که سازمان EDES را از بین پردولنی موفق نگردید - نمایندگان بریتانیا نسبت باین عمل سازمان مزبور بود عکس العمل شدیدی نشان دادند و در نتیجه آنرا مجبور و متعهد نمودند که از فرماندهی قرارگاه کل متفقین در قاهره اطاعت نموده استقلال سایر گروههای مقاومت را محترم شمارد.

در ماه اوت ۱۹۴۳ حوادث تاسف انگیز جدیدی روی داد، قرارگاه کل نیروهای متفقین در قاهره که بعداً پی به اهمیت سازمان ELAS برده بود چند نفر از روسای سازمان مزبور را از یک فرودگاه موقتی در کوهستان‌ها بوسیله هواپیما به قاهره آورد. درخواست‌های این عده عبارت از این بود که او لا نمایندگان مقاآمت در دولت پادشاه یونان (ژرژ) شرکت داشته، ثانیاً شاه متعهد گردد که پس از آزاد شدن کشور به یونان باز نگردد مگر پس از مراجعه به آراء عمومی و تعیین سرنوشت حکومت سلطنتی از طرف ملت، سازمان SOE نسبت به این خواسته‌ها نظر مساعد داشت اما وزارت خارجه انگلستان و شخص چرچیل بشدت آنرا رد نمودند. در نتیجه رئسای سازمان ELAS که سخت خشمگین شده بودند پس از مراجعت به یونان در سپتامبر ۱۹۴۳ شروع

به حملات جدیدی به سایر سازمانهای مقاومت نموده باستثنای سازمان سرهنگ (پساروس) که خیلی باحتیاط خود را طرفدار ELAS نشان میداد، سایر سازمانها را یکی پس از دیگری متلاشی کردند و فقط سازمان EDES که تحت حمایت نمایندگی بریتانیا بود توانست بحیات خود ادامه دهد. نتیجه این حوادث دومین جنگ داخلی بین مبارزان مخفی خیلی واضح بود: از یک طرف افراد بی میلی عمومی نسبت به این سازمانها افزایش یافته از طرف دیگر تشکیل (گردانهای امنیت) بوسیله دولت دست نشانده آلمان، برای جنگ علیه گریلاها تسهیل و اسان گردید.

تا چند ماه یک آشتی و صلح نیم بین سازمانهای مقاومت وجود داشت ولی در بهار ۱۹۴۴ ناگهان سازمان ELAS دوباره حملات خود را آغاز کرد. این دفعه سرهنگ (پساروس) کشته شد و باقیمانده افراد او به (گردانهای امنیت) دولتی پیوستند. در همان وقت سازمان ELAS در مناطقی که در دست داشت اقدام به تشکیل یک (کمیته ملی آزادی) نمود که اعضاء آن از شخصیت‌های مورد احترام عمومی، خارج از سازمان انتخاب شده بود. هم زمان با این جریان در میان افراد ناؤگان یونان در قاهره شورشی بپا خواست و شاه یونان مجبور شد موضوع مراجعته با آراء عمومی در باره تعیین تکلیف حکومت سلطنتی پس از پایان جنگ را قبول نماید. در ماه ژوئن ۱۹۴۴ بنابراین ابتکار انگلیس‌ها کنفرانسی در لبنان بمنظور تشکیل یک دولت آزاد ائتلافی یونانی برپا گردید که سران کلیه نهضت‌ها و احزاب غیر از کمونیست‌ها همه در آن شرکت داشتند و اگر چه (کمیته نجات ملی) ابتدا نتایج آن کنفرانس را رد نمی‌کرد ولی مسلماً در اثر اقدام نماینده روسها

سازمان ELAS را ضی شدو یکدولت انتلافی مرکب از نمایندگان ELAS و (کمیته ملی آزاد) تشکیل گردید.

هنگامی که آلمانها شروع به تخلیه یونان نمودند پارتبیز انها یونانی حملات سختی به آنها کردند. بالاخره در ماه سپتامبر ۱۹۴۴ دولت جدید (پاپاندرو - ۱) در میان شور و شعف عمومی تشکیل گردید. وقتی که انگلیس با پشتیبانی اعضاء غیر کمونیست دولت جدید، در صدد برآمد گروههای مقاومت را خلع سلاح نماید سازمان EDES تسلیم و خلع سلاح گشت ولی ELAS از انجام آن استنکاف نمود که بالنتیجه در دسامبر ۱۹۴۴ مجدداً جنگ داخلی آغاز شد.

کمونیست‌ها با نزدیک شدن ارتش (توبولخین - ۱) به مرزهای یونان امیدوار شده و جان تازه گرفتند.

« هیچیک از مبارزان مخفی باندازه سازمانهای مقاومت یونان به « دستیارات مختلف و دشمن یکدیگر تقسیم نگردید. فرقی که « این وضع با یو گوسلاوی داشت آن بود که در اینجا کمونیست‌ها « کاملاً سر کوبی شدند و باز هم علت آن بود که در هیچ کجا سازمان « مقاومت تشکیل شده در خارج از کشور، این اندازه نسبت به مقاومت « داخلی کشور ابراز خصوصت نکرد و این موضوع ناشی از پشتیبانی « شدید و بی دریغ چرچیل از دولت یونانی مقیم قاهره بود. حکومت « سلطنتی یونان ظاهراً فقط هدفش آن بود که مانع شود تا مقاومت « یونان در مورد طرحهای سیاسی خود پیشرفت حاصل نماید و مراجعت «

Papandreou - ۱

Toboulkhine - ۲

در جبهه جنوبی روسیه +

« شاه را به یو زان بدون مراجعت به آراء عمومی جزو « هدفهای نهائی » پیروزی متفقین تأمین نماید . »

« اما چرچیل معتقد بود که مراجعت شاه به یونان شرط »

« لازم نگاهداشتند یونان در داخل قلمرو نفوذ انگلستان میباشد »

« و شاید هم تحت تأثیر اشتباهی که در یو گسلاوی هر تکب شده بود »

« بعیض اینکه یونان (آزاد) شد تردیدی بخود راه نداد که »

« با عناصر تروریست یونان و همکاری کنندگان با آلمانها علیه »

« کمونیست ها متعدد و متفق گردد . اما کمونیست ها هم گرچه »

« احتمالاً قصد تشکیل حکومت جمهوری توده ای در یونان را »

« داشتند . ولی بهن حال فاقد قدرت مقابله با عناصر مخالف »

« بودند ، قدرتشان مخصوصاً وقتی بکلی سلب شد که استالن در »

« بحرانی ترین لحظات طبق توافقی که با چرچیل نموده بود آنها »

« را بهحال خود گذاشت و رهایشان کرد . »

۳ - در یو گسلاوی

در کشور یو گسلاوی عصیان علیه اشغالگر بیش از همه جا توسعه یافته ، فوق العاده شدید و بیش حمانه بود و بصورت جبهه واقعی که حدود حاشیه آن دائماً در تغییر مکان بود درآمد . در هیچ جای اروپا غیر از یونان مبارزات داخلی عتاصر هقاومت ، با اندازه یو گسلاوی شدید و غم انگیز نبود . وبالاخره ، هیچ کشوری مانند یو گسلاوی این اندازه ، ورزیده و در عین حال انقدر تغییر شکل داده ، از غرقاب جنگ بیرون نیامد . در حقیقت این پنجه خونین عفریت چهار سال جنگ بیش حمانه بود که نوزاد فعلی یو گسلاوی را از مادر متولد کرد .

«در آوریل سال ۱۹۴۱ کشور یوگوسلاوی پس از یک نبرد»
 «کوتاه با آلمان، مجبور شد اسلحه را بر زمین گذارد، و بلا فاصله»
 «تمام کشور و سیله آلمان اشغال و این اولین کشوری بود که تجزیه
 و تقسیم شد بدتر از همه آنکه ایتالیائی‌ها یک (کرواسی مستقل - ۱) تجزت»
 «سلط (آنته پاولیچ - ۲) و سازمان تروریستی او بنام (اوستاشی‌ها - ۳)»
 «تشکیل داده شروع به قتل عام (سرب‌ها - ۴)، یهودیها و میهن»
 «یرستان آزادیخواه نمودند. بنا بر این باقیستی در یوگوسلاوی»
 «جنگ ملت‌های داخلی را به جنگ و اشغال خارجی اضافه»
 «نمود»

«دولت یوگوسلاوی تحت ریاست ژنرال (سیموویچ - ۵)»
 «و پادشاه جوان خود (پیر - ۶) به لندن فرار کرد. این»
 «این دولت مرکب از نمایندگان تمام احزاب باستثنای کمونیست‌ها»
 «بود، که گرچه بعوم افراد ملت قوت قلب و امید می‌بخشیداما»
 «دولتی بود که بدون قدرت، بدون ناوگان، بدون سرزمین و عملاء»
 «بدون ارتش و کاملاً از وطن گستته، تحت تبعیت کامل بریتانیای»
 «کبیر قرار داشت. در خود یوگوسلاوی دیگر احزاب سیاسی»
 «اظهار وجود نمی‌کردند، مشهور ترین سیاست مداران مانند»

Croatie - ۱
 - قسمت قدیمی هنگری که پس از جنگ اول
 با صرب‌والوفی تشکیل یوگوسلاوی را دادند و امروز هم جزو
 فدرال یوگوسلاوی است. ×

Ante Pavelitch - ۲

Oustachis - ۳

Serbes - ۴

Simovitch - ۵

Pierre - ۶

«ماچک - ۱) که رئیس حزب دهقانان (کروات - ۲) بود، هر چند»
 «آرزوی فتح متفقین را داشت ولی معتقد بود که در وضع موجود»
 «نبایستی هیچگونه اقدامی در راه منافع ملت بعمل آورد . در»
 «شهر بلگراد یک دولتی که کاملاً آلت دست و مطیع اشغالگران بود»
 «تحت ریاست ژنرال (نديچ - ۳) بوجود آمده بود.»

در میان این مصیبت‌های عمومی ابتکار عملیات مقاومنت بدست دو مرد ناشناش افتاد: یکی از آنها سر هنگ (میخائیلویچ - ۴) بود که قبل از تسلیم اسلحه و اسیر شدن بدست آلمانها خود را به منطقه (راونا کورا - ۵) در قلب صربستان رسانید و به نهضت خود نام (چتنیک - ۶) هارا (که خاطره افتخار آمیز مبارزاتشان در حنگ علیه ترک‌هان عثمانی مشهور بود) نهاد: طرح وی بنا به حرفة نظامی خود آن بود که اولاً افسران و درجه داران ارتش را جمع آوری و با انتظار فرار سیدن آن روز فقط به اجرای عملیات محدود و بی‌اثر که در مقابل فشار بین‌حمسانه اشغالگر هیچ نتیجه‌ای نداشت اکتفا و حالت انتظار بخود بگیرد. از طرف دیگر چون این افسرا از نژاد صرب بود قصد آنرا نداشت که یک کشور یوگوسلاوی بوجود آید، مگر اینکه صرب‌ها در آن مقدم بردیگران باشند.

Matchek - ۱

Croates - ۲ - مردم کرواسی را گویند.

Neditch - ۳

Mihailovitch - ۴

Ravna cora - ۵

Tchetniks - ۶

مرد دیگری که ابتکار عملیات را در دست گرفت دبیر کل حزب کمونیست یو گوسلاوی، (ژوپین پروز - ۱) نام داشت که به (تیتو - ۲) معروف بود . حزب وی در این موقع چندین هزار اعضاء خود را که بیشتر طبقه روشنفکران و کارگران بودند گرد آورد ولی این حزب در قدیم غیر قانونی شناخته شده بود ، و در میان افراد آن صدها نفر داوطلبان قدیمی تیپ بین الملل وجود داشت که در جنگ‌های داخلی اسپانیا شرکت نموده بودند. تئوریسین‌های حزب تحت تأثیر شدید تئوریهای لینین منجمله «تبديل جنگ امپریالیستی» بجنگ داخلی طبقه رنجبران علیه بورژوازی «قرار داشتند. رؤسای حزب کمونیست در تمام مناطق کشور برای افتادند و مأموریت داشتند که گروههای کوچک پارتیزانی فعال و مثبت را بوجود آورند . در روز ۱۳ ژوئیه ۱۹۴۱ در (مونتنگرو - ۳) شورشی علیه اشغالگران ایتالیائی بوقوع پیوست که کوتاه و کم دوام، ولی نوید بخش و امیدوار کننده بود . در عین حال برای اینکه تمام مردم باحسن نیت، گردهم آیند. (تیتو) تمام ملت یو گوسلاوی را به برادری و اتحاد دعوت کرده و با آنها وعده یک حکومت فدرال را پس از پایان جنگ میداد (۴) .

Josip broz - ۱

Tito - ۲

Montenegro - ۳

۴ - سوء قصد و ترور در شهرها رو بافزایش نهاد، فقط در ماه ژوئیه ۱۹۴۱ - ۵ ترور در بلگراد واقع شد و ۳۰ سر باز آلمانی در Nitch کشته شدند و هواپیماهای اشغالگران در فرودگاه آتش زده شدند... و قس عله‌یدا . Yegodina

« این دو جنبش یوگسلاوی با اینکه دارای اختلاف « نظرهای اساسی بودند ولی در واقع طرح یک تفاهم دوچانبه را که « از لحاظ موقیت پارتیزانها لازم بود ریخته بودند، حتی « پارتیزانها صرب که در منطقه نفوذ میخائیلوویچ بودندواز اول» سپتامبر ۱۹۴۱ فرمانروائی یک منطقه (آزاد) کوچک را « داشتند باین تفاهم دوچانبه محتاج بودند در همین موقع « بود که میخائیلوویچ اعلام کرد : تمام مؤسسات موجود که برای « اشغالکران مفید واقع شده اند در حکومت بعدی حذف و رل « اصلی رهبری فقط و فقط بهده سلوار حزب کمونیست و اگذار « خواهد شد . هردو جنبش یوگسلاوی بدون اینکه یکدیگر را « فریب دهند ، ذر حالی که متفقا بلا تصمیم داشتند در اولین فرصت « هناسب تصفیه حساب نمایند در وضع حاضر فقط و منحصرا « همکاری میکردند . تیتو که قسمت مهمی از صربستان غربی را « از دست اشغالکران آزاد کرده بود شهر (او زیس - ۱) را که « دارای یک بازنگ ملی و یک کارخانه تفنگ سازی و یک چاپخانه « بود برای استقرار خود انتخاب نمود . قسمتی از سلاحها بین « هردو سازمان جنبش که در مناطق آزاد شده دارای فرماندهی « مشترک بودند تقسیم گردید . اما آلمانها به پارتیزانها و بعضی « از چریک های کم و بیش تحت سلطه میخائیلوویچ بودند حمله « و آنها را پراکنده کردند، در نتیجه بعضی از چریک ها به دسته « پارتیزانها حمله ورشده (آخر اکتبر - ۱۹۴۱) و پابه حکومت « (ندیج) پیوستند»

متقین و حکومت صربستان در لندن؛ از کلیه این حوادث بی اطلاع بودند تا هنگامی که در ماه سپتامبر ۱۹۴۱ پیامی از میخائیلوویچ

از طریق جزیره مالت به لندن رسید. مثل اینگاهاین پیام وحی آسمانی بود، بلا فاصله میخانیلو یچ بذرجه زنرا لی ارتقاء و سپس عنوان وزیر دفاع ملی و سرفما ندهی نیروها در یو گوسلاوی باو داده شد. همچنین باو دستور رسید که تمام پارتیزانها را راتحت امر خود بگیرد، در عین حال تبلیغات وسیعی بوسیله رادیو و مطبوعات در در اطراف او شروع شد و اورا اولین مقام عالی در اروپا قلمداد کردند. حتی استالین هم در چنین موقعیتی از حمایت قیتو خود داری و بد و توصیه کرد که با دولت آزاد لندن تفاهم داشته و از این که به جنبش خود یک قیافه و خاصیت خیلی صریح کمو نیستی داده بود ملامتش نمود، زیرا این عمل خطر آنرا داشت که دشمن، طبقه بورژوازی میهن پرست را علیه تیتو برانگیزاند، حتی روسیه شوروی به دولت یو گوسلاوی در لندن پیشنهاد کرد که هیئتی را نزد میخالوئیچ اعزام دارد ولی این دولت صرب بود که پیشنهاد مبنی بوررارد کرد.

تیتو بجای تسليم به این پیشنهادها (که بعدها معتقد شد چیزی از دست نداده است) حالت تعرض بخود گرفت، در نوامبر ۱۹۴۱ نبردهائی بین پارتیزانها بوقوع پیوست که (چیتنيک) ها موفق نشدند، طرفین اسراء جنگی و طرفداران دسته دیگر را تیرباران کردند. در این اثناء آلمانها اقدام بیک حمله مقابله نمودند، این حمله بواسطه تفرقه بین نهضت ها موفقیت آمیز بود بطوریکه آلمانها در مدت هشت روز تمام صربستان غربی را از وجود (چیتنيک ها) و پارتیزانها پاک کردند. از آن بعد دو جنبش بزرگ یو گوسلاوی دیگر کوششی برای مصالحه و تفاهم بعمل نیاورده تا آخر همچنان مانند دو دشمن آشتبانی ناپذیر باقی ماندند.

* * *

اما تیتو و پارتیزانهای او در حالی که میدانستند اشغالگر دشمنی است که با او فقط باید جنگید، در عین حال فراموش نمودند که (میخالوئیچ) و چند نفر معاونین بدتر از خودش تمایل و توجهشان بیشتر معطوف به مبارزات علیه پارتیزانها است، و بنابر همین تمایل در ۱۹۴۲ کرچه از متفقین اسلحه دریافت ننمودند ولی سلاحهای اهدای ایتالیا را قبول کردند.

اما تیتو حملات متواتی و پشت سر هم دشمن را تحمل میکرد که از این میان هفت حمله از همه جدیتر و سخت تر بود. از ماه آوریل تا زوئن ۱۹۴۲ چهار تیپ (پرولتاریایی) او (۱) در اثر حملات آلمانها به (مونتنگرو) و (هرزوگوین - ۲) عقب رانده شدند و از آنجا بواسطه فقر و مسکنت مردم بومی نتوانستند خودرا به قرار گاه کل برسانند، ناچار در صدد برآمدند راهی بطرف صربستان و شمال غربی (بوسنه - ۳) پیدا کنند، و بالاخره پس از یک ماه نبردهای مداوم موفق شدند قرار گاه خود را در (بیهاک - ۴) مستقر نمایند. اما تعرض دیگر دشمن آنها را مجبور نمود که در خط سین مخالف اولی براه افتشند، از ماه ژانویه تا مارس ۱۹۴۳ باراه پیمائی در دره های سنگلاخ ایتالیا و در امتداد رودخانه (نرتوا - ۵) در هرز گوین

۱ - ایجاد تیپ های پرولتاریا بجای گروههای کوچک پارتیزانی که فقط قادر بعملیات در منطقه خود بودند، بدان معنی بود که یک جنگ طولانی و ثابت نهضت ها در پیش است و باستی یک ارتش آماده جنگ در همه جا بوجود آید.

Herzegovine - ۲

Bosnie - ۳

Bihac - ۴

Neretva - ۵

تو نستند به (مونتنگرو) باز گردند. از ماه ژوئن تا اوت ۱۹۴۲ اشغالگران، ۱۲۰۰۰ آلمانی، ایتالیائی، بلغاری و (استاشی-۱) را برای جنگ با ۲۰۰۰۰ پارتیزان متوجه کن نمودند. در این عملیات ارتضیت قیمت موفق شد افراد خود را از محاصره نجات و به (بوسنه) بر ساند ولی این نجات از محاصره بقیمت از دست دادن نیمی از افراد رها کردن ۵۰۰۰ نفر مجروه که همه بدهست اشغالگران قتل عام شدند، تمام گردید. در این موقع بود که ایتالیا تسليم متفقین شد و دست پارتیزانهای یوگوسلاوی فوق العاده باز شد بطوریکه بایک ضربت قسمت مهمی از کرواسی ساحلی و جزایر (دالماسی - ۲) را در دست گرفته بیک قسمت از خود یوگوسلاوی را نیز از دست اشغالگر نجات دادند. بدین ترتیب پارتیزانهای یوگوسلاوی وارد سلاحهای ایتالیا شدند و عده افراد آنها به ۲۵۰۰۰ نفر رسید.

« سازمان این ارتضیت نوین همکام با موقیت‌هایی که « بدهست می‌آورد پیش میرفت، علامت رسمی این ارتضیت ستاره سرخ » « انتخاب گردید، درجه افسران و درجه داران تعیین و مشخص » « شد، نشان و مدال‌های مخصوصی با عنوان قهرمانان ملی » « اختیار گردید. خود تیتو در نوامبر ۱۹۴۳ عنوان مارشال » « یوگوسلاوی پیدا کرد. در این موقع وی ستاد کل ارتضیت خود را » « از دفتر سیاسی حزب تفکیک و جدا نمود ولی تفوق و بنتری »

۱ - Oustachis - اوستاشی‌ها افراد بیک حزب انقلابی بودند که در سال ۱۹۳۰ در کرواسی ایجاد و در ۱۹۴۳ با کمک آلمانها استقلال کرواسی را اعلام نمودند.

2 - Dalmatie

« حزب همچنان محفوظ ماند . در هر یک از واحدهای نظامی هفت‌های »
 « دو جلسه آموزش سیاسی برای افراد در نظر گرفته شد، به اعضاء »
 « ستاد ارتقش خاطر نشان گردید که آنها فقط باستی نظامی صرف باشند »
 « اما شخص تیتو در عین حال که فرماندهی عالی نیروهای »
 « مسلح را داشت و ریاست هیئت رئیسه (شورای ضد فاشیست) »
 « نجات ملی) ، هیئت مؤسسان عالی ، و ریاست امور سیاسی و »
 « اداری جنبش را که برای اولین بار در نوامبر ۱۹۴۲ در شهر »
 « (بیهـاـكـ ۱) گردآمده بودند بعهده گرفته بود . »

تمام این فعالیت‌های پارتیزانها باشکستن دیوار سکوت پایان یافت . در جریان سال ۱۹۴۲ استالین یک پست فرستنده نیرومند تحت عنوان (یو گوسلاو آزاد) در شهر تفلیس ایجاد نمود که دائمًا از قتوحات و اعمال برجسته پارتیزانها تجلیل میکرد . نهمین رادیو در اوت ۱۹۴۲ توجه متفقین انگلوساکسون را به بدنامی و سازشکاری میخانیلویچ جلب نمود ، چند روز بعد رئیس هیئت بریتانیا صحبت این اطلاعات را تایید کرد . حکومت یو گوسلاوی در لندن پس از آنکه فهمیده بود میخانیلویچ سیاست خود را در آینده تغییر خواهد داد با کمک انگلیس‌ها کوشش بی‌نتیجه‌ای بکار برداشت این روابط جنبش هارا نسبت بهم تعديل نماید ، بنابراین در بهار ۱۹۴۳ هیئتی را بریاست سرتیپ (ماک لین - ۲) فرزد تیتو اعزام داشتند . در پایان ۱۹۴۳ عدم فعالیت میخانیلویچ آشکار و چاره ناپذیر مینمود ، ناچار انگلیس‌ها تصمیم گرفتند کمک خود را بوى قطع کنند .

« اصل اين تصميم را چرچيل با اهميتى كه برای سر نوشت »
 « يو گسلاوي قائل بود اتخاذ كرد . وی با اينكـه هیچ »
 « گونه اطلاعی از احساساتی كه به پارتيزانهاي يو گسلاوي نير و »
 « ميداد نداشت معهذا اين تصميم را گرفت، زيرا او و (ماکلين) »
 « تصور هيکردن كه ناسيونالیسم قادر است بر کمونیسم غلبه »
 « كند» و هيگفتند چيزی كه فعلا برای ما اهمیت دارد آنست که بدآنیم کی »
 « میتواند بیشتر به آلمانها ضرر بزند ؟ . در وضع حاضر چيزی که »
 « مهم است عبارت از استحکام بخشیدن بیک جبهه جدید با حداقل »
 « مخارج و سبک کردن بارغرب میباشد و برای آینده دور، چرچيل »
 « معتقد بود که اين عملیات وسیعی که توسط (شکم فرم اروپا - ۱) »
 « با کمک انگلستان انجام میگیرد بوی امكان خواهد داد تا با »
 « هیا نجیگری وارد عمل شده ضمناً بتواند جلوی پیشرفت شوروی را »
 « بطرف اروپای مرکزی بگیرد، عجالتاً کمک بریتانیا به تینو »
 « آنچنان توسعه یافته که در تمام دوران تاریخ مبارزات مخفی »
 « اروپابی سابقه بوده است . »

جزیره (ویس - ۲) تبدیل بیک پایگاه دریائی و هوائی بمقصد
 يو گوسلاوي شد . يك ناوگان رزمی مرکب از ۲۷ فروند کشتی
 در آنجا پهلو گرفتند ، يك گردان هوائی (از هوایپماهای نوع
 هاریکن) بطور دائم در جزیره مستقر شد . آنها پارتيزانهاي مجروح
 را به ایتالیا حمل میکردنده ، يك مدرسه توپخانه برای افراد
 يو گوسلاوي تأسیس گردید . خلبانان هوایپماها ، خدمه تانکها
 در مصر آموزش یافته اولین دسته آنها برای شرکت در عملیات
 آماده شدند و روی هوایپماهایی که علامت ستاره سرخ داشت

۱ - منظور کشور يو گسلاوي است

پرواز کرده، آماده نبردنهاei میشدند. در همین موقع از زندانیان جنگی یو گوسلاوی هم که در ایتالیا بودند یک قسمت نظامی (لژیون) تشکیل گردید. (نیروی هوایی بالکان) متفقین که در شهر (باری - ۱) مستقر بود مأموریت های پرتاب افراد و سائل را برای پارتیزانها بچندین برابر رسانید. در سال ۱۹۴۴ مقدار وسائلی که بوسیله پرتاب با چتر یا از راه دریا حمل و در اختیار یو گوسلاوی گذارده شد عبارت بود از ۱۳۸۰۰۰ تفنگ، ۵۰۰۰۰ مسلسل سبک و سنگین، ۶۳۰۰۰ نارنجک و ۷۰۰ دستگاه فرستنده خمپاره انداز، ۱۷۵۰۰۰ دست لباس او نیفورد و ۲۶۰۰۰ جفت کفش بود.

پشتیبانی هوایی عملیات تیتو وسیله هوایی های متفقین انجام میشد، چنانکه در ماه مه ۱۹۴۴ هنگامی که چتر بازان آلمانی میکوشیدند بر نیروی تیتو غلبه نمایندهزار پرواز پشتیبانی بنفع پارتیزانها تیتو انجام شد. بعدها بتدریج بمبارانهای تاکتیکی نیز بنا باطلاعاتی که واحد های پارتیزان میدادند انجام گردید. در ماه سپتامبر ۱۹۴۴ یک عملیات وسیع هم آهنگ شده بوسیله نیروهای تیتو و متفقین علیه خطوط موصلاتی دشمن در یو گوسلاوی انجام شد، بطوریکه آلمانها در زیر بمباران مداوم هواپیماها توانم با عملیات و حملات ایدائی پارتیزانها، مجبور به عقب نشینی گردیدند.

« در این موقع از لحاظ سیاسی پیکره یو گوسلاوی جدید نمودار گردید، »
« در تمام سرزمین های آزاد شده، (کمیته توده ای) کاملاً شبیه «

«شوروی، کلیه امور اجتماعی و اداری را در دست گرفت، در نواحی»
 «بزرگتر (شورای ضد فاشیست استان) تشکیل گردید که «
 «افراد غیر کمونیست هم در آن عضویت داشتند، ولی در نقاطی که»
 «کمونیست‌ها شغال کرده بودند، فرمانروائی و اداره آن نقاط»
 «در دست کمونیست‌ها بود. در نوامبر ۱۹۴۳ برای دومین بار»
 «(شورای ضد فاشیست) در شهر (یازده - ۱) واقع در بوسني «
 «اجتماع نموده تصمیم گرفتند که حکومت یوگسلاوی را در آینده بر»
 «مبناًی حکومت فدرال دموکراتیک سازمان بدھند، و پادشاه»
 «یوگسلاوی (پیر) حق نداشته باشد قبل از آنکه ملت در باره اش تصمیم»
 «بیگر دیکشور مراجعت کند! میخانیلویچ هم میخواست همین روش»
 «را تعقیب کند، بنا بر این در ژانویه ۱۹۴۴ یک اتحادیه»
 «(دموکراتیک یوگسلاوی) تشکیل داد، اوهم برای آینده یوگسلاوی»
 «یک نوع حکومت فدرال پیش‌بینی میکرد ولی اتحادیه وی آینده‌ای»
 «در برندشت.

اما، کفه ترازو بطور صریح و آشکار بنفع تیتو سنگین شده بود. (پیر) پادشاه کشور که از افرادی‌ها گریزان بود تحت فشار و بنا باصرار چرچیل ازلندن به قاهره عزیمت و در آنجا مستقر گردید. روز ۲۲ فوریه ۱۹۴۴ چرچیل کمکهای عظیمی را که به تیتو شده بود آشکارا اعلام نمود. در ماه ژوئن ۱۹۴۴ رئیس جدید شورای یوگسلاوی بنام (چوباشیچ - ۲) رسماً قانون اساسی نوین یوگسلاوی را اعلام کرد. در ۲۵ اوت (پیر) پادشاه یوگسلاوی میخانیلویچ را از کلیه مشاغل و

فرماندهی عالی بر کنار نموده در ۱۲ سپتامبر از (چیتنیک‌ها) خواست که خود را تحت فرماندهی مارشال تیتو قرار دهد. در این موقع پارتیزانهای تیتو وارد صربستان شده قرارگاه ستاد میخائیلویچ را اشغال و بن کلیه مدارک و آرشیو ها دست یافتند. میخائیلویچ که از پناهگاهش بیرون رانده شده بود ضمناً هیچگونه پاسخی به درخواست استمداد او از طرف هتفقین فرسیده بود، ناچار در صدد آن برآمد که بارئیس (اوستاشی‌ها - ۱) یعنی سرهنگ (پاولیچ) وارد مذاکره و گفتگو گردد. (۱)

ارتش سرخ به یوگوسلاوی نزدیک میشد، بلغارستان تسلیم گردیده بود، تا این موقع کمک روسها به پارتیزانها ناچیز ولی محبوبیت آنها بین مردم زیاد بود. تمام اعلامیه‌ها به جملاتی مانند «زنده باد اتحادهمه اسلامها - زنده باد ارتش سرخ قهرمان» و یا «زنده باد آزادی ما و مادرما رویسیه» ختم میشد.

هیئت دوستی و ارتباط رویسیه در ماه فوریه ۱۹۴۴ به یوگوسلاوی رسید ولی برای اینکه در آموزش پارتیزانها نقشی را بعده بگیرد دیگر خیلی دیر شده بود. شروع به ارسال وسائل هم از رویسیه تا اول آوریل به تأخیر افتاد.

۱ - Oustachis - دسته انقلابی طرفدار آلمانها ×

۲ - در ماه مارس ۱۹۴۵ او را در داخل غاری در صربستان بحال گرسنه و در مانده یافته، سپس در بلگراد تسلیم داد که نظامی شده پس از محاکمه در ۱۷ زوئیه ۱۹۴۶ تیرباران گردید.

«اما نزدیک شدن ارتش‌های (توبولخین ۱-). وضع «سیاسی و نظامی را کاملاً تغییر داد. در ۲۱ سپتامبر بدون اطلاع» و پیش‌بینی انگلوساکسونها تیتو به مسکو پرواز کرد، و با «وعده پشتیبانی (تأمین وسائل وسلاح) یک سپاه زرهی، مناجعت» کرد. در واقع همانوقتی که مرتباً تقاضاً می‌شد، فقط یک واحد «نمونه از نیروهای انگلیسی به یوگسلاوی اعزام گردد، این» دارتش‌شوری بود که صربستان و (ویوودین-۲) وبالآخره بلکن ادراء «با اعزام و پیشرفت سریع دو سپاه پارتیزان که از تمام مناطق برای «این عملیات سریع راه‌انداخته بود، آزادی بخشید.»

«سپس دوباره پارتیزانها بحال خود ره‌آشند تاب منطقه‌ای» «که آلمانها و (اوستاشی)‌های کرواپی در (سلوونی-۳) و (بوسنه) در» «دست داشتند حمله‌ور شوند. و این کار بتدریج انجام گردید» «در فوریه ۱۹۴۵ شورای سلطنتی با حضور (پیر) پادشاه» «یوگسلاوی به تیتو مأموریت داد که اولین دولت یوگسلاوی آزاد» «شده را تشکیل دهد. در ۳۰ آوریل ۱۹۴۵ پارتیزانهای تیتو» «وارد بندر (تریست-۴) شدن‌دولی ژنرال (الکساندر-۵) فرمانده ارتش» «پانزدهم امریکا به آنها اولتیماً توم‌داد که با یستی قسمتی از تریست را» «تخليه نمایند. از این لحظه بود که رابطه تیتو با متفقین غربی» «وی کاملاً قطع گردید.»

Toboukhine - ۱

Voivodine - ۲

Slovénie - ۳

Trieste - ۴

Alexander - فرمانده گروه ارتشهای متفقین در حمله

به ایتالیا ×

در یوگوسلاوی بحران جنگ به اوج شدت و بی رحمی خود رسید. هیتلر در ۱۶ دسامبر ۱۹۴۲ فرمانی علیه پارتیزانها بوحدات خود صادر کرده بود که: «واحدها وظیفه دارند از کلیه وسائل حتی علیه زنها و بچه‌ها استفاده کنند، کمترین رعایت و ملاحظه نسبت به پارتیزانها جنایت علیه ملت آلمان تلقی می‌گردد». اما پارتیزانها هم آرام نه نشسته بودند، در یک دستور العمل صادره در (سلوونی) تصریح شده بود که: «جاسوس هارا بکشید، انتقام را با انتقام پاسخ دهید» یک رئیس پارتیزان در گزارش خود قید کرده بود که: «تعداد اعدامهای امروز ما به ۵۰ نفر عضو رسید». پارتیزان دیگری اظهار تأسف کرده بود که: «افراد ما چند نفر از متفقین ما را بعلت اینکه از منابع صنعتی وثروت منطقه خود هیچ چیز بر زبان نیاوردند تیرباران کردند» (۱).

بدین ترتیب وقتی جنگ پایان یافت، سرتاسر کشور یوگوسلاوی را خرابی و ویرانی فرا گرفته بود. (۲) درصد جمعیت کشور یعنی ۱۶۰۰۰۰۰ نفر بیهوده در این راه جان داده بودند.

(۱) سرباز آلمانی در برای این نوع جنگ کاملاً خود را گم کرده بودند. ژنرال آلمانی Rendulic در صفحه ۱۰۲ (خاطرات نبرد خود) مینویسد «که چند هفته پیش از ورود من بیش از هزار درخواست از کلیه افسران و درجه داران و سربازان رسید که همه آنها تقاضا کرده بودند تا به جمهوری روسیه منتقل شوند.» ۲ - ۹۰ درصد راه آهنها و ۸۰۰۰۰ خانه و دو سوم دامهای اهلی از بین رفته و منهدم شده بودند.

طبق برآورده که (سر جمس گریک - ۱) در ژانویه ۱۹۴۴ نموده بود، پانزده لشکر آلمانی با پارتیزانها میجنگیدند. در حالیکه ارشاد یو گوسلاوی فقط یک منطقه از فضای استراتژی را از دردست گرفته و راه نفوذ آلمانها را به آن منطقه بسته بود.

بطور خلاصه، پیروزی تیتو و پارتیزانهای او، از تماش پیروزیهای که مقاومت های ملت ها بدست آوردند کامل تر بود در نتیجه یک یو گوسلاوی جدید که از آتش و خون آبستن شده بود، پابعرضه وجود نهاد. مسلم است که پارتیزانهای یو گوسلاوی کمکهای انبویی از انگلیس ها دریافت کردند ولی باید بخاطر داشت که این کمکها هنگامی داده شد که پارتیزانها قدرت خود را قبل ثابت کرده و انگلیس ها تشخیص دادند که آنها لیاقت دریافت این کمکها را دارند، آنها تو انتنده مقاصد و نظرات خود را به متفقین ... وبهمه متفقین خود ... تحمیل نمایند. آنها میدانستند که چگونه سرنوشت خود را بدست گرفته و آنرا مشخص نمایند.

۴ - در لهستان

«در هیچیک از کشورهای اروپا، اشغال آلمان سخت‌تر و «خشونت از لهستان نبوده است. در سرزمین‌های غربی لهستان «که بسهولت و بطور قطع جزو آلمان شده بود بتدریج کلیه» «اموال منقول و غیرمنقول لهستانی‌ها را ضبط کرد، دسته دسته آنها را «از کشور خارج و تبعید می‌کردند. در قسمت مرکزی دولتی بنام» «(حکومت اصلی) بوجود آمده بود که اهالی از یک حقوق» «محدود و ناپایداری برخوردار بودند. هر نوع تظاهرات مخالفت» «آمیز نه تنها با عکس العمل کلی و مترافق موافجه و دهکده‌هائی» «یکجا قربانی آن می‌گردند (۱) بلکه ممکن بود بیک کشتار تدریجی» «تمام مردم منجر گردد، یعنی با اقداماتی از قبیل : تقلیل مواد» «غذائی، تغییر شرایط کار و تعیین مقررات سخت ازدواج، بنحوی» «که بطور منظم باعث تقلیل جمعیت گردد، تمام مردم را از بین» «می‌برند. در روز ۲ اکتبر ۱۹۴۰ هیتلر ضمن کنفرانسی اعلام» «نمود که «ارباب و رئیس لهستانی وجود ندارد ». آلمانها «ارباب و آقای طبیعی لهستانی‌ها هستند و بهتر است تمام افرادی» «که نماینده محافل روشنفکر لهستانی هستند قتل عام شوند ». «این قانون حیات و زندگی است ..». اگر طرح کشتار تدریجی» «۳۵۰۰۰۰ مسلول و ۱۷۰۰۰۰ افراد مسن بمورد اجراء نیامد پس از آن» «بود که در (طرح کلی شرق - ۲) در پائیز ۱۹۴۱ توسط اداره مرکزی» «(رایش) پیش‌بینی شده بود پس از خاتمه جنگ ۱۶ تا ۲۰ میلیون» «لهستانی را بسیبزیه منتقل و تبعید نمایند.

۱ - در **Palmiry** ۲۲ کیلو متری ورشو با تفاوت یک سوء

قصد چندین هزار نفر را کشتن.

Generalplan Ost - ۲

در هیچ جا، باندازه لهستان، مردم تا این حد در نهضت مقاومت یکدل و یک جان نبودند، و این تنها کشوری بود که (گیسلینک - ۱) نداشت.

مردم لهستان برای مبارزات مخفی از یک تجربیات طولانی و تاریخی برخوردار بودند. هنوز طرق مقابله و مخالفت با دشمن از زمان سلط (تزارها) در خاطره‌هازند بود، معاونین مارشال (پیلسودسکی - ۲) که در جنگ بین‌المللی اول شرکت داشتند هنوز در قید حیات بودند. ولی تحولات جنگ، مبارزات مخفی مردم لهستان را بیک سرنوشت غمانگیزی محکوم نمود.

«پس از شکست ۱۹۳۹ از آلمان، دولت لهستان تحت ریاست»
 «شخصی که مودت احترام اکثریت ملت بود بنام زنرال (سیکورسکی - ۳)»
 «در فرانسه تشکیل گردید. در ماه مه ۱۹۴۰ ارتش لهستان با»
 «استخدام و تجهیز لهستانی که در فرانسه زندگی می‌گردند شامل»
 «۸۰۰۰۰ نفر تشکیل گردید. دو لشکر آزادی ارتش در خط»
 «(مازینو - ۴) می‌جنگید، یک لشکر خود را به سوی رسانده و دو»
 «نشکر دیگر آن خود را به انگلستان رساندند، در حالی که تیپ»

۱ - Quisling - نام سیاستمدارِ نروژی بعلت همکاری مخفی که با آلمانها علیه ملت خود نمود پس از جنگ در اسلو تیرباران شد. از آن بعد نام گسلینک به کسانی که با دشمن کشور خود همکاری کنند بطور استعاره اطلاق می‌گردید.

۲ - piIsudsky - مارشال و سیاستمدار لهستانی که باعث قیام و استقلال لهستان پس از جنگ اول گردید.

۳ - Sikorsky

۴ - Maginot - خطوط دفاعی معروف فرانسه در جنگ دوم که وسیله آلمانها دور زده شد.

« (نارویک - ۱) لهستانی هم وارد انگلستان شده بود. افسران « لهستانی که در فرانسه باقی ماندند، اساساً مهمترین شبکه» « اطلاعاتی فرانسه را بنام (F۲) بوجود آوردند. لهستان در « تمام مدت جنگ با نیروی قابل توجهی که داشت وظیفه خود را در راه و روشی که مورد قبول بلاشرط نهضت مقاومت داخلی » « بود انجام داد .»

« با این حال و با وجود توده‌ای از مردم خشمگین » « گاهی برای دولت لهستان امکان فراهم کردن کمک و ناری کامل» « مبارزات مخفی، مشکل و سخت میگردید. ازماه سپتامبر ۱۹۳۹ « مخابرات رادیوئی بین لهستان و BBC واژ ۳۰ سپتامبر همانسال » « ارتباط با رادیوی فرانسه برقرار شد و پس از شکست فرانسه ارتباط » « با لندن و دورتر هم ادامه یافت (۱). یک پست فرستنده با نام » « مستعار مبارزه مخفی که ظاهراً فرض نمیشد از ورشو مشغول پخش » « اخبار است در اختیار دولت لهستان آزاد بود. این فرستنده » « نقش بسیار مهمی را در پخش دستورالعمل‌ها، اخطار به اشغال - « گران و گزارش اخبار را بعهده داشت، حکومت لهستان استفاده » « زیادی از این فرستنده در مخابرات دیگری که بسوی BBC میشد » « بعمل می‌آورد . اما برذ این فرستنده در اثر اقدامات » « پیش گیری و ممانعتی آلمانها و منطبق کردن گیرنده‌ها روی » « امواج آن، محدود شده بود . با این اقدامات دیگر رادیو نتوانست»

۱- از اوخر سال ۱۹۴۲ پخش رادیو آمریکا نیز شروع شد ولی ظاهراً با مقاصد حکومت لهستان چندان منطبق نبود و به سازمانهای روسها نزدیک‌تر بود چنان‌که حکومت مزبور در این‌مورد یاد داشت اعتراض آمیزی به (وزارت خارجه) آمریکا ارسال داشت

«دل اساسی را در هبارزه مخفی مردم اروپای غربی بعده داشته»
 «باشد و از این جهت گفتارها و پخش مطالب فقط بواسیله تهیه»
 «و توزیع جزوها و چاپ و توزیع مکرر آنها عملی میشد ۰»
 «از طرف دیگر برای هدایت و آماده کردن مقاومت داخلی»
 «در ستاد ارتش لهستان در لندن، از سال ۱۹۴۱ یک رکن ششم»
 «بوجود آمد که همراه شعبه لهستانی SOE فعالیت میکرد و قتی»
 «خواستند یک هواپیما روی لهستان اعزام دارند و با استفاده از مسافت»
 «تا منطقه (حکومت اصلی)، و کم بودن شعاع عمل هواپیماها»
 «این کار ممکن نگردید. از فوریه ۱۹۴۲ تا آوریل ۱۹۴۳ لهستانی ها»
 «۱۰۴ پرواز پشتیبانی هوائی در خواست نمودند که فقط ۱۲»
 «پرواز آن انجام داد ۹ پرواز آن موفق شدند ۸۴ نفر چتر باز و دو»
 «تن وسائل را در لهستان فرود رینند. پس از آنکه هواپیما های»
 «جدید (لانکاستر - ۱) و (لیبراتور - ۲) با شعاع عمل زیاد تری»
 «وارد عمل شدند اوضاع روبه بهبودی نهاد ولی باز باید منتظر»
 «سال ۱۹۴۴ میشدند تا پایگاه های پرواز هواپیماها در ایتالیا فراهم»
 «گردد زیرا از آن بعد دیگر عملیات صورت روزانه پیدا کرده»
 «بود ولی، باز هم تعداد هواپیماها افزایش قابل توجهی نداشت»
 «و مناطق شرقی لهستان هیچگونه کمکی دریافت نمیکرد»
 «از جمیع ۱۳۰۰ پروازی که در خواست شده بود ۸۵۸ پرواز»
 «اجرا گردید که از این تعداد فقط ۴۸۳ مأموریت به نتیجه رسیده»
 «و توانست ۳۴۵ نفر چتر باز و در حدود ۶۰۰ تن وسائل و یک»

«کمک مالی معادل ۴۰ میلیون (زلوتوی - ۱) را به لهستان»
«برسازند.»

در چنین شرایطی ادامه خیات نهضت مبارزه مخفی لهستان، هم آهنگی و انبساط آن نسبت به دولت خود در لندن بسیار قابل توجه بود. ابتدا گروههای کوچکی با اسمی پرمعنایی مانند (انتقام جویان)، (مشیت الهی) و (دست خونین) وغیره بوجود آمدند. این گروهها در اوآخر سال ۱۹۴۰ باهم متحد شده، عنوان (اتحاد برای مبارزه مسلح‌انه) وسپس عنوان (ارتشر داخلی-AK) را برای خود انتخاب نمودند که ذر حقیقت یک ارتشر واقعی باکادری از افسران عالی رتبه و درجه داران ورزیده بود.

از طرف دیگر چهار حزب اصلی لهستان بنام، سوسیالیست، دهقان، کارگران مسیحی و حزب ملی در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۴۳ در روزنامه (جمهوری لهستان) وابسته به مبارزه مخفی حکومت لهستان، صریحاً اعلام و تأیید نمودند که ملت لهستان تصمیم دارد، با آنها رفتاری متساوی الحقوق با ملل متفق، شده تمامیت ارضی آنها محفوظ و در غرب دسترسی وسیعی بدريای داشته باشند بدون اینکه یک وجب از خاک خود را در شرق از دست بدهند. در ۹ ژانویه ۱۹۴۴ این چهار حزب تشکیل (شورای اتحاد ملی) را داده و در ۱۵ مارس رسماً اعلام نمودند که منطقه (گدانسک-۲) (واقع در سیلزی - ۳) قسمت (اوپول)

۱ - واحد پول لهستان Zlotys

۲ - Gdansk

۳ - Silezie

- ۱) و ناحیه بین (ادر - ۲) و (نوتر - ۳) با یستی به مادر میهن برگشته بعلاوه لهستان با یستی قسمت وسیعی از آلمان شکست خورده را اشغال نماید.

در سرزمین های که به آلمان ضمیمه شده بود، اخراج و تبعید لهستانی ها امکان هر نوع عمل دامنه داری را غیر ممکن پساخته بود ولی در منطقه (حکومت اصلی) ادارات لهستان باقیمانده و بقدرتی که میتوانستند مقاومت میکردند. و باید گفت این دولت، یک دولت مبارزه مخفی بود که در سرزمین های اشغالی طبق دستور العمل دولت آزاد در لندن مبارزه را ادامه میداد.

«شبکه های اولیه اطلاعاتی بواسطه کمبود افسران متخصص جی تجریگی زیادی از خود نشان میدادند ولی بعداً سیستم فنی این» «شبکه ها با رسیدن ۳۳ نفر مأمور از لندن به بود زیادی یافت.» «این شبکه ها بخصوص با مرآقبت و دیدبانی کلیه حرکات واحد» «های آلمانی و مخابره نتایج این مرآقبت ها به لندن طبق علائم خاص» «باعث شدند که چرچیل استالین را از حمله قریب الوقوع ارتش» «آلمان مطلع نماید. ولی این اعلام خطر بی فایده و بی اثر بود» «واستالین توجهی بدان نکرد. همین مأمورین شبکه ها توانستند» «بعداً در سازمان غیر نظامی (تودت - ۴) نفوذ کرده بدنیال واحد» «های آلمانی تا ولگا و فرقاڑ پیش بروند در حالی که در خود آلمان» «هم در فعالیت های اقتصادی رایش سوم مخصوصاً در دریای بالتیک»

Opule - ۱

Noter - ۲

Oder - ۲

Todt - ۴

«جاسوسی هیکر دند . در اثر فعالیت این شبکه‌ها در سه مورد »
 «شاهکارهای بر جسته‌ای بوقوع پیوست: یکی در بهار ۱۹۴۳ که »
 «فعالیت آلمانها را در مورد ساختمال بمب‌های موشکی در (پی‌این،
 «مونده - ۱) کشف و اطلاع دادند».

«دیگری در زانویه ۱۹۴۴ هنگامی که در (بلیزنا - ۲) »
 «نژدیک (کراکوی - ۳) تجربیاتی در روی موشک هامیشد، موقعیتی»
 «پیش آمد تا قطعات مختلفی را که تحت آزمایش گروهی از »
 «مهندسین لهستانی قرار داده شده بود مورد مطالعه قرار داده»
 «نتایج بررسی را به لندن ارسال دارند، در نتیجه انگلیس‌ها »
 «اطلاعات ذیقیمتی از سلاحی که آنها را مورد تهدید و خطر قرار »
 «میدادند آوردن، سومین شاهکار این شبکه عبارت از ازارتباطی»
 «بود که توانستند بین نهضت مقاومت لهستان و بازداشگاههای »
 «آلمانی ایجاد کردند بین ترتیب محل اردوگاههای کشتار دسته»
 «جمعی انسانها مانند: (آشویتس - ۴) و (بیرکناو - ۵) را به »
 «متفقین اطلاع دهند. از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ بطور متوسط ماهانه »
 «۳۰۰ گزارش بوسیله این شبکه‌ها ارسال میشد که از این تعداد، »
 «آنچه فوری بود وسیله رادیو، و بقیه توسط پیک‌های رابط از راه، »
 «برن، بوداپست، و استکهلم ارسال میشد.

در روز ۷ دسامبر ۱۹۳۹ دولت لهستان آزاد در فرانسه
 (دستور کار شماره - ۱) خود را که بعداً در ۱۹ مارس ۱۹۴۰

Blisona - ۲ Feenemunde - ۱

Cracovie - ۳ یکی از شهرهای لهستان در کنار رود
 ویستول است ×

Birkenau - ۵

Auschwitz - ۴

تبديل به دستورالعمل های مخصوص فرماندهی نواحی (۱-AK) گردید، منتشر نمود. در این دستورالعمل ها اقدام به نوع خرابکاری انفرادی منع شده در عوض میباشد فقط خرابکاری های کلی بموردن باجراء میباشد. اولین طرح خرابکاری با تعرض آلمانها بطرف غرب منطبق شده بود که در این موقع نهضت مقاومت لهستان بایکدنبیا امید با رعایت احتیاط و سکوت خودرا نشان میداد. تا اینکه در روز ۱۸ ژوئن ۱۹۴۰ ژنسال (سیکورسکی) دستور داد عملیات رامتوقف نمایند. مرحله دوم عملیات بمنظور کند کردن جریان حمل و نقل تدارکات روسیه به آلمان که طبق پیمان روس و آلمان انجام میشد، اجرا گردید.

« پس از بهم خوردن پیمان روس و آلمان یک طرح وسیع، در عین حال مشکلی تهیه گردید که طبق آن میباشد سازمان « عقبه ارتش های آلمان را حتی در سرزمین های روسیه، او کرانی » و روسیه سفید مغشوš و متلاشی نمایند. اما اشکالاتی از « قبیل جازدن و اعزام مأمورین، کمبود مواد منفجره و « مخصوصا عدم هم آهنگی با پارتیزانهای شوروی، موجب شدند که « نتایج حاصله متناسب با فعالیت ها و تلاشها نباشد. با این وصف « سازمان مقاومت لهستان تنها در سال ۱۹۴۱ موفق شد ۱۹۳۰ ». « لوكوموتیو را خراب کرده، ۹۰ قطار را از خط خارج و ۲۳۷ « حریق در وسائل حمل و نقل ایجاد نماید. » اعمال متقابله و انتقام جویانه آلمانها بطوری شدت یافت که لازم بود نهضت مقاومت از سال ۱۹۴۲ کاملا مراقبت

ونظارت نماید . در ۱۸ اکتبر ۱۹۴۲ نهضت مقاومت برای ارائه قدرت، عملیات خود را در اطراف ورشو با قطع هشت رشته راه آهن در آن واحد شروع و در ۱۶ نوامبر پنج قطار را از خط خارج و بهمین نحو بکار خود ادامه داد . از اول سال ۱۹۴۴ طرح (زولیا - ۱) عملیات خرابکاری را بین رود (ویستول - ۲) و رود (سان - ۳) گسترش داد و اگر طرح (او - ۴) که در آن پیش بینی شده بود تا در موقع پیاده شدن متفقین در نرماندی برای جلوگیری از نقل و انتقال نیروها از شرق به غرب اقدام بخرابکاری گردد بمورد اجر گذارده نشد ، مربوط به اشتباه یا خبط سازمان مبارزه مخفی لهستان نبود بلکه علل دیگری موجب آن گردیدند .

جنیش مقاومت وابسته به دولت لهستان آزاد در لندن جمعاً تعداد اقداماتی را که از طریق مبارزه مخفی بعمل آورد چنین ثبت نموده است : ۷۰۰۰ لوکوموتیو و ۱۹۰۰۰ واگن منعدم و یا خراب گردید - ۷۳۲ مورد قطارهارا از خارج و ۴۴۳ حریق در قطارها ایجاد نمودند - ۳۸ پل رامنفجر و ۶۰۰۰ آلمانی را ترور و ۲۵۰۰۰ خرابکاری های متفرقه دیگر انجام داده اند .

یک نوع مقاومت دیگری که فقط مخصوص لهستانی ها بود عبارت از آموزش و تعلیمات عالیه جوانان و سیله سازمان های مبارزات مخفی میبود : پس از آنکه آلمانها استادان دانشگاه

Julia - ۱

Vistule - ۲

San - ۳

Eva - ۴

(کراکوی) را توقیف و تبعید کرده، دانشگاه ورشو را بستند
دیگر کلیه تعلیمات عالیه از ماه سپتامبر ۱۹۴۱ ممنوع فقط
اجازه دادند که تعلیمات ابتدائی و متوسطه و فنی بمقدار بسیار
کمی باقی بماند.

این دیگر آینده لهستان بود که بیازی گرفته
بودند.

بنابراین سازمان جنبش‌های مخفی فوراً دوره‌های مخصوصی را
برای کلیه رشته‌های تخصصی با ۲۵۰۰ دانشجو در (کراکوی)
و (ورشو) و (پزانان - ۱) تشکیل دادند. امتحانات این دانشجویان
وسیله استادان انجام و دیپلم‌های مخصوصی که با بیان مناسب
نوشته شده، با مضاء مستعار استادان رسیده، موقیت دانشجو را
رتأیید و تصویب مینمود. بدین ترتیب ۱۵۰ جزو دوره‌های علمی وسیله
استادان تهیه، چاپ و توزیع گردید.

«نهضت مقاومت لهستان در سال ۱۹۴۰ در سرزمین های»
«شرقی کشور که تحت اشغال روسها بود تشکیل و به روسها هم بهمان»
«چشم نگاه میکردند که به رایش سوم. اما پس از حمله آلمان به»
«روسیه با واسطه انگلیسها مذاکراتی بین لهستان و روسیه انجام»
«و منتهی به موافقت نامه ۳۰ زوئیه ۱۹۴۱ (سیکورسکی - مايسکی - ۲،
«گردید.»

«در نتیجه روابط سیاسی ب لهستان ایجاد و روسیه متعهد»
«شد زندانیان لهستانی را آزاد کرده يك ارتش جدید لهستانی»
«از آنها در روسیه تشکیل بدهد.»

«در عین حال سازمان رادیوی روسیه یک فرستنده مخصوصی»
 «برای لهستانی‌ها در (کوی بیچف - ۱) ایجاد واداره آنرا به»
 «روزنامه نگاران کمونیست سپرد، موافقت نامه ذیگری بمنظور»
 «مبادله اطلاعات تهیه و طبق آن یک اداره لهستانی در نزدیکی»
 «مسکو تشکیل گردید که مأموریت داشت در مدت چند ماه با»
 «فرستنده‌های نهضت همارزات مخفی لهستان تماس وارد تباطح حاصل»
 «نماید. ولی در این همکاری روس و لهستان بزودی یک اشکال»
 «بنزرك بوجود آهد زین استالین قبول تمامیت ارضی لهستان را طبق»
 «وضع موجود قبل از جنگ مطلقاً رد نمود. همچنین مسئله خط»
 «مرزی حدودشرقی لهستان و روسیه لایتحل ماند. در اثر این»
 «عدم موافقت‌ها بود که حوادث و اتفاقاتی بوقوع پیوست که روز»
 «بروز شدیدتر میشد؛ اسراء جنگی و لهستانی‌های باز داشت شده»
 «با احساسات ضدروسی اظهار میداشتند که قریبًا آزاد میشوند و»
 «جز ترک فوری کشور روسیه اشتیاق دیدگری ندارند. طبق تصویب»
 «دولت لهستان یک سپاه تحت فرماندهی ژنرال (آندرسن - ۲)»
 «من کب از ۰۰۰۴ نظامی و ۰۰۰۵ غیر نظامی که بزحمت جمع»
 «آوری شده بودند از روسیه با این منتقل و در آنجا از ماه اوت»
 «۱۹۴۲ تحت اختیار انگلیس‌ها قرار گرفتند (۳) در صورتی که»
 «(سیکورسکی) با این عمل مخالف و معتقد بود که سپاه مزبور»

Kouïlicheu - ۱

Anders - ۲

۳ - افراد سپاه مزبور در سال ۱۹۴۴ در جنگهای ایتالیا
 دوش بدش متفقین جنگیده و کوه کاسینو را تصرف و شهر Ancône را اشغال کردند.

«دوش بدوش رو سه اجنبی کیده و پیر وزمندانه وارد کشور خود یعنی لهستان»
«گردنده»

پس از آن دینگر راه سیاست روسیه نسبت به لهستان روشن
و قطعی شد: در دسامبر ۱۹۴۱ استالین سازمان (اتحادیه میهن
پرستان لهستانی) را تحت ریاست (وانداوالیسوسکا - ۱) با نوی
ادیب لهستانی و سرهنگ ارشن سرخ تشکیل داد، سپس کمونیست
های لهستانی که وسیله روسها در خاک کشور خود با چتر فرود
آمدند (حزب کارگر لهستانی) را بشکل یک سازمان نظامی
و بنام (گارد توده‌ای) بوجود آورند. این سازمان از ترس
اینکه مباداً تو اند نضع گرفته و توسعه یا بددرا اوائل سال ۱۹۴۳ به ارتش
داخلی لهستان (AK) پیشنهاد کرد که خود را از لحاظ تاکتیکی
تحت اختیار آنها قرار دهد ولی ارشن داخلی پیشنهاد آنها را
رد نمود، در نتیجه شبکه های اطلاعاتی که وسیله‌ما موردین چتر باز
کمونیست در اروپای شرقی تشکیل شده بودند گزارش‌های
خود را فقط به مسکو مخابره می‌کردند. یک پست فرستنده جدید
با نام مستعار نهضت مبارزه (کوسیوزکو - ۲) در نزدیکی
مسکو ایجاد شد که با فرستنده لنین بنام (سویت - ۳) رقابت کرده
پژوهها و بررسی‌های سیاسی را مستقیماً خطاب به مردم لهستان پیش
مینمود. در این هیئت مخصوص، کمک و پشتیبانی روسها در
چارچوب کمکهایی که به پارهیزانهای شوروی نمی‌شد فقط به
گروههای لهستانی واقع بین رود ویستول و رود (بوگ - ۴)
انجام شده از ساحل چپ ویستول با آن‌ظرف هیچ‌گونه کمکی
دریافت نمی‌کردند.

ناگهان در ماه اوریل ۱۹۴۳ رادیو آلمان صریحاً اعلامیه‌ای صادر نمود مبنی بر آنکه در جنگل (کاتین - ۱) روسیه، جسد هزاران شر باز لهستانی مقتول وجود دارد. حکومت لهستان در لندن از سازمان صلیب سرخ بین‌المللی تقاضای تحقیق در این‌مورد را نمود ولی روسیه شوروی بجای پاسخ در ۲۵ آوریل روابط سیاسی خود را با دولت مزبور قطع کرد و بعد ازا وادث دیگری بسرعت پشت سر هم واقع شدند.

یک (جمعیت میهن پرستان لهستان) در روسیه مأموریت یافتد که یک ارتش لهستانی تحت فرماندهی ژنرال (برلینگ - ۲) تشکیل و همین جمعیت در ژانویه ۱۹۴۴ (کمیته‌های لهستانی) را در مسکو ایجاد نمودند. از طرف دیگر ارتش داخلی KA هم اقدام به تأسیس یک کمیته ضد کمونیستی نموده پس از آنکه متفقین را از خطر حکومت دیکتاتوری تودهای منجمله حکومت شوروی، آغاز نمود، چهار حزب غیر کمونیست لهستان هم اعلامیه‌ای دائر به منع هر گونه بحث و مذاکره در مورد مرزهای شرقی را باروسیه ویاهر نوع اقدامی را بمنظور تحفیل (آن نوع حکومتی که از شرق باید) صادر کرد. در نهضت مبارزات مخفی هر دم لهستان، هیچ چیز جز اتفاق رأی و اتحاد کلمه وجود نداشت بدتر از همه آنکه لهستان اولین ملتی بود که مورد هجوم هیتلر قرار گرفت و در عین حال به مبارزه علیی با یکی از سه متفق بزرگ که ارتشهای او پیرو زمدانه به سرزمین هایش نزدیک میشدند، بپا خاست.

« با پیش بینی ورود ارتش سرخ به لهستان، ژنرال،
 « (بور-کوموروفسکی - ۱) فرمانده ارتش داخلی AK، در اول
 « نوامبر ۱۹۴۳ دستور العملی خطاب بواحدهای خود صادر نمود»
 « که: آلمانها را که در حال عقب نشینی هستند با عملیات ایدائی «
 « خود تعاقب کنید، در هیچ موردی به سربازان شوروی حمله نکنید»
 « از اقدام به نوع عمل خصم‌مانه نسبت به پارتیزان‌های روسی»
 « احتراز نمائید و در صورت لزوم واحدهای پارتیزان خود را «
 « بدین منظور تغییر مکان دهید. ولی در عین حال به چوجه پیشنهاد»
 « داخل شدن در ارتش شوروی را هم نباید بذیر اسازمانهای مقاومت»
 « گفندگان باستی خود را نمایند گان صالح اداره لهستانی معرفی کنند»
 « در (ولهینی - ۲) آنجائی که اولین تماس باروسها حاصل شد.»
 « روسها با مقاومت گفندگان لهستانی در مواقعي که صالح نظامی»
 « و تاکتیکی ایجاد میکردند واحدهای منظمی از ارتش لهستان»
 « رفتار نموده خیلی از آنها را هم داخل سپاه (برلینک) نمودند.»
 « اما ارتش داخلی لهستان (AK) خشونت خاصی از خودنشان داد.»
 « ژنرال (بور-۳) دریک دستور عملیاتی دیگر که در بهار ۱۹۴۴ «
 « صادر کرد تصریح کرده بود که: شهرهای مهم را پس از خروج»
 « آلمانها و قبل از رسیدن روسها اشغال کنید. در دستور العمل»
 « دیگری بناریخ ۱۲ زوئیه ۱۹۴۴ توصیه شده بود: در صورت»
 « بروز مخاصمه‌ای باروسها واحدهای خود را منتقل کنید ولی «اگر»
 « در مورد خاصی وضع منتهی به اتفاق نا مطلوبی شد و روسها اقدام»
 « و پیش دستی به حمله کردند... باید از خود دفاع کنید». در »

Bor - Komorovsky - ۱

Volhynie - ۲

Bor - ۳

« این موقع (شورای اتحاد ملی) مجمعی از چهار حزب غیر، کمونیست تشکیل واعلام داشت که: « برای اینکه آزادی ایران را که در عین حال آزادی اروپاست حفظ نمائیم جداً مصمم به مقاومت در براین حمله جدید روسها هستیم ».

« نزدیک شدن ارتش شوروی باعث شد که نیروی کمونیست‌ها روابا فزایش نمهد. چنانکه (گارد توده‌ای) که در ۱۹۴۲ فقط در صدد آن بود تا تأسیسات کشاورزی را که برای اشغالگران، مفید باشد خراب کند، در ۱۹۴۳ دوست و هفده نبرد با آلمانها نموده، و در ۱۹۴۴ موفق شد که ۹۰۰ نبرد با آلمانها انجام، ۳۰۰ قطار را از خط خارج و تعداد افراد خود را به ۵۵ هزار بر ساند.

اما در مورد سپاهی که در روسیه تشکیل شد، پس از آنکه ارتش داخلی A هم جزو آن گردید و در سرزمین‌های آزاد شده وسیله، ارتش سرخ نیز عده استخدام و جزو آن شدند، در ماه اوت ۱۹۴۴ « جمع تعداد آن به ۹۰۰۰۰ نفر رسید.

« بین (ارتش توده‌ای) و (ارتش داخلی A) تماس‌های مختصر و کوتاهی حاصل شد ولی بی‌اعتمادی همچنان ادامه داشت.

« بین حکومت لندن و (کمیته نجات ملی ایران) که مشهور به کمیته (لوبلن-۱) بود هیچگونه تماسی حاصل نشد. ولی بهر حال از هرجا که ارتش سرخ می‌گذشت کمیته (لوبلن) با موافقت روسیه، شوروی، قدرت را در دست می‌گرفت و احکام و تصویب نامه‌هایی صادر و بسرعت اقدام به رiform‌های کشاورزی مینمود، (اصطنا فیسلاس)، میکولا زدک - ۲) رئیس دولت ایران آزاد در لندن طرفدار.

« تسلیم شدن دربراين کمونیستها و تشکیل یت حکومت ائتلافی »
 « با آنها بود ، بنابراین در اول ماه اوت ۱۹۴۴ مسافرتی به »
 « مسکو نموده پس از مراجعت نظرات او مورد تصویب اکثریت »
 « احزاب حکومت وی واقع نشده و مذاکرات قطع گردید .

دریک چنین محیط بی اعتمادی بود که ارش شوروی به روی
 ویستول نزدیک شد . خواستی که قبل واقع شده بود بهیچوجه
 امیدبخش و تشویق کننده نبودند : مثلاً واحدهای ارش داخلی
 در (کوول - ۱) بدون اینکه کوچکترین کمکی از وعده های
 روسیه دریافت کنند به تنها ئی با آلمانها چنگیده بودند - در
 (ویلنو - ۲) با اینکه روسها ولله ستانیها در تصرف شهر مزبور همکاری
 کرده بودند رؤسای واحدهای ارش داخلی AK بازداشت و
 زندانی گردیده بودند - در (لووف - ۳) ژنرال (کونیف - ۴)
 فرمانده روسی رسماً به فرمانده ارش داخلی اعلام کرد که
 ولایات ساحل راست ویستول تحت نظر روسها درآمد و واحدهای
 در آنجا هامنحل و رؤسای آنها زندانی گردیده اند - در شهر
 ورشو نیز با اینکه نیروهای ارش داخلی مأموریت جلوگیری
 ازورود و عبور آلمانها را در شهر داشتند معهذا در ۱۶ اوت منحل
 گردیدند .

دربراين این اوضاع دولت لهستان در لندن تصمیم بسیار
 مهمی گرفت : قیام و شورش ورشو علیه آلمانها .

۱ - Kowel

۲ - Wilno

۳ - Lwow

۴ - Koniev

این تصمیم بیشتر جنبه سیاسی داشت تا نظامی، زیرا میخواستند روسها را در مقابل یک عمل انجام شد^۵ «یعنی نجات پایتخت بوسیله مقاومت، کنندگان، بدون دخالت روسها» قرارداده، بدین ترتیب قانونی بودن دولت لرستان را در لندن بر آنها تحمیل نمایند.

این قیام شبیه شورش مردم پاریس نبود و وضعی کاملاً متفاوت با آن داشت زیرا تمام پلهایی که ارتش میتوانست از آنجا بپایتخت نزدیک شود توسط روسها منهدم شده بود و چون دولت لرستان آزاد در لندن قبل از گلوباسکسونها رامطلع نکرده بود، در نتیجه قیام مبارزین مخفی بدون انتظار هیچگونه کمکی از خارج در معرض حمله و هجوم با آلمانها قرار گرفت والبته در چنین شرایطی ممکن نبود که اوضاع بیک فاجعه و حشتناکی منتهی نگردد.^(۱)

شورش در اول اوت برپا شد، ۲۰۰۰۰ نفر مسلح به تفنگ و مسلسل و با مهمات هفت روزه که بیشتر در کازگاههای کوچک زیرزمینی ساخته شده بود در مقابل ۴۰۰۰ نفر آلمانی سربه طغیان برداشتند. شورشیان دارای یک پست فرستنده بنام (آذرخش - ۲) بودند که از ۸ اوت تا ۴ اکتبر مرتباً بزبان

۱ علت این تصمیم کاملاً روشن نیست - ژنرال اندرس مینویسد که وی، و ژنرالیسم Sonkowsky مخالف این شورش بودند - میکولا یوشیک در این موقع بروزیه پرواز کرد - اما به عنوان ترتیب این فرمان طبق تصمیم هیئت وزراء و تصویب رئیس جمهور صادر گردید.

لهستانی و انگلیسی مطالبی را پخش میکرد . عکس العمل آنگلو ساکسونها چندان توأم با علاقه‌مندی نبود . حکومت لهستان در لندن در مدت چندین روز موفق نشد حتی یک پیام بوسیله BBC برای اهالی ورشو بفرستد . لیکن بعداً انگلیس‌ها اقدام به تجهیز شورشیان کردند و ۲۹۶۹ هواپیما که اکثر آنها آمریکائی بود مورد استفاده قرار گرفت و با ۱۹۰ فروند آنها توانستند ۲۳۳ تن مواد مختلف را با چتر شهر ورشو فرود ریزند .

در داخل شهر در ۴ اوت پارتیزانهای کمونیست به شورشیان پیوسته در تحت فرماندهی ارتش AK قرار گرفتند . ولی ارتش‌های شوروی بفرماندهی (روکوسوفسکی - ۱) و هواپیماهای روسی تاروز ۱۰ سپتمبر در ساحل راست رودخانه ویستول همچنان بی حرکت ماندند . در عین حال استالین با جنایت کاران مسئول (حادثه ورشو) شروع به مذاکره نمود . — خلاصه، شورشیان در مقابل حملات تانک‌ها و توپهای هجومی، و بمباران هواپیماهای آلمانی جنگیدند و سنگرهای آنها یکی پس از دیگری سقوط کرد . در چهل و یکمین روز قیام ورشو، ارتش سرخ برای حمله به حومه شهر پراک بحرکت درآمده و پس از چهار روز آنرا تصرف و در همین موقع بود که اقدام به گذشتن از رود ویستول و تصرف چند سربل در آن طرف رودخانه نمودند . چندین گردن از ارتش (برلینگ - ۱) سعی کردند در چند مورد با

— ۱ Rokossovsky فرمانده گروه ارتشهای یکم روس

سفید X

Berling - ۲

شورشیان تماس حاصل نمایند ولی در ۲۳ سپتامبر دوباره به ساحل راست ویستول مراجعت کردند. ازاول سپتامبر روسها شروع به فروریختن چتر باز نمودند که تعداد واقعی آنها هم بین روسها و لهستانی‌ها مورد بحث است. در ۲۸ سپتامبر پس از اینکه ژنرال (بور - کوموروفسکی - ۱) آخرین دعوت خود را خطاب به (روکوسوفسکی) فرستاده به جنگ با آلمانها پایان داد. ارتش داخلی AK در این شورش ۱۰۰۰ کشته و ۷۰۰۰ مجروح داشت. تلفات مردم غیر نظامی بسیار زیاد بود، خرابه‌ها روی هم انباشته شد - و بدنبال آن آلمانها ویران کردن شهر ورشو را تکمیل نمودند.

از آن پس حوادث پشت سر هم و بسرعت اتفاق افتادند. تعرض زمستانی روسها در ۱۲ ژانویه ۱۹۴۵ آغاز و برق آسا از خاک لهستان گذشتند. ارتش داخلی K تحت امر آخرین فرمانده خود ژنرال (اوکولیکی - ۲) منحل و هزاران افسر و سرباز آن وسیله روسها بازداشت شدند. هیئت انگلیسی تحت ریاست ژنرال (هودسن - ۳) که در آخر دسامبر ۱۹۴۴ به لهستان آمده بود برای اینکه بازداشت نشوند، خود را مخفی کرده سپس به کشور خود باز گشتند. رئیس حکومت لهستان در لندن (میکولاژزیک - ۴) که در راضی کردن همکاران خود بیک نوع

Bor - komorovsky - ۱

Okulicki - ۲

Hudson - ۳

Mickolayczyk - ۴

قرار مصالحه و توافق با روسها شکست خورده بود، استعفا داد. و بعداً امکان هیچگونه رابطه‌ای بین دولت لهستان در لندن و مسکو بوجود نیامد. روسيه شوروی در ژانویه ۱۹۴۵ (کمیته لوبلن - ۱) را بجای حکومت موقتی لهستان بر سمت شناخت. با وجود ابراز خشمی که توسط افکار عمومی غرب نسبت به روسها، و ابراز علاقه و محبتی که نسیت به مردم لهستان در تمام دنیا میشد، معهذا: رؤسای متفقین در کنفرانس یالتا طبق یک فرمول کلی موافقت نمودند که لهستان عملادر تحت تفوذ سیاست فائقه روسها قرار گرفته هر زهای شرقی آن در (خط کرزون - ۱) تثبیت گردد.

۵ - در روسيه

در روسيه شوروی مبارزات مخفی با نبردهای که در میدانهای جنگ بادشمن انجام میگرفت از آغاز ماه ژوئن ۱۹۴۱ توأم و مخلوط شده بود. برای مبارزات مخفی روسيه، دولتی ذر خارج وجود نداشت تا مشکلات ایجاد رابطه با آن دولت مطرح باشد، هیچگونه دودستگی وجود نداشت تا ادراک واستنباط مسائل

Lublin - ۱

Curzon - ۲ - لرد کرزن سیاستمدار انگلیسی که نایب السلطنه

هند وزیر خارجه بود، و در ۱۹۲۳ ریاست کمیسیون تعیین مرزهای شرقی لهستان را داشت. ×

یاداره و ریاست قسمت‌ها موجب ابهاماتی گردد.

پیکاری که نهضت مبارزه مخفی در قسمتی از سرزمین‌های اشغالی انجام میدارد، جزوی از همان نبرد عظیم و سختی بود که تمام نیروهای کشور در گیر آن بوده در استراتژی ارتش موقعیت خاص خود را اشغال کرده بود. جنبش مبارزه مخفی روسیه جانشین یک دولت از هم پاشیده و یا یک ارتش شکست‌خورده نبود. در آنجا مسئله رژیم و یا تهیه طرحی که در آینده مبنای تغییر رژیم یا جایگزین نمودن آن باشد، وجود نداشت. بلکه جنبش مبارزه مخفی، رکن مهمی از (جنگ بزرگ میهنی) بود که اوضاع و احوال و مقتضیات تحمیل کرده بود. خاطرات جنگ‌های داخلی هنوز وجود داشت و کمونیست‌های مسن و پیر هنوز میتوانستند تجربیات قبلی خود را در جنگ‌های پارتیزانی بیاد آورده از آن بهره بر گیرند.

علاوه کمی قبل از شروع جنگ درمانورهای ارتش سرخ بخصوص در عملیات چتر بازی مرتبأً موضوع شرکت گریالها بطور توده‌ای و زیاد در عملیات و جنگ‌های کلاسیک مورد بررسی قرار میگرفت.

و بدین ترتیب روسها در این مورد نسبت به کشورهای دیگر پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای از لحاظ علمی و فنی نموده بودند. در چنین موقعی بود که ناگهان حمله غافلگیرانه آلمان‌ها سرعت پیشروی ارتش (ورماخت - ۱) تمام سازمانهای منظم را درهم فرویخت

و مسلماً یک عکس العمل میهن پرستانه بالا فاصله در مردم بروز کرد
بطوریکه توده های عظیم انسانی در ساختن فوری استحکامات
شهرهای (کیف - ۱)؛ (لینیگراد) و یا (اوDSA - ۲) شروع بکار
کردند، این عکس العمل میهنه از لحظه‌ای که جنگ صورت
و خاصیت توده‌ای یافت، ظاهر شد و در تمام مدت جنگ ادامه
داشت.

ولی برهم خوردن و متلاشی شدن سازمانها واضح و هویدا بود،
استالین در ۳ ژوئیه ۱۹۴۱ یعنی چند روز پس از تشکیل کمیته
های مرکزی حزب کمونیست در تمام جمهوری ها، پیامی برای
ملت شوروی فرستاد واجرای تاکتیک : قطع امید و منهدم کردن
کامل مناطق رهاسده را بنام (سرزمین های سوخته) توصیه و تأکید
نمود. ملیت هائی که تحت اشغال آلمانها درآمدند عملابحال خود
رها شدند. چون سرعت پیشروی آلمانها طوری بود که درواقع
واحدهای ارتض شرخ را دور زده و آنها میگذشتند این واحد
ها ناچار سلاحها را مخفی کرده بدون داشتن طرح یا
دستور العمل خاصی، دستجات پارهیزانی را در محل تشکیل
میدادند.

اشغالگران طبق نقشه خاصی نظامیان و جنگجویان کمونیست
را اقتل عام میکردند، حتی وضع طوری شد که رهبران کمیته ها
مجبور شدند خود را مخفی نمایند. در نتیجه اغلب اوقات ابتکار

بدست کسانی که (جزء حزب نبودند) مینقاد و این اشخاص درست در راهی که رؤسای آنها میخواستند ابراز وجود میکردند. اکثر ساکنین شهرهایی که در جریان جنگ خانه‌های آنها منهدم شده بود و حتی مردم شهرهایی مانند (ویتبسک-۱) که بدست ارتتش سرخ منهدم گردید به جنگل هافرار کردند. این دسته جات سرگردان ناچار یک سازمان حداقلی برای خود ایجاد واجباراً همه احتیاجات خود را بنحو ممکن تهیه میکردند؛ اولین حملات را علیه کسانی که با دشمن همکاری نموده یا در مقابل مصادره اموال مقاومت مینمودند اجرا کرده اعلامیه‌های دفتر اطلاعات شوروی را نیز پخش میکردند. مدت یکسال تمام تنها رابطه بین این میهن پرستان خود ساخته، و مقامات شوروی گوش‌کردن به رادیو مسکو بود. در نتیجه وقتی که اولین طرح‌های مبارزه مستقیم را شروع با جرا کردند دچار اشتباهات بزرگی شدند؛ مثلاً در سپتامبر ۱۹۴۱ که یک دسته ۷۰۰ نفری در سرچشم‌های رود (دنیپر-۲) حتی بدون داشتن یک پناهگاه طبیعی و بدون وسائل تحرک، تشکیلاتی دادند همگی وسیله آلمانها قتل عام شدند. اولین مسئله‌ای که باید بدانیم آنست که، آیا اشغالگران میتوانستند یک شورش عمومی علیه رژیم شوروی بوجود آورده، نزادهای مختلف را قادر به مبارزه مسلح‌حانه نمایند یا خیر؟ عمل در تمام دوران اشغال آلمان اجرای این چنین طرحی موافق با شکست قطعی گردید. در طرح

(باربروس - ۱) آلمانها، پیش‌بینی یک (تصفیه بیرون حما نه پارتیزانها) شد بود. که طبق آن، طرح گشتاپو فوراً روش اعدام‌ها و تبعیدهای دسته‌جمعی، و منهدم کردن همه چیز را بکار می‌برد و برای این منظور می‌باشد استی ارتش آلمان فوراً وارد عمل شده با تشکیل واحدهای مخصوص منتخب یک سپاه در کریمه بوجود آورده قسمت مهمی از پارتیزانها را قلع و قمع نماید. بعضی از فرماندهان آلسانی تصمیم به اقدامات دیگری گرفته بودند، مثلاً در (بیرینا فسک - ۲) ژنرال (شمیت - ۲) در نظر داشت که یک نفر غیر نظامی را شی را به حکمرانی تعیین و اختیاراتی درمورد انتصاب کارمندان، شهردارها، کدخدادها و از بین بردن مزارع اشتراکی و تقسیم ابیارها را بدون دخالت آلمانها بد و واگذار نماید، و این حکمران همچنین اختیار داشته باشد واحدهای چریک مرکب از هزاران نفر را استخدام و علیه پارتیزانها بکار آورداد. اما وسعت کشور، مانع از اجرای این طرح گردیده وی مجبور شد میدان عمل خود را فوق العاده محدود و فقط نقاط مستحکمی در دهکده‌هایی که در پناه او بودند بوجود آورده، واحدهای کوچکی بنام (یا گدکوماندوس - ۴) بوجود آورد، که گاهی برای مجازات پارتیزانها آنها را اعزام میداشت.

۱ - Barberousse - نام دو برادر معروف و شجاع الجزیره‌ای

است که همین نام به فردیک کبیر آلمان نیز داده شده بود و آلمانهای نازی نام مزبور را روی این طرح لعنتی نیز گذارده بودند.

Briansk - ۲

Schmitt - ۳

Jagdkommandos - ۴

در ماه مارس ۱۹۴۴ آلمانها آئین نامه‌ای که نتیجه سه سال تجربه بود تحت عنوان (آئین نامه جنگ علیه پارتیزانها) شامل دستورالعمل‌ها و خصائص دفاعی آنها منتشر نمودند، و این خود اقراری بر شکست در مقابل پارتیزانها بود، و حشت و ترس از پارتیزانها در همه جا رسوخ کرده بود.

در جریان سال ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ مجموعه عملیات مبارزات

مخفی بتدریج بدست کمونیست‌ها افتاد. فقط در او کرانی چندین هزار افراد مطمئن به عقبه ارتش‌های دشمن اعزام شدند و ریاست مبارزات پارتیزانها بیک فقر متخصص ورزیده و مجبوب جنگ‌های داخلی بنام (کوروچنگو - ۱) سپرده شده بود. در ماه می ۱۹۴۳ مییر - ۲) تشکیل داده، بدنبال آن هزاران میتینگ‌های محلی و اجتماعات برقرار شد که در آن میتینگ‌ها دستور های تاکتیکی با مسائل تبلیغاتی توأم و مخلوط شده بود. بالاخره حزب، بتدریج کنترل و اداره گروههای پارتیزانی را در تمام رده‌ها بوسیله کمیسرهای سیاسی تأمین نمود. البته واضح است که توجه و جلب افکار عمومی بیشتر متکی بر حفظ و نجات میهن بود تادفاع از رژیم، ولی در این مورد هم کمیسرها مراقبت و توجه خاصی نسبت به وضع مردمی پارتیزانها داشتند.

در سال ۱۹۴۲ استالین رؤسای مهم پارتیزانها را به مسکو احضار نمود.

در عین حال در عقبه آلمانها یک (ستاد عملیات انحرافی)

بوجود آمد . در مسکو ، لینین گـراد و استالینگراد مدارسی بمنظور آموزش خرابکاری ، خدمه رادیو ، و تهیه معلمین جنگ های پارتیزانی تشکیل گردید . رادیوها هفته‌ای دوروز دروس آموزشی جنگ پارتیزانی و گریلا را پخش میکردند . دستور های من بور بسیار جدی و محکم بود مثل امامیگفت : « با تمام وسائل ممکنه دشمن را بکشید ، از اشغالگران با آن چنان خشنونتی انتقام بگیرید که نفرت و کینه اهالی و مردم بیشتر تقویت شود ، کسانی را که با دشمن همکاری میکنند حتی افراد (بی تفاوت و محافظه کار) را پهم اعدام کنید ». از اول سال ۱۹۴۲ با ایجاد چند پست فرستنده ارتباط بین طرفین را تأمین و امکان فرو ریختن چتر باز هاهم فراهم گردید .

ژنرال (پونومارنگو - ۱) مأموریت تنظیم کلیه فعالیت‌ها و سازمان دادن هارا بعده داشت . وی موفق شد چندین عملیات بزرگ‌تر را هماهنگ نموده ، گروههای پارتیزانی را که مستقیماً تابع او بودند مسلح و آماده نماید . ولی عملاً ابتکار عملیات در دست پایگاههای پارتیزانی بود ، و گروههای محلی از استقلال عمل وسیعی برخوردار بودند ، زیرا فقط خود آنها بودند که میتوانستند نقاط ضعف دشمن را تشخیص و اقدام به عملیاتی نمایند که شانس موفقیت داشته باشد . پارتیزانهای روسی در همه جا ظاهر میشدند . در مناطق شمالی بواسطه ساخت بودن وضعیت اقلیمی تعداد آنها بسیار کم بود . حتی با وجود خاطراتی که از (استنک رازین - ۲) و (پو گاچف - ۳) در استپ های اوکرائین بناقی

بود و طبیعت کمترین امکان عملیات را نمیداد باز هم پارتیزانها وارد عمل میشدند... اما در مناطق مرکزی بر عکس، بواسطه وجود جنگل‌ها و مردابها یاد رکوهستانهای کریمه و قفقاز، پناهگاههای طبیعی زیادی وجود داشت که نه هوای پیماها میتوانستند افراد را کشف و نه تانکها قادر بودند با آنان حمله نمایند.

وظائف و نقش پارتیزانها بنا به محل استقرار آنان تغییر مییافت اگر از جبهه دورویا در شهرها بودند وظیفه آنها شامل تبلیغات بوسیله پخش تراکت‌ها، خرابکاری در تأسیسات قابل استفاده دشمن، و تشکیل گروههای علاقه‌مند بود که بتوانند محل های اختفاء تهیه کرده، تدارکات و تغذیه افراد مخفی را فراهم نمایند. یکی از خصوصیات گریالهای شوروی عبارت از تنظیم اجرای عملیات حمله و تاخت از فوacial بسیار دور بوسیله واحدهای مصمم و نیرومند بود مثلا وضع جنگل (بریانسک - ۱) طوری بود که میشد از آنجا عده‌هایی را آماده و در سمت‌های متفاوت برای مأموریت‌های مختلف اعزام داشت.

یکی از این واحدها بطرف جنوب رفت، از رویدخانه‌های (اسنو - ۲) (دننا - ۳)، (دنیپر - ۴) و (پریپت - ۵) گذشت و به عنبر خورد به آلمانها، آنها را قتل عام نمود، از هر ده کدهای که میگذشت در مدت چند ساعت (قانون جنگ مخفی) در آنجا

Briansk - ۱

Snov - ۲

Desna - ۳

Dnierp - ۴

Pripet - ۵

اچرام نداشت. يكى دیگر از این عملیات تاختنی که بوسیله ستون دیگری بعمل آمد پار تیزانها از او سکراین حرکت و بهمین ترتیب با اجرای عملیات تاقلب کوههای کارپات پیش رفتند. وظیفه پار تیزانها در آن موقع عبارت از برهم زدن تأمین خطوط دفاعی دشمن، خراب کردن روحیه اشغالگران با حملات و شبیخون غافلگیرانه و در دست گرفتن روحیه مردم بوسیله شبکه های پیچیده ای بود که تا هن لحظه بتوانند آنها را تهییج و وارد عمل نمایند. چنانکه در اول فوریه ۱۹۴۳ مردم بهمین ترتیب قیام کرده قبل از رسیدن ارتش شهر (پاواؤ گراد - ۱) را نجات دادند.

ولی در مناطق مجاور جبهه، وظیفه و نقش پار تیزانها که معرف اصول طرز عمل آنها است، عبارت از این بود که خود را بصورت پیش قراولان واقعی ارتش سرخ در آوردند. آنها بطور کلی تابع ارتش نبودند بلکه سازمانهای مبارزه مخفی و جنگ منظم هردو بطور یکنواخت از (کمیته دولتی دفاع) دستور میگرفتند. ولی اتفاق میفتاد که ارتش سرخ در مناطق خاص و برای منظورهای خاصی از پار تیزانها استفاده مینمود، در چنین مواقعي سلاحهای سنگین، مسلسل، خمپاره انداز وغیره از طرف ارتش با آنها داده میشد ولی طرز توزیع را بخود آنها واگذار میکردند. وجود این هماهنگی بین جنگ منظم و پار تیزانها در ماه ژوئن ۱۹۴۴ نتایج موفقیت آمیزی بیار آورد، مثلا در منطقه (ویتبسک- بوبروسک - ۲) مخصوصاً دزنبزد

(کورسک - ۱) که نتایج قطعی برای نجات او کراین بوجود آورد، پیش روی ارتش سرخ با عملیات این پیش قرار اولان که راه آهن هارا خراب، و بطور متوسط ۲۵ خرابکاری در روز انجام داده، در موقع لزوم پل بر روی رودخانه های میساختند باعث شد که عملیات آنها منتهی به خالی شدن یک دالان وسیعی در طول (دنی پر) تامغرب (بورگ - ۱) گردد و واحد های منظم برای حمله به جناح دشمن خود را در این دالان مخفی نمودند.

به حض اینکه سر زمین ها آزاد میشد، واحدهای پادتیزان منحل میگردیدند، افراد آنها سرشماری شده در تحت اختیار ارتش قرار میگرفتند، جمعی از آنها جزء واحدهای پاک کردن منطقه، و تأمین عقبه گمارده شده ای بطور ساده جزء واحد های ارتش میگردیدند و افسران آنها هم برای طی دوره های آموزش تکمیلی اعزام میشدند.

اهمیت واقعی گریلا ها در روسیه شوروی بدین ترتیب سنجیده و مورد بحث قرار گرفت، مسلماً فعالیت آنها مختصر و کوچک نبود. فقط در منطقه روسیه سفید ۳۰۰۰ خرابکاری در راه آهن انجام و همانقدر کامیون منهدم نمودند، بطور یکه ۱۶ گردان آلمانی (هر گردان ۲۰۰۰ نفر) بدون وسیله نقلیه و بی حرکت ماندند، با وجود اینکه گریلا های شوروی از کمک های روز افزون و هم دستی اکثریت مردم روسیه برخوردار بودند معداً لک تعداد افراد آنها زیاد نبوده و نمیتوانست هم باشد چنانکه برای او کراین ۲۰۰۰ نفر (حساب شده) بود که سهم آنها فقط میتوانست بصورت کمک باشد. وقتی که در ۶ ژوئیه ۱۹۴۳ ژنرال آلمانی

بنام (Ditmark - ۱) اعلام نمود که: «خساراتی که پارتیزانها به ارتش آلمان وارد ساخته‌اند بیش از هر نوع مخاصمات و جنگهای دیگر بوده است» مسلمًا راه مبالغه نه پیموده بود.

تاریخ نویسی شوروی هر چند که شکل تبلیغاتی دارد معهذا سهم واقعی دو وظیفه اصلی نجات و پیروزی وطن را بدون بحث به ارتش سرخ و حزب کمونیست تخصیص داده است.

نتیجه

چگونه میتوان اهمیت جنبش‌های مخفی را خلاصه کرد و از آن نتیجه گرفت؟. یکی از نتایج تحقیقی ثابت میکند که: جنبشهای مخفی بستگی به تمام لحظات و دقایق مخاصمات دارد، بطوریکه نه تنها در اروپا بلکه در اغلب جاها، حتی به اوضاع قبل از جنگ نیز بستگی داشته است. بررسی مبارزات مخفی از بررسی ومطالعه جنگ دوم جهانی جدا نیست، بلکه برای درک آن، مطالعه این یکی لازم و ضروری است، بنحوی که مقاومت، تجسم ثانوی سرشناس جنگ بصورت رقابت بین قدرت‌ها، و جنگ داخلی بین ملت‌ها میباشد.

اهمیت (سیاسی - استراتژی) مقاومت، هنگام پیاده شدن متفقین در اروپا و یا هنگام تعرض روسها، و هنگامی که تمام نیروهای خود را در اختیار فرماندهی متفقین گذارند بخوبی آشکار و معلوم گردید. این عمل تنها بمنظور

هدایت واداره جنگ نپود، بلکه بیشتر برای نتایج سیاسی آن در دوران بعد از جنگ بود... سرنوشت تمام اروپای نجات یافته انگیزه اصلی آن بود؛ کمک‌هایی که از لندن: واشنگتن، یا مسکو میرسید، اهمیت نتایج جنگ را در آینده بیشتر آشکار میکرد. این‌منظره (استراتژی - سیاسی) مبارزات مخفی بود که با وجود اینکه متفقین آنها را خیلی دیر شناختند، ولی در عوض هر گز خود را از این مبارزان مخفی‌کنار نکشیدند، برای متفقین، مقاومت، عین جنگ بود، زیرا مفهوم و نتیجه آن به سرنوشت میهن مقاومت کنندگان و میهن‌هریک از متفقین و به انگیزهای اصلی جنگ بستگی داشت.

تعیین میزان سهم مقاومت در مجموعه پیکارها بهر-حال مشکل است، — زیرا در مبارزات مخفی معیار و اندازه‌های معمولی اعتباری ندارد. تصور ذهنی پیروزی‌هاهم، که از لحاظ شرح نبردها ضروری است، همچون بخاری محو و فراموش میگردد. پیروزی مقاومت، هر گز با علائم معموله مانند فرار دشمن، حفظ میدان عملیات یا تصرف زمین‌ها مشخص نمیگردد. اگر مقاومت در شهری قدم میگذاشت مسلم بود که دشمن مراجعت میکرد و مقاومت را از آنجا میراند. و خود از آن شهر میگذست در حالی که فقط یک پنجم عده‌های مقاومت زنده میمانندند. و همین خود برای ارتض آزادی، بخشی‌مانندیو گوسلاوی موقیتی... بود. اگر عملیات (ورکور) به شکست غم انگیزی منتهی میگشت در عوض ارزش آنرا داشت که توانسته بودند در یک موقعیت حساس، یک لشکر کامل دشمن را بخود مشغول دارند. و امثال اینها ...

از نظر اقدامات روانی، مقاومت، تمام ظرفیت قدرت خود را بکار انداخت، حتی بصورت تیراژ روزنامه‌ها که اهمیت آن تنها بتعدد نسخه‌ها نبود، بلکه متوط به کوششی بود که در راه توزیع و چندین برابر نمودن خواندنگان، بکار میرفت.

حتی گاهی اوقات تصویر یک مقاومت گفته شد، و تجسم وضع آن بسی مشکل است. جمعی تیرباران شده، تبعید گردیده، یا بعنوان گروگان بازداشت میشدند... باز هم مأمور خرابکاری مؤثرتر و میحكمند، در پست خود باقی میماند. مقاومت گفته شد که در ۱۹۴۱ زندانی شده بود و بنا بشغل خود مأموریت‌هایی به ترتیب الف. ب وج داشت معهذا در ۱۹۴۴ با وجود اینکه اجرای آن مأموریت‌ها بی‌فاایده بود باز هم آنرا انجام میداد.

بطوریکه مشاهده شد فعالیت نهضت‌های مخفی از لحاظ طرز عمل بنا بوضع کشورها متفاوت بود.

برای اینکه عکس العمل ملت هزارا نسبت به اشغالگران بدانیم، چندان لزومی ندارد که از تاریخ و احساسات آنها نسبت بالمانها اطلاع داشته باشیم، زیرا اغلب دیده میشد که اثر خشونت و ضربه روحی که در همان اول شکست، و اشغال بر ملت‌ها وارد شد، بحدی بود که عقاید و نظرات قبلی هیچ‌گونه تأثیری در وضعی که افراد بعداً بخود گرفته‌ند باقی نگذاشت: این موضوع در بین فرانسویان بیشتر بچشم می‌خورد که جمعیت‌ها و احزاب اعم از اینکه قبل از نسبت بهم نزدیک تر یا مخالف هم بودند، ولی کمتر دیده شد که پس از اشغال هم عقاید آنها حاکی از نظرات و عقاید قبلی‌شان باشد.

باين دليل است که میتوان (مبارزات مخفی اروپا) را بدون اینکه تعصی بخراج دهیم در يك جهت و منظور دقیق، خلاصه نمائیم: مبارزات مخفی اروپا عبارت از در کنار هم قرار دادن مقاومنت های همی بود، که بطور متفاوت توجیه شده ولی همه آنها در يك مبارزه مشترک و باوسائل مشابه و نامساوی، شرکت داشته‌اند.

همین مبارزات بود که بدون شک و تردید پیروزی متفقین را به بهاء ارزانی یاری نمودند ولی اینکه گاهی اوقات مانند قیام پاریس و ورشو از لحظه تاکتیکی برای آنها تولید زحمت کرده باشد.

مسلماً پیروزی مقاومنت هم، بدون کمک متفقین و به تنها ای بdst نیامد. شاید سرشت پیکارهای مقاومنت این باشد که هر گز نتوانند مستقلان مجرم به پیروزی مستقل گردد، دشمن هم، هر گز مطمئن نمی‌شد که آنها را شکست داده باشد. با کوشش و تلاشی که مقاومنت گنبدگان کرده، و خطراتی که مواجه می‌شدند، سرعت پیش‌روی متفقین آنقدر بنظرشان بی‌اهمیت جلوه گر می‌شد که حتی از یک ثانیه‌ای هم که برایشان تکلیف و وظیفه‌ای ایجاد نمود غفلت نمی‌کردند. در مقابل همیشه بیدار و آگاه بودند. صرف نظر از روح برتری جوئی که در اثر جنگهای که کرده بودند در آنها بوجود آمده و حق هم داشتند، معهذا توانستند در درجه اول بر خود و بر شرایط سختی که وجود داشت بخوبی مسلط گردند. شاید کمی مبالغه آمیز باشد، اگر بگوئیم که مبارزات مخفی نه تنها تکان دهنده ترین منظره جنگ دوم جهانی را، از نظر بزرگترین فداکاری‌ها، دربر داشت، بلکه چیزی بود

که پس از پایان جنگ هم از رواج نیفتاد و کهنه نشد.
 اعم از جنگ خارجی، جنگ داخلی، جنگ روانی و یا
 جنگ مردمی، مبارزات مقاومت همیشه از یک روح تنفس از
 بیگانه، تعصب و میهن پرستی ... و از شرافتمدانه ترین شور و
 شوق، یعنی از آزادی انسان، و ملت‌ها و ترقی اجتماع،
 سرچشممه مینگیرد: و همین روح است که در یک مقاومت کننده
 بصورت عقده پرشوری ظاهر کرده، به افراد بیزمانه و منع
 هر نوع سازش و مصالحه منجر مینگردد. مبارزات مخفی برای
 دشمن سخت و طولانی بود، برای خود مقاومت هم سخت... زیرا
 شهدائی که با یک مرتبه فداکاری جان خود را ازدست میدادند
 فقدان آنها برای مقاومت بسی گران تمام میشدو برای کشورشان
 گرانتر ... با وجود این، لینقطع مردان جدیدی به مقاومت
 ایمان آورده آماده خدمت میشوند. هنوز هم دستورالعمل ها و
 استعاره‌های آنها را هیچکس فراموش نکرده است. اگر چه
 مقایسه بین تسلط استعماری و اشغال هیتلری کاری مبالغه آمیز
 است، معذالت تردیدی نیست که امروز ملت‌های استعمار زده
 هم مبارزات مخفی را آغاز کرده، شکل و حالت مقاومت را
 بخود گرفته یا آنرا تقليید میکنند: «در مقابل دشمن قویتر از خود،
 با حملات همزمان و رو با فرایش به خطوط ارتباطی، سازمان
 منطقه عقبه اورا برهم زده و آنرا افلج کنید، بوحدات کوچک،
 افراد مجزا و کاروانهای دشمن حمله نمائید. انبارها را منهدم
 نمائید. هر گز با واحد های مأمور سرکوبی درگیر و گلاویز
 نشود - به عناصر کوچکی تقسیم و پخش شده در نقطه تجمع مقرره
 دوباره بهم ملحق گردید - انضباط لازم را بدون ملاحظه و

گاهی اوقات بازور تحمیل نمائید... بکوشید که مردم را در اعمال خود شریک نمائید تا بدین ترتیب از همدهستی و سکوت آنها مطمئن گردید... بمحض اینکه تعداد افراد شما بحد لازم رسید استخدام را متوقف کنید.. زیرا وقتی که موقتی شما مسلم شد افراد علاقه مند؛ داوطلبانه بشما خواهند پیوست».

تصور نکنید، این دستورالعمل‌ها از نعش‌یک و یتنامی یا یک مائومائو و یا یک رئیس قبیله (ولایا-۱) بدست آمده است... بخیر! این دستورها را فرمانده ارتش سری فرانسه در تابستان ۱۹۴۳ صادر کرده بود... .

خلاصه باید گفت، در میان این بیم و امیدی که ذاتیه آغاز، مداومت، و سر انجام مبارزات مخفی بود... مقاومت آنقدر عظمت پیدا کرد که قسمت مهمی از عصر ما... شاید هم پر معنی ترین قسمت آنرا، در بر گرفت.

پایان

۱۵ مرداد ۱۳۴۳

فهرست مনدرجات

مقدمه

فصل یکم - خصائص عمومی

پیکار پنهانی - رشد و توسعه مبارزات مخفی -

تحولات سیاسی

فصل دوم - متفقین و جنبش‌های مخفی

بریتانیا کبیر - روسیه شوروی - هم‌الک

متوجهه امریکا

فصل سوم - مقاومت مبارزان مخفی در رژیم‌های

دیکتاتوری مطلق

ایتالیا موسولینی - مخالفت مقابله در آلمان

هیتلری

فصل چهارم - جنبش‌های مخفی در اروپای غربی.

در دانمارک - در نروژ - در هلند

در بلژیک - در فرانسه

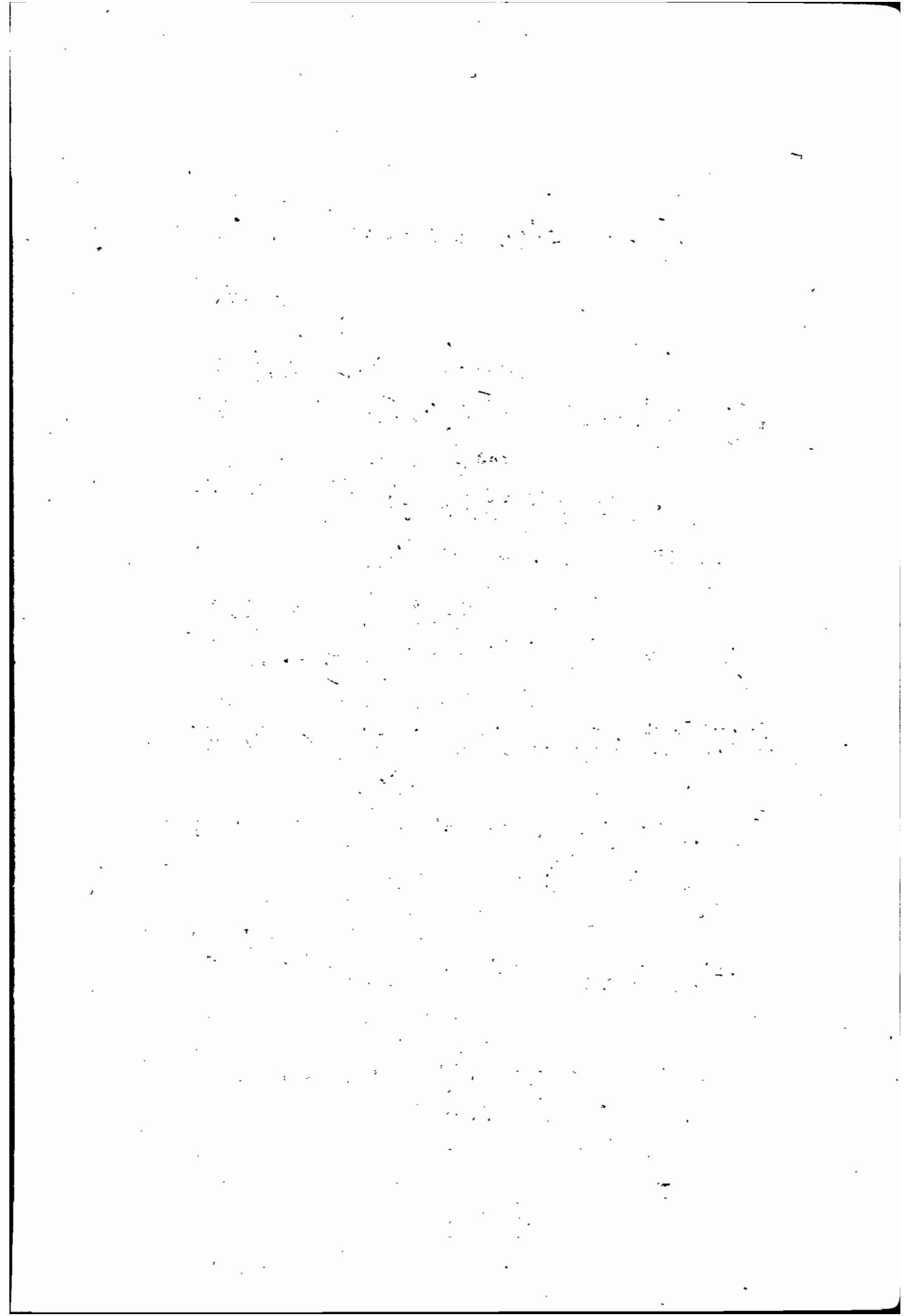
فصل پنجم - جنبش‌های مبارزان مخفی در اروپای شرقی

و مرکزی

در چکوسلواکی - در یونان -

در یوگoslاوی - در لهستان - در روسیه

نتیجه . . .



قابل توجه

چون بعضی از اغلات چاپی این کتاب طوری است که احتمال دارد معنی جمله را نا مفهوم و یا تغییر دهد خواهشمند است قبل از خواندن، غلطهای زیر را تصحیح فرمائید:

صفحه	سطر	غلط	مخالفت	صحیح
۸	۱۴	مخالفت	مخالف	مخالف
۱۴	۱	بنفتح	به نفع	به نفع
۱۵	۱۱	که این نوع مقاومت	این نوع مقاومت	این نوع مقاومت
۱۶	۲۰	محاکمه و تیرباران	محاکمه، تیرباران	محاکمه، تیرباران
۱۸	۵	گزدیده است	گردیده‌اند	گردیده‌اند
۲۱	۲۱	می‌شمردند	میدانستند	میدانستند
۲۲	۲۱	می‌شود	می‌شد	می‌شد
۲۶	۵	درصد	درصد	درصد
۲۶	۲۴	ینشی	نیشی	نیشی
۲۷	۹	بیاورند	می‌آوردن	می‌آوردن
۳۱	۷	اگر ظاهرأ	اگر چه ظاهراً	اگر چه ظاهراً
۳۴	۲	دوران اشغال	دوران اشغالی	دوران اشغالی
۴۳	۱۴	اروپا شغالی	اروپای اشغالی	اروپای اشغالی
۴۴	۱۷	مادره	صادره	صادره
۵۹	۱۵	باين بد	به این بد	به این بد
۶۵	۱۱	چندان روی	چندان	چندان

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷۰	۱۱	رفتن فاشیسم	رفتن فاشیسم
۷۱	۳	پایدار	پایداد
۷۳	۱۷	معاونین (اولونگو)	معاونین او (لونگو)
۷۵	۷	از طرف	از طرفی
۷۸	۶	۱۹۴۴	۱۹۶۴
۹۶	۶	و تربیت	و تربیت
۹۷	۱۸-۱۷	که و متفقین	که و متفقین که
۱۰۰	۱۴-۱۳	برده و فمایند	برده و استعمال نمایند
۱۰۵	۸	زمان جنگ را	زمان جنگ
۱۱۹	۱۳	گردید	گردد
۱۲۷	۶	پاشیده پروتوكلهای	پاشیده پر تکل های
۱۲۷	۷	دارلان در	در دارلان
۱۴۴	۵	لشکر برآورد	نسل برآورده
۱۵۴	۷	نمایند	نماید
۱۷۵	۴	را از دردست	را در دست
۲۰۱	۱۱	گردید	گردند
۲۰۸	۸	یاری نمودند	یاری نمود

آنچه که چاپ شده

نشریه ۱	تاریخ شوروی
۲ »	انارشیسم
۳ »	استراتژی تراستها
۴ »	نفت
۵ »	تعاون
۶ »	اشعه کمیرهانی
۷ »	کسوف خسوف
۸ »	تاریخ کار
۹ »	فحشا و واسطگی

بهره‌ای ۳۰ ریال